

بسمه تعالی  
مجلس شورای اسلامی  
دورماول - سال سوم  
۱۳۶۱-۱۳۶۲

۲۱۶

شماره ترتیب چاپ ۹۴۸

شماره ۱۸۰۰۸

تاریخ ۶۱/۳/۱۶

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی  
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه راجع به مجازات اسلامی مباحث (حدود - قصاص - دیات - تعزیرات) که  
در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۳/۹ هیات وزیران به تصویب رسید ماست به پیوست تقدیم و تقاضای  
تصویب آنرا دارد .

نخست وزیر

میر حسین موسوی

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

لایحه راجع به مجازات اسلامی

فصل اول - مواد عمومی

ماده ۱ - قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات  
تامینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال میشود .

ماده ۲ - هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات  
تامینی و تربیتی باشد ، جرم محسوب است و هیچ امری را نمیتوان جرم دانست مگر آنکه  
بموجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد .

ماده ۳ - قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی  
ایران ( اعم از زمینی ، دریائی و هوائی ) مرتکب جرم شوند اعمال میگردد مگر آنکه به  
موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

الف - هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در ایران حاصل شود ، آن

جرم واقع شده در ایران محسوب است :

ب - هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات میشود .

۱ - اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری کشور اسلامی ایران .

۲ - جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری یا رئیس جمهوری و یا استفاده از آنها .

۳ - جعل نوشته رسمی نخست‌وزیر یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها .

۴ - جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند برات‌های قبول شده از طرف بانکها یا چک‌های صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تمهیدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله .

ج - هر جرمی که مستخدمان دولت یا اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند بمناسبت شغل و وظیفه خود مرتکب میشوند و هر جرمیکه مأموران سیاسی و کنسولی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده نمی‌کنند ، مشمول مقررات بند ب خواهد بود .

د - در غیر موارد مذکور در بندهای ب و ج هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد .

ه - مجرمیکه بموجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی در هر کشوری که بدست‌آید محاکمه میشود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد .

ماده ۴ - مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است ، اگر موجود باشد عینا و اگر موجود نباشد ، مثل یا قیمت آنرا بمصاحبش بدهد و از عهده خساراتی که وارد نموده نیز برآید .

ماده ۵ - بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموالی را که دلیل جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده‌ها حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند که مسترد و یا

ضبط یا معدوم شود. نیز مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء فوق الذکر را صادر نماید .

- ۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال که در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد .
- ۲- اشیاء و اموال بلا معارض باشد .

۳- در شمار اشیاء و اموالی که باید ضبط یا معدوم گردد نباید در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا براءت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد نسبت به اشیاء و اموالیکه دلیل جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شد **حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که مسترد یا ضبط یا معدوم شود .**

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرسی یا دادستان یا قرار یا نظر دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را در دادگاههای جزائی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هر چند قرار یا نظر دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد .

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بود میا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری تودیع خواهد شد .

ماده ۶- مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید بموجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ عمل یا ترک فعل را نمیتوان بعنوان جرم به موجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر بحال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود . در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد بهترتیب زیر عمل خواهد شد .

۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده بموجب قانون لاحق جرم شناخته نشود ، در اینصورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلا اجراء شده باشد همچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانین که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمیگردد .

۲- اگر قانون لاحق مبنی بر تخفیف مجازات باشد محکوم علیه میتواند نسبت به

آن حکم تقاضای اعاده دادرسی کند و بهرحال حکم مجازات ثانوی نباید از حکم اولی شدیدتر باشد .

تنبه - اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق بمآقدام تامینی و تربیتی تبدیل گردد ، فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .

### فصل دوم جرائم و مجازاتها

ماده ۷ - مجازاتها حسب نوع جرائم بر چهار قسم است .

۱ - حدود ۲ - قصاص ۳ - دیات ۴ - تعزیرات

ماده ۸ - حدود ، مجازاتهایی است که مقدار و کیفیت آنها در شرع تعیین شده است .  
ماده ۹ - تعزیرات ، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و شلاق و جزای نقدی و کلیه اقدامات تامینی و تربیتی که بایستی از حد کمتر باشد .

ماده ۱۰ - قصاص ، کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد .

ماده ۱۱ - دیات ، جزای نقدی است که از طرف شارع برای جرم تعیین شده است .

### فصل سوم

مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی و تبعی و تکمیلی که بعنوان تعزیرات

ماده ۱۲ - مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی و تبعی و تکمیلی بمقرار زیر است .

۱ - محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی .

۲ - اقامت اجباری در محل معین .

۳ - ممنوعیت از اقامت در محل معین .

۴ - محرومیت اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین .

۵ - بستن موسسه .

۶ - محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت این مجازاتها و اقدامات

تامینی و تربیتی در صورتیکه در حکم دادگاه قید شود تکمیلی است و در مواردی که قانونا بدون قید در حکم دادگاه باشد تبعی است .

تبصره ۱ - مجازات و اقدامات مذکور ممکن است بموجب قانون مستقلا نیز مورد حکم واقع شود .

تبصره ۲ - محرومیت از حقوق اجتماعی دارای عواقب زیر است .

۱ - محرومیت از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجلس مقننه .  
۲ - محرومیت از حق عضویت در کلیه انجمن ها و شوراهای جمعیت هائی که اعضاء آن بموجب قانون باید با رای مردم انتخاب شوند .

۳ - محرومیت از عضویت در هیات منصفه و هیات امناء .

۴ - محرومیت از انتقال بهمشاغل آموزشی و روزنامه نگاری .

۵ - محرومیت از استخدام در سازمانهای دولتی و شرکتهای و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها و موسسات مامور به خدمات عمومی و ادارات مجلس شورای اسلامی و سازمانهای دیگر مملکتی .

۶ - محرومیت از وکالت دادگستری و کارگشائی و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری .

۷ - محرومیت از انتخاب شدن به سمت دادرس و کارشناس در مراجع رسمی .

۸ - محرومیت از انتخاب شدن به سمت قیم یا امین یا متولی یا ناظر یا متصدی موقوفات عام .

۹ - محرومیت از استعمال نشان و مدالیهای دولتی و استفاده از امتیازات دولتی و عناوین .

ماده ۱۳ - مدت اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در محل معین کمتر از یکماه و بیشتر از سه سال نخواهد بود .

ماده ۱۴ - مدت کلیه حبسها از روزی شروع میشود که محکوم علیه بموجب حکم

قطعی قابل اجراء محبوس شده باشد لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم بعلت اتهام یا اتهاماتیکه در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد ، مدت بازداشت قبلی میتواند موجب تخفیف در حکم تعزیری باشد .

ماده ۱۵ - ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها بنحوی است که قانون

آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات و آئین نامه های لازم باید به تصویب شورای عالی قضائی رسیده باشد .

ماده ۱۶ - هرکس بعلت ارتکاب جرم عمدی بمحکم تعزیری محکوم شود ، دادگاه میتواند محکوم علیه را بعنوان تنذیم حکم تعزیری مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا بماقامت در محل معین مجبور نماید .

ماده ۱۷ - هرکس قصد ارتکاب جنایتی کرده و شروع به اجرای آن نماید ولی بواسطه موانع خارجی که از آن فاعل در آن مدخلیت نداشته قصدش معلق بماند و جنایت منظور واقع نشود چنانچه عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم میشود والا تادیب خواهد شد .  
تبصره - مراد از تادیب مجازاتی است از نوع تعزیری که دادگاه با توجه به احوال مجرم متناسب بداند .

#### فصل چهارم - شروع به جرم

۲ ماده ۱۸ - مجرد قصد ارتکاب و جنایت و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست .  
ماده ۱۹ - هرگاه کسی که شروع به جنایتی کرد به میل خود آنرا ترک کند از جهت جنایت منظور مجازات نخواهد شد .  
ماده ۲۰ - شروع به ارتکاب جرم در صورتی قابل مجازات است که در قانون تصریح شده باشد .

#### فصل پنجم - تکرار جرم

ماده ۲۱ - هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری محکوم شود ، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم دیگری گردد دادگاه میتواند مجازات او را در صورت لزوم تشدید نماید .  
تبصره ۱ - هرگاه حین صدور حکم محکومیتهای سابق مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم شود ، دادستان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام میکند در این صورت اگر دادگاه محکومیتهای سابق را محرز دانست میتواند طبق مقررات فوق اقدام نماید .

#### فصل ششم - شرکاء و معاونین جرم

ماده ۲۲ - هرکس با علم و اطلاع با شخص یا اشخاص دیگر در جرمی مشارکت و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود . در مورد جرائم غیر عمدی که ناشی از

خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود .  
اگر تاثیر مداخلة شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به متناسب  
تاثیر عمل او تخفیف می دهد .

ماده ۲۳ - اشخاص زیر معاون مجرم محسوب و تعزیر میشوند .

۱ - هرکس بر اثر تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کسی را مضمم به ارتکاب  
جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود .

۲ - هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آنرا  
با علم به قصد مرتکب ارائه دهد .

۳ - هرکس عالماً ، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند .

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی

بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است .

ماده ۲۴ - در صورتیکه فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات  
نبوده و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد ،  
تاثیری در حق معاون مجرم نخواهد داشت .

ماده ۲۵ - رهبری و سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل  
آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد میتواند از علل مشده مجازات باشد .

### فصل هفتم - تعدد جرم

ماده ۲۶ - هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده  
میشود که مجازات آن اشد است .

ماده ۲۷ - در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتکابی مختلف باشد باید برای هر  
یک از جرائم مجازات علیحده تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین  
میگردد و در این قسمت تعدد جرم میتواند از علل مشده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم  
ارتکابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون  
محکوم می گردد .

ماده ۲۸ - در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه می تواند در مورد تعدد جرم  
کیفر را تخفیف دهد .

فصل هشتم - حدود مسئولیت جزائی

ماده ۲۹ - اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.  
تبصره ۲ - چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب بشود، عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن به عهده ولی طفل میباشد.  
تبصره ۳ - در جرائم مهمه هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه باستی به کیفیتی باشد که دیه بمآل تعلق نگیرد.

ماده ۳۰ - جنون به هر درجه که باشد موجب عدم مسئولیت کیفری است و هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و حالت خطرناک داشته باشد، به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگاهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است؛ شخص نگهداری شده یا کسانش میتوانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد از دستور دادستان شکایت کنند. در این صورت دادگاه در جلسه اداری یا حضور شاکئی و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تا باید دستور دادستان صادر میکند و این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش ظرف هرشش ماه حق شکایت از دستور دادستان را دارند.

ماده ۳۱ - استعمال مواد الکلی مسکر موجب مجازات شرعی است و اگر ثابت شود استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم بوده مجرم به مجازات استعمال و همچنین جریمی که مرتکب شده محکوم خواهد شد.

ماده ۳۲ - هرگاه کسی در حال مستی مرتکب جرمی شود و محرک در دادگاه اختیار خارج شده است در صورتیکه معلوم شد و با چنین نیتی خود را مست نکرده مجازات نمی شود لکن مسئول جبران خسارات وارده میباشد.

ماده ۳۳ - هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کنند به مجازات آن جرم محکوم نمیگردد.

تبصره - حکم این ماده در مورد قتل نفس جاری نیست.  
ماده ۳۴ - هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطروا عمدا



ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد .

تبصره - کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر هستند ، مشمول مقررات این ماده نیستند مگر در موارد جرائم نسبت به اموال در صورتی که ارتكاب آن جرائم ملازمه با انجام وظایف آنان داشته باشد .  
ماده ۳۵ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود .

۱ - در صورتیکه ارتكاب عمل به امر آموخته قانونی باشد .

۲ - در صورتیکه ارتكاب عمل برای اجرای قانون لازم باشد .

تبصره - هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود امر و مامور به مجازات مقرر در شرع محکوم می شوند ولی در مورد ماموری که امر او را به علت اشتباه قابل قبولی به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد در مجازات او تخفیف داده میشود .  
ماده ۳۶ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود .

۱ - اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه در حدود متعارف تادیب و محافظت باشد .

۲ - هر نوع عمل جراحی یا طبی که ضرورت داشته و با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی انجام شود . اخذ رضایت در موارد فوری ضروری نخواهد بود .

۳ - هر نوع عمل جراحی یا طبی که به شرط رضایت صاحبان حق و با رعایت نظاماتی که از طرف دولت تصویب و اعلام میشود انجام گیرد .

۴ - حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد .

ماده ۳۷ - هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود .  
۱ - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

۲ - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود .

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است کما و ناتوان از دفاع بوده و تقاضای کمک کند و یا در وضعی باشد که امکان استمداد نداشته باشد .

ماده ۳۸ - مقاومت با قوای تامینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند ، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد در اینصورت دفاع جایز است .

### فصل نهم - تخفیف مجازات

ماده ۳۹ - در مورد تعزیرات دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه میتواند مجازات را تخفیف دهد کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود علل وجهاتی است از قبیل .

- ۱ - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی .
  - ۲ - اظهارات و راهنماییهای متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اثباتی که از جرم تحصیل شده موثر باشد .
  - ۳ - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم .
  - ۴ - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد .
  - ۵ - وضع خاص شخصی و یا سابقه متهم .
  - ۶ - اقدامات یا کوشش متهم بمنظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن .
- تبصره ۱ - دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در حکم صریحا

قید کند .

تبصره ۲ - در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمیتواند بموجب همان کیفیت دوباره مجازات را تخفیف دهد .

ماده ۴۰ - در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب کیفری یا اجرای مجازات موقوف گردد گذشت باید منجز باشد گذشت مشروط و همچنین گذشت معلق قابل ترتیب اثر نیست . عدول از گذشت نیز مسموع نخواهد بود .

هرگاه متضرر از جرم متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع میشود ولی موقوفی تعقیب و مجازات موکول به گذشت تمام شاکیان است .

تبصره ۱ - تاثیر گذشت. قیم موقف منوط به موافقت دادستان خواهد بود .  
تبصره ۲ - حق گذشت بهوارث قانونی متضرر از جرم منتقل و دز صورت گذشت همگی آنان تعقیب و اجرای مجازات موقوف میگردد .  
ماده ۴۱ - اشتغال بکار زندانیان به درخواست آنان و با اجازه دادگاه صادرکننده حکم محکومیت بلا اشکال است . در مورد مرتکبین جرائم عادی ممکن است با رعایت شرایط ذیل محبوسین در بدو ورود به زندان به کار در موسسات صنعتی و کشاورزی گمارده شوند .  
۱ - درخواست و یا رضایت زندانی .  
۲ - در صورتیکه زندانی مجرم بالفطره یا بالعاده یا بالحرغه نبوده و فاقد حالات خطرناک باشد .

تبصره ۱ - در صورتیکه زندانی مشغول به کار در موسسات صنعتی و کشاورزی مرتکب جرمی بشود فوراً به زندان اعاده و علاوه بر مجازات جرمی که جدیداً مرتکب شده بقیسه مدت مجازات جرم سابق از تاریخی که مرتکب جرم جدید شده در باره او اجرا میشود .  
تبصره ۲ - درآمد حاصله از اشتغال به کار زندانی متعلق به او بوده مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

تبصره ۳ - ترتیب رسیدگی و نحوه احراز شرایط مذکور در فوق نسبت به محکومین جرائم عادی و همچنین چگونگی اشتغال به کار محکومین دادگاههای نظامی و محکومین جرائم سیاسی و نیز کیفیت پرداخت اجرت و طریقه محافظت و مراقبت از محبوسین مشغول به کار مطابق آئین نامهای خواهد بود که شورای عالی قضائی وزارت دفاع و شهرهای جمهوری اسلامی تصویب خواهند نمود .

ماده ۴۲ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین و یا ترک تعقیب متهمین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور با مقام رهبری است .  
تبصره - عفو، تعقیب و دادرسی را موقوف و در صورت صدور حکم محکومیت اجرای مجازات را متوقف و آثار محکومیت را زایل میکند .

### آزادی مشروط زندانیان

ماده ۴۳ - هرکس برای مرتبه اول بعلت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شود و نصف مجازات آنرا گذرانده باشد ممکن است به حکم دادگاه صادرکننده دادنامه قطعی محکومیت در صورت وجود شرایط زیر از آزادی مشروط استفاده نماید .  
۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد .

۲- هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد .

۳- هرگاه تا آنجا که میتوان از او انتظار داشت ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاهها مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بر داختمها شد یا قرار پرداخت آنرا بدهد .

تبصره ۱- محکومین به حبس دائم پس از گذراندن ۱۲ سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند .

تبصره ۲- صدور حکم آزادی مشروط منوط است به پیشنهاد دادیار ناظر زندان و موافقت دادستان دادگاه صادرکننده حکم و در صورت نبودن دادیار به پیشنهاد دادستان . در پیشنهاد مزبور باید وجود شرایط بالا تصریح شده باشد در این مورد نظریاتی که انجمن حمایت زندانیان بدهد مورد توجه دادیار و دادستان قرار خواهد گرفت .

تبصره ۳- صدور حکم آزادی مشروط کسانیکه طبق احکام قطعی دادگاههای نظامی محکومیت حاصل نمینمایند منوط است به پیشنهاد دادستان دادگاه صادرکننده حکم محکومیت و موافقت دادستان ارتش و صدور حکم از دادگاه صادرکننده حکم قطعی - در صورتیکه دادگاه نظامی صادرکننده حکم قطعی منحل شده یا بشود صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان ارتش و صدور حکم از یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر سازمانی و دائمی سازمان قضائی ارتش با رعایت مقررات این فصل خواهد بود .

تبصره ۴- مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود ، ولی دادگاه میتواند مدت آنرا تغییر دهد و در هر حال کمتر از یکسال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود جز در مواردی که بقیه مدت کمتر از یک سال باشد که در اینصورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس خواهد بود و در مورد حبس دائم مدت آزادی مشروط پنج سال خواهد بود .

تبصره ۵- دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط میتواند به پیشنهاد دادیار ناظر زندان و تقاضای دادستان برای مدت آزادی مشروط در ضمن حکم خود محدودیت‌هایی از قبیل اقامت در محل تعیین خدمت در موسسات خیریه و یا صنعتی یا فلاحی یا نزد کارفرمای معین را مقرر بدارد .

تبصره ۶- چنانچه در مدت آزادی مشروط آزاد شده مرتکب جرم دیگری بشود یا با وجود اخطار رسمی دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط تکرار در نقض محدودیت‌هایی که طبق تبصره ۵ مقرر گردیده بنماید و یا به هر طریق دیگری شایسته نبودن مشارالیه برای اعتمادی که به او شده است ثابت شود دادگاه به تقاضای دادستان مربوط حکم به بازداشت

او بمنزندان برای اجراء بقیه مدت مجازات خواهد داد .  
تبصره ۷ - هرگاه آزاد شده در تمام مدت آزادی مشروط مستمرا از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد آزادی او قطعی خواهد شد و محکومین به حبس دائم پس از انقضاء مدت آزادی مشروط که زائد بر پنج سال نخواهد بود آزاد خواهند شد .  
تبصره ۸ - در مواردی که مجازات حبس توأم با غرامت باشد دادگاه موقتی حکم آزادی مشروط را میدهد که محکوم علیه غرامت را پرداخته و یا قراری برای پرداخت آن به دادستان داده باشد .

### تعلیق اجرای مجازات

ماده ۴۴ - در کلیه محکومیت‌های به حبس و یا غرامت و یا بهر دو مجازات کنه‌اشی از ارتکاب جرمی باشد که مجازات آن قانوناً تعیین شده باشد و شرعاً نباشد .  
دادگاه میتواند با احراز شرایط ذیل اجرای حکم مجازات را برای مدت ۲ تا ۵ سال در ضمن حکم محکومیت معلق نماید .  
الف - محکوم علیه سابقه محکومیت موثر کیفری نداشته باشد و در صورتیکه سابقه محکومیت کیفری داشته است به جهتی از جهات قانونی محکومیت و آثار آن زایل گردیده باشد .  
ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است تعلیق مجازات را مناسب بداند .  
ج - محکوم علیه تعهد نماید زندگی شرافتمندانه‌ای را در پیش گرفته و از دستورهایی دادگاه کاملاً تبعیت کند .

د - در مورد محکومیت به غرامت هرگاه بردادگاه محرز شود که محکوم علیه قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از غرامت نمی‌باشد .

تبصره ۱ - در محکومیت‌های به حبس و غرامت دادگاه میتواند در صورت اقتضا و با رعایت مقررات این فصل فقط مجازات حبس را در بار محکوم علیه تعلیق نماید .

تبصره ۲ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات او معلق شده تا اگر بازداشت باشد دستور دادگاه فوراً آزاد میگردد .

تبصره ۳ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهایی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و جهات شخصی مجرم و با رعایت قسمت اخیر ماده ۴۴ تعیین می نماید .

تبصره ۴ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده میتواند اجرای دستور یا دستورهایی ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف

بهاجرای دستور دادگاه میباشد .

- ۱- مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود .
- ۲- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین .
- ۳- اشتغال به تحصیل در یک موسسه فرهنگی .
- ۴- خودداری از قمار و صرف مشروبات الکلی یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص دهد .
- ۵- خودداری از رفت و آمد به محلهای معین .
- ۶- معرفی خود درمذتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان شهرستان تعیین خواهد کرد .

تبصره - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست .

- ۱- مجازات کسانیکه بهوارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء برای مرتکبین اعمال مذکور تسهیل و وسائل مینمایند .
- ۲- مجازات کسانیکه مجرم اختلاس یا ارتشاء یا جعل و یا استفاده از سند مجعول محکوم میشوند .

تبصره ۶ - تعلیق اجرای مجازات شامل مجازاتهای تبعی و تکمیلی نیز خواهد بود .  
تبصره ۷ - تعلیق اجرای مجازات تأثیری در حقوق مدعیان خصوصی از حیث ضرر و زیان نخواهد داشت و حکم پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجراء خواهد شد .

تبصره ۸ - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور حکم تعلیق اجرای مجازات درمذتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی که دارای آثار کیفری است نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو میشود . برای کلیه محکومین به مجازاتهای معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و بمراجع صلاحیت دار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الفاء گردد باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود .

تبصره ۹ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق و قطعی شده از تاریخ صدور حکم تعلیق درمذتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی شود به محض قطعی شدن حکم اخیر و مشروط به اینکه محکومیت جرم جدید محکومیت موثر باشد تعلیق اجرای مجازات سابق ملغی خواهد شد و باید دادگاهی که حکم تعلیق را صادر کرده الفاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نیز در باره محکوم علیه اجراء گردد .

تبصره ۱۰ - حکم مورد تعلیق اجرای مجازات در مدت قانونی قابل پژوهش و فرجام است.

تبصره ۱۱ - هرگاه بعد از صدور حکم معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت موثر کیفری بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت تقاضای لغو آنرا از دادگاه خواهد کرد و دادگاه پس از ملاحظه دلائل و احراز وجود سابقه حکم معلق را القاء خواهد نمود.

تبصره ۱۲ - دادگاه هنگام صدور حکم تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه را صریحا به محکوم علیه اعلام و به او تفهیم خواهد نمود که اگر در مدت تعلیق مرتکب جرمی با محکومیت موثر شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز در باره او اجرا خواهد شد.

تبصره ۱۳ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که مرتکب چند جرم مهم شده و با رعایت تعدد جرم محکوم میشوند قابل اجرا نیست و اگر احکام قطعی متعددی از دادگاههای جزائی درباره یک نفر صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ حکم معلق را از دادگاه صادر کننده بخواهد و طبق قانون آئین دادرسی کیفری مجازات را اجرا نماید. سایر ترتیبات مربوط به فصول دهم و یازدهم طبق آئین ناممائی که به تصویب شورای عالی قضائی میرسد اجرا خواهد شد.

ماده ۴۵ - هر محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر بوده و قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید محکوم علیه دیوانه به بیمارستان روانی منتقل و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد.





حد، کفیر، مشخصی است که بزهکار به آن محکوم می شود.

### فصل اول - حد زنا

ماده ۱ - هرگاه مردی با زنی که در قید زوجیت او نیست نزدیکی نماید خواه در قبل و خواه در دبر و چه انزال شود یا نشود هر دو زانی شناخته می شوند.

#### شرایط حد زنا

ماده ۲ - زنا در صورتی موجب حد می شود که زانی دارای اوصاف زیر باشد.

بلوغ - عقل - اختیار - آگاهی

پس زناى ناهالغ و دیوانه و اکرا شده و کسی که در اثر اشتباه با زنی زنا نمود یا در اثر ندانستن حکم شرعی با زنی ازدواج کرد که عقد با او مشروع نبود و با آن زن جماع کرد موجب حد نمی شود.

تبصره ۱ - هرگاه مردی حرام بودن ازدواج با زنی را نداند و احتمال حرمت آن را بدهد و بدون پرسیدن حکم شرعی با او ازدواج نماید و دخول کند محکوم به حد خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه زنی حرام بودن جماع با مردی را بداند و آن مرد آگاه نباشد و خیال کند که دخول به این زن برای او جائز است و دخول نماید فقط آن زن محکوم به حد زنا میباشد و اگر مرد آگاه بود و زن ناآگاه فقط آن مرد محکوم به حد زنا خواهد بود نه زن.

ماده ۳ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و ناآگاهی کنند، در صورتی که احتمال درست بودن ادعا درباره او داده شود، بدون شاهد و سوگند، آن ادعا پذیرفته می شود و حد ساقط خواهد بود.

ماده ۴ - هرگاه زنی ادعا کند که به زنا آکراه شده ادعای او در صورتیکه یقین بر خلاف او نباشد، قبول می شود.

### راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۵ - الف - اقرار - هرگاه مرد یا زنی چهار مرتبه (اولی و احوط آنست که در چهار مجلس باشد) اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید به محبس از دو سال تا پنج سال و پنجاه ضربه شلاق بعنوان تعزیر محکوم خواهد شد.

ماده ۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد.

بلوغ - عقل - اختیار - قصد

پس اقرار نابالغ و دیوانه و مست و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی - هازل - نائم و بیهوش ، نافذ نیست .

ماده ۷ - اقرار باید صریح یا ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف داده نشود .

ماده ۸ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید حد ساقط نمی شود مگر آنکه اقرار به زنائی کند که موجب حد رجم یا قتل باشد و سپس انکار نماید که در این صورت حد رجم و قتل ساقط می شود .

ماده ۹ - هرگاه کسی به زنائی اقرار کند که موجب حد است و بعد توبه نماید ، حاکم می تواند او را عفو کند یا حد بر او جاری سازد .

ماده ۱۰ - هرگاه زنی که همسر ندارد باردار شود به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی گیرد مگر آنکه با یکی از راهبانی که در این قانون آمده زنا یا ثابت شود .

ماده ۱۱ - ب - شهادت - زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دو زن عادل ثابت می شود . خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم .

ماده ۱۲ - در مواردیکه زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل و یا چهار زن عادل نیز ثابت میشود .

تبصره - گواهی زنها به تنهایی یا به انضمام گواهی یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه آن گواهان مورد حد افتراء قرار می گیرند .

ماده ۱۳ - گواهی شاهد باید روشن و بدون ابهام باشد .

ماده ۱۴ - گواهی شاهد باید مستند به مشاهده باشد و گواهی حدسی معتبر نیست .  
ماده ۱۵ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند باید از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلاف نداشته باشند و در صورت اختلاف بین گواهان زنا ثابت نمی شود بلکه آنها به حد افتراء محکوم خواهند شد .

ماده ۱۶ - شهود باید بدون فاصله زمانی شهادت دهند پس اگر بعضی از آنها گواهی دهد و دیگران حضور پیدا نکنند یا گواهی ندهند زنا ثابت نمی شود بلکه گواهی دهنده مورد حد افتراء قرار میگیرد .

ماده ۱۷ - هرگاه زنا از راه گواهی یا اقرار ثابت شود باید حد آن فوراً جاری گردد و تاخیر آن بدون عذر موجه مانند بیماری یا بارداری جایز نیست .

ماده ۱۸ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .

ماده ۱۹ - در مواردی که طرفین زنا هر دو از یکی از اقلیت‌های دینی رسمی باشند مثلاً هردو یهودی یا هردو مسیحی باشند حاکم شرع میتواند درباره آنها برابرقوانین اسلامی حکم دهد و هم میتواند آنها را بهمراجع دینی خودشان ارجاع کند (واجب است احتیاطاً بین آنها برابر با موازین اسلامی حکم کند و زناى زن محصنه با شخص نابالغ موجب حد تازیانه است ، نه رجم .)

اقسام حد زنا

اول " قتل "

ماده ۲۰ - زنا در موارد زیر موجب قتل میشود .

الف - زنا با محارم نسبی موجب قتل است .

ب - زنا با زن پدر موجب قتل است .

ج - زناى غیر مسلمان با زنى که مسلمان میباشد موجب قتل زانى است .

د - زناى به عنف و اکراه موجب قتل زانى اگر اهکننده است .

تبصره - در موارد فوق فرقى بين جوان و پير و محصن و غير محصن نيست .

دوم - سنگسار

زنا در موارد زیر موجب سنگسار میشود .

الف - زناى مرد محصن يعنى مرد جوانى که داراى همسر دائمىست و با او جماع

کرده و هر وقت بخواهد با او جماع کند میتواند موجب سنگسار است خواه با بالغ زنا کند خواه با غير بالغ .

ب - زناى زن محصنه يعنى زن جوانى که داراى شوهر دائمى است و جماع با او

حاصل شده و شوهرش نيز همواره با او رفت و آمد دارد با مرد بالغ موجب سنگسار است .

تبصره ۱ - زناى مرد يا زنى که همسر دائمى دارد ولي در اثر مسافرت يا حبس و

مانند آن در عذرهای موجه به همسر خود دسترسى ندارد موجب سنگسار نيست .

تبصره ۲ - طلاق رجعى قبل از سپرى شدن ايام عده ، مرد يا زن را از احصان

خارج نمى کند ولي طلاق بائن آنها را از احصان خارج مى نمايد .

سوم - تازیانه

۱ - زناى مردى که زن ندارد .

۲ - زناى زن پير که داراى شرايط احصان باشد موجب میشود که قبل از سنگسار

کردن حد تازیانه بر آن جارى شود .

چهارم - تازیانه با تراشیدن سر و تبعید

زنای مردی که ازدواج کرد لکن دخول نکرده موجب حد تازیانه است با تراشیدن سر و تبعید از وطن بمدت یکسال بجائی که حاکم شوع تعیین می نماید .

تبصره - در احکام یاد شده فرقی بین زنا با زن زنده و مرده نیست .

ماده ۲۱ - تکرار زنا قبل از اجراء حد هر چند با زنهای متعدد باشد موجب تکرار حد نمی شود . مگر آنکه زناهای مکرر از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب تازیانه بوده و بعضی دیگر موجب سنگسار باشد که در این صورت قبل از سنگسار نمودن زانی ، حد تازیانه بر او جاری میشود .

ماده ۲۲ - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند بعد از هر بار حد بر او جاری شود ، چنین شخصی در مرتبه چهارم گشته می شود .

ماده ۲۳ - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود و همچنین بعد از وضع حمل در صورتیکه نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن او برود ، ولی اگر کفیل پیدا شود حد بر او جاری می شود .

ماده ۲۴ - زن باردار یا شیرده در صورتیکه اجراء حد تازیانه بر او موجب زیان حمل یا زیان شیرخوار گردد اجراء حد به تاخیر می افتد .

ماده ۲۵ - هرگاه مریض یا زن مستحاضای محکوم به قتل و یا سنگسار شده باشد ، حد بر او جاری میشود ولی اگر محکوم به تازیانه شد باید صبر کرد تا بیماری او برطرف گردد یا زن از استحاضه پاک شود .

تبصره - اجراء حد در حال حیض جایز است .

ماده ۲۶ - هرگاه بهبودی مریض مورد امیدواری نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکهای که مشتمل بر صد واحد باشد به او زده میشود گرچه همه آنها به بدن محکوم نرسد .

ماده ۲۷ - هرگاه کسی که محکوم به حد شد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمیشود .

ماده ۲۸ - حد تازیانه را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .

ماده ۲۹ - حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

کیفیت اجراء حد

ماده ۳۰ - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شد باید آن حدود را به ترتیبی اجراء کرد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد . مثلا اگر به تازیانه زدن و به سنگسار

شدن محکوم شد باید اول حد تازیانه جاری شود. بعدا حد سنگسار .

ماده ۳۱ - هرگاه زناى شخصى که دارای شرائط احصان است با اقرار او ثابت شود هنگام رجم نمودن اول حاکم شرع سنگ می زند بعدا دیگران و اگر زناى او به شهادت شهود ثابت شود اول شهود سنگ می زنند بعدا حاکم سپس دیگران .

ماده ۳۲ - مرد را درحالی که ایستاده باشد و پوشاکی جز ساطر عورت ننوشیده باشد تمام بدن او غیر از سر و صورت و عورت تازیانه زده میشود ولی زن را درحالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند .

ماده ۳۳ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عدهای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند درحال اجراء حد حضور یابند .

ماده ۳۴ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر وزن را هنگام رجم تا نزدیکی سینه درچالهای قرار می دهند آنگاه رجم می کنند .

ماده ۳۵ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از چالهای که در آن قرارگرفت فرار کند در صورتی که زناى او به شهادت ثابت شده باشد بزرگدانه میشود تا حد نبر او جاری گردد و اگر با اقرار او ثابت شده باشد و فرارش هم بعد از برخورد ولو یک سنگ باشد بزرگدانه نمی شود ولی کسی که محکوم به تازیانه باشد و فرار کند در هر حال بزرگدانه می شود تا حد تازیانه بر او جاری گردد .

ماده ۳۶ - سنگها در رجم نباید خیلی بزرگ باشد که با رسیدن یک یا دو تاي از آنها شخص کشته شود و نباید خیلی کوچک همانند رنگهای ریز که نام سنگ بر آنها صدق نکند و مناسب است که کوچک باشد .

ماده ۳۷ - کسی که محکوم به قصاص یا رجم شد قبل از اجراء قصاص یا رجم حاکم شرع او را امر می کند که غسلی نظیر غسل میت انجام دهد یعنی اول با آب سرد و دوم با آب کافور و سوم با آب خالص غسل کند آنگاه حنوط نماید و کفن پیوشد سپس قصاص یا سنگسار شود و بعد از نماز میت او را بدون غسل بزرگورستان مسلمین دفن می نمایند و چنانچه دستور را انجام نداد پس از اجراء قصاص یا رجم او را غسل می دهند و حنوط و کفن و دفن می کنند .

ماده ۳۸ - حاکم شرع میتواند به علم خود در حق الله و حق الناس عمل کند و حد الهی را جاری نماید و در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد .

ماده ۳۹ - هرگاه کسی در زمانهای متبرک مانند ماه رمضان و روز جمعه و اعیاد

مذهبی یا در مکانهای شریف مانند مسجد و حرم و مشاهده مشرفه زنا کند غیر از حد ، تعزیر هم می شود و مقدار آن با ملاحظه خصوصیتهای زمانی و مکانی به نظر حاکم شرع میباشد .  
ماده ۴۰ - لازم است گواهان هنگام اقامه حد خواه سنگسار خواه تازیانه حاضر شوند ولی اگر مردند یا غائب بودند حد ساقط نمیشود لیکن اگر فرار کردند حد ساقط میشود .

### فصل دوم - حد مسکر

ماده ۴۱ - هرگاه کسی شراب بخورد محکوم به حد خواهد شد خواه مہماً شامیدن باشد ، خواه به غیر آن و خواه کم یا زیاد و خواه خالص و خواه مزوج با چیز دیگر ، خواه مست بشود و خواه نشود .

تبصره ۱ - مراد از شراب در این فصل هر چیزی است که مست کننده باشد .

تبصره ۲ - فرقی بین انواع مست کننده نیست خواه از انگور گرفته شود ، خواه از خرما یا کشمش و یا عسل و مانند آن و خواه از یک چیز گرفته شود ، خواه از چند چیز .  
تبصره ۳ - آب جو گرچه مست کننده نباشد در حکم شراب است و موجب حد خواهد بود .

تبصره ۴ - خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا وسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده گرچه حرام است ولی موجب حد نمی باشد .

### شرایط حد مسکر

ماده ۴۲ - حد مسکر بر کسی ثابت میشود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد .

تبصره ۱ - در صورتیکه ندانستن حکم درباره شراب خوار محتمل باشد ، محکوم به حد نخواهد شد .

تبصره ۲ - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حبس خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد میشود .

ماده ۴۳ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت مقداری شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد .

### راههای ثبوت خوردن مسکر در دادگاه

ماده ۴۴ - الف - اقرار - هرگاه کسی دوبار اقرار کند که شراب خورده ، محکوم به حد مسکر میشود .

ماده ۴۵ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .

۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - اختیار ۴ - قصد

ماده ۴۶ - ب - شهادت - هرگاه دو مرد عادل گواهی دهند که شخصی شراب خورده محکوم به حد می شود .

ماده ۴۷ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری گواهی دهد که او شراب ... حد ثابت میشود .

ماده ۴۸ - شهادت زنها به تنهایی یا بهضمیمه مرد حد مسکر را ثابت نمی کند .

ماده ۴۹ - هرگاه گواهان خواستند خصوصیت‌های شراب خوردن را بیان کنند باید بین آنها از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی اگر بعضی از آنها به خورد اصل مسکر و دیگری به خوردن یک نوع خاص آن شهادت دهد حد ثابت میشود .

تبصره - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده شراب در بین نباشد .

مقدار حد مسکر

ماده ۵۰ - حد شراب خوردن ، هشتاد تازیانه است چه مرد و چه زن .

تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شراب خوردن به هشتاد تازیانه محکوم می شود .

کیفیت اجراء حد

ماده ۵۱ - مرد را درحالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساطر عورت نداشته باشد تازیانه میزنند و زن را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد ، تازیانه میزنند .

تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد .

ماده ۵۲ - حد وقتی جاری میشود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .

ماده ۵۳ - هرگاه کسی چند بار شراب بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافیست .

ماده ۵۴ - هرگاه کسی چند بار شراب بخورد و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته میشود .

ماده ۵۵ - کسی که محکوم به حد است دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمیشود .

ماده ۵۶ - هرگاه شرابخوار قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود ، ولی اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد از او ساقط نمی شود .  
 ماده ۵۷ - هرگاه کسی بعد از اقرار به شراب خوردن توبه کند حاکم میتواند او را عفو نماید یا حد بر او جاری کند .

فصل سوم - حد لواط

ماده ۵۸ -  
 ماده ۵۸ - لواط ، وطی انسان مذکر است .  
 ماده ۵۹ - هرگاه کسی انسان مذکر را وطی کند فاعل و مفعول هر دو محکوم به حد خواهند شد .

ماده ۶۰ - حد لواط قتل است .

ماده ۶۱ - لواط در صورتی موجب قتل ( اعدام ) میشود که فاعل و مفعول هر یک دارای اوصاف زیر باشد .

۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - اختیار پس لواط نابالغ و دیوانهوارا کرده شده موجب قتل نمی شود .

ماده ۶۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل ، نابالغی را وطی کند فاعل کشته می شود و مفعول اگر مکره نباشد تادیب می گردد .

ماده ۶۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند هر دو تادیب می شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .

تبصره - اگر هنگام وطی ، منی نازل شود علامت بلوغ فاعل خواهد بود .

راههای ثبوت لواط در دادگاه

ماده ۶۴ - الف - اقرار - هرگاه فاعل یا مفعول چهار بار اقرار به لواط کنند نسبت به اقرارکننده لواط ثابت می شود .

ماده ۶۵ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد .

۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - اختیار ۴ - قصد

ماده ۶۶ - هرگاه فاعل یا مفعول کمتر از چهار بار اقرار به لواط کنند حد ثابت نمی شود ولی به حبس از یکسال تا سه سال و به پنجاه ضربه شلاق بعنوان تعزیر محکوم می شود .

ب - شهادت

ماده ۶۷ - هرگاه چهار مرد عادل گواهی دهند که لواط را مشاهده کرده اند لواط



- ثابت می شود .
- ماده ۶۸ - هرگاه کمتر از چهار مرد عادل گواهی دهند لواط ثابت نمیشود و گواهان به حد افتراء محکوم می شوند .
- ماده ۶۹ - شهادت زنهای به تنهایی یا به ضمیمه مرد لواط را ثابت نمی کند .
- ج - علم حاکم
- ماده ۷۰ - حاکم شرع میتواند طبق علم خود که از راههای عقلانی حاصل شود ، حکم کند .
- ماده ۷۱ - هرگاه همجنس بازی مردها بدون دخول بلکه با مالیدن ران یا کفسل باشد هردو محکوم به صد تازیانه میشود مگر در صورتیکه فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد که در این مورد فاعل کشته میشود .
- ماده ۷۲ - هرگاه همجنس بازی مردها بدون دخول سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم کشته میشود .
- ماده ۷۳ - هرگاه دو مردی که با هم خویشاوندی نسبی ندارند بدون ضرورت در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند هردو از شش ماه تا دو سال حبس و ازی تا پنجاه ضربه شلاق بعنوان تعزیر محکوم میشوند .
- ماده ۷۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد به پنجاه ضربه شلاق محکوم خواهد شد .

#### شرایط ثبوت حد لواط یا عفو از آن

- ماده ۷۵ - هرگاه مرد همجنس باز خواه بعد دخول و خواه به غیر آن قبل از شهادت گواهان توبه کند حد ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد ساقط نمیشود .
- ماده ۷۶ - هرگاه همجنس بازی با اقرار ثابت شود حاکم شرع میتواند عفو نماید .

#### فصل چهارم - مساحقه

- ماده ۷۷ - مساحقه ، همجنس بازی زنهای است با اندام تناسلی .
- ماده ۷۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت همجنس بازی مردها است .
- ماده ۷۹ - حد مساحقه صد تازیانه است .
- ماده ۸۰ - حد مساحقه در باره کسی ثابت میشود که دارای اوصاف زیر باشد .
- بلوغ - عقل - اختیار - قصد

تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

ماده ۸۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم کشته میشود.

ماده ۸۲ - هرگاه مساحقه کننده قبل از شهادت گواهان توبه کند حد ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد ساقط نمی شود.

ماده ۸۳ - هرگاه مساحقه با اقرار شخصی ثابت شود و توبه کند حاکم شرع می تواند او را عفو نماید.

ماده ۸۴ - هرگاه دو زن برهنه زیر یک پوش قرار گرفتند به کمتر از صد تازیانه تعزیر میشوند و در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم صد تازیانه زده میشود.

### فصل پنجم - حد قیادت

ماده ۸۵ - قیادت عبارت از آنست که کسی دو نفر را برای زنا یا همجنس بازی مرتبط و جمع کند.

ماده ۸۶ - قیادت با دو بار اقرار در صورتی که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و قاصد باشد ثابت میشود.

ماده ۸۷ - قیادت با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.

ماده ۸۸ - حد قیادت ۷۵ تازیانه و تبعید از محل است که مدت آن را حاکم تعیین می کند.

تبصره - حد قیادت در زن فقط ۷۵ تازیانه است.

### فصل ششم - حد قذف

ماده ۸۹ - عبارت از آنست که کسی زنا یا لواط را به شخصی نسبت دهد.

ماده ۹۰ - هرگاه کسی قذف کند محکوم به حد خواهد شد.

تبصره - هرگاه کسی غیر از زنا و لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد بمسئ تا پنجاه ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۹۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام باشد و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد گرچه مشنونده آگاه به معنای آن نباشد.

ماده ۹۲ - هرگاه کسی بمفروضندش که بمافقرار او یا از راه شرعی دیگر ثابت شد که فرزند او است بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد خواهد شد.

ماده ۹۳ - هرگاه کسی به شخصی که از راه شرعی ثابت شد که فرزند پدرش می باشد ، بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد خواهد شد .

تبصره - در موارد یاد شده فوق هرگاه قربنفای در بین باشد که منظور قذف نیست بلکه مراد آنست که فرزند دارای اوصاف پدر نیست حد ثابت نمی شود .

ماده ۹۴ - هرگاه کسی به شخصی نسبت دهد که تو با فلان زن زنا کردی یا با فلان مرد لواط نمودی نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گویند محکوم به حد می شود .

ماده ۹۵ - هرگاه کسی به شخصی چنین بگوید ( زن قحبه ) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داد ، محکوم به حد می شود و نسبت به مخاطب که او را به این دشنام اذیت کرده است تعزیر میشود .

ماده ۹۶ - هر دشنامی که باعث اذیت شونده شود و دلالت بر قذف نکند ، مانند اینکه بمنش بگوید که تو باکره نبودی یا به شخصی بگوید - فاسق - شرابخوار و مانند آن در صورتی که مخاطب استحقاق هتکا احترام نداشته باشد موجب تعزیر میشود .

ماده ۹۷ - قذف در مواردی ثابت میشود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و قاصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد پس اگر قذف کننده فاقند یکی از اوصاف خود باشد یا قذف شونده دارای همه اوصاف خود نباشد حد ثابت نمیشود .

ماده ۹۸ - هرگاه نا بالغ تمیزی کسی را قذف کند تعزیر میشود و همچنین هرگاه بالغ و عاقلی شخص نا بالغ یا غیر مسلمان را قذف کند تعزیر میشود .

ماده ۹۹ - هرگاه قذف شونده عقیف نباشد و بمنزنا یا لواط تظاهر کند نه حد ثابت می شود و نه تعزیر و اگر بهیچکدام از این دو تظاهر نکند حد ثابت میشود و اگر فقط به یکی از این دو تظاهر نکند نسبت به آن چه تظاهر میکند نه حد ثابت میشود و نه تعزیر نسبت به آن چه تظاهر نمی کند حد ثابت میشود .

ماده ۱۰۰ - هرگاه پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند محکوم به حد نخواهد شد بلکه تعزیر می شود .

ماده ۱۰۱ - هرگاه مردی زنا را که مرد است قذف کند و آن زن وارثی جز فرزند همان مرد نداشته باشد حد ثابت نمیشود و اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد مثلا فرزندی از شوهری دیگر داشته باشد حد ثابت میشود .

ماده ۱۰۲ - هرگاه فرزند ، پدر یا جدش را قذف کند محکوم به حد می شود .

ماده ۱۰۳ - هرگاه مادر ، فرزندش را قذف کند محکوم به حد می شود .

ماده ۱۰۴ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند .

ماده ۱۰۵ - هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود. خواه همه آنها با هم مطالبه حد کنند، خواه بطور جداگانه.

ماده ۱۰۶ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید مثلا بگوید ای زناکاران - اگر هر کدام آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک آنها حد جداگانه خواهد بود ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت میشود.  
راههای ثبوت قذف

ماده ۱۰۷ - الف - اقرار - قذف با دو بار اقرار ثابت می شود.  
ماده ۱۰۸ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای بلوغ و عقل و اختیار و قصد باشد.

ب - شهادت

ماده ۱۰۹ - قذف با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود یا شهادت غیر آنها.  
حد قذف و کیفیت آن

ماده ۱۱۰ - حد قذف هشتاد تازیانه است خواه قذف کنند مرد باشد یا زن.  
ماده ۱۱۱ - تازیانه روی لباس متعارف و بطور متوسط زده میشود. نه به شدت زدن در حد زنا.

تجره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد.

ماده ۱۱۲ - هرگاه کسی چند بار قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته میشود.

ماده ۱۱۳ - هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بود تعزیر میشود.

ماده ۱۱۴ - هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کنند فقط یک حد ثابت می شود.

ماده ۱۱۵ - هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کنند، چند حد ثابت می شود.

موارد سقوط حد قذف یا عفو از آن

ماده ۱۱۶ - حد قذف در موارد زیر ثابت میشود.

- ۱ - هرگاه قذف شونده، قذف کننده را تصدیق نماید حد ثابت میشود.
- ۲ - هرگاه شهود بانصاب معتبر آن به چیزی کمورد قذف است مانند زنا یا لواط

شهادت دهند حد ساقط می شود .

۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عین نمایند حد ساقط می شود

و بعدا حق مطالبه حد ندارند .

۴- هرگاه مردی زنی را قذف کند بالعان حد ساقط می شود .

ماده ۱۱۷- هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند باشد خواه

فرق کند حد ساقط می شود و هر دو تعزیر می شوند .

ماده ۱۱۸- حد قذف اگر اجرا یا عفو نشد بهوارث منتقل میشود .

ماده ۱۱۹- حق مطالبه حد قذف بمهمه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می شود و

هریک از وارثان میتواند آن را مطالبه کند هر چند دیگران عفو کرده باشند .

فصل هفتم - حد " محاربه " و " افساد فی الارض "

۱- تعریف

ماده ۱۲۰- هر فرد یا گروهی که با آماده کردن و یا دست بردن به سلاح موجب

هراس و سلب آزادی و امنیت مردم شود یا در صدد ایجاد رعب و وحشت یا کشتار مردم

باشد محارب است .

تبصره ۱- میان سلاح سرد (مانند کارد و چاقو و ...) و سلاح گرم فرقی نیست .

تبصره ۲- کسی که بر روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ

فردی نشود ، محارب نیست .

تبصره ۳- کسیکه سلاح خود را به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و جنبه

عمومی نداشته باشد محارب نیست .

تبصره ۴- هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در

زمین دست به مسلحه برند محارب نیستند .

ماده ۱۲۱- سارق مسلح و راهزن بیابان هرگاه با اسلحه امنیت مردم و جاده را

بهم زند و رعب و وحشت ایجاد کنند محاربند .

ماده ۱۲۲- کسی که دیده بان چنین سارق یا راهزن باشد تا او را از آمدن کاروان

یا نیروی انتظامی و امنیتی آگاه کند و همچنین کسیکه مسئول جمع آوری و نگهداری

اموالیست کما آنها بدست می آورند محارب نیست لکن به حبس از دو سال تا پنج سال

محکوم خواهد شد و در صورتی که از این طریق مالی بدست آورده مسترد خواهد شد .

ماده ۱۲۳- هر سازمانی که در برابر حکومت اسلامی اعلان جنگ مسلحانه کند ،

تمام افراد و هواداران که موضع سازمان را می دانند و بمنحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش دارند. محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند .  
تبصره - جبهه متحدی که از سازمانها و اشخاص مختلف تشکیل شود در حکم یک سازمان است .

ماده ۱۲۴ - هر فرد یا گروهی که با توجه و آگاهی دست به عملی زند که سلامت نظام جامعه اسلامی را در قسمتی از زمین به خطر اندازد ، "مفسد فی الارض" است .  
ماده ۱۲۵ - هر فرد یا گروه که طرح سقوط حکومت اسلامی را بریزد تا به دست خود یا دیگران به مرحله اجراء درآید ، "محارب" و "مفسد فی الارض" است .  
ماده ۱۲۶ - هر کس در طرح سقوط حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست های حساس حکومت کودتا نماید ، و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی موثر باشد ، "محارب" و "مفسد فی الارض" است .

## ۲- راههای ثبوت محاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۲۷ - محاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت میشود .  
الف - اقرار - محاربه و افساد فی الارض با یکبار اقرار ثابت میشود بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد .  
ب - شهادت - محاربه و افساد فی الارض با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود با شهادت غیر اینها .  
ج - علم - محاربه و افساد فی الارض با قرائنی که موجب علم قطعی قاضی گردد ، ثابت می شود .

تبصره ۱ - گواهی مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند بنبغ همدیگر از راه شهادت پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هرگاه بعضی از افرادی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفتند نسبت به دیگران چنین گواهی دهند که محاربان بهممه تهاجم نمودند ولی بهما آسیب نرساندند و بدیگران آسیب وارد کردند شهادت آنها نسبت به دیگران مقبول است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند در صورتی که بمنظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و جنبه شکایت شخصی نداشته باشد پذیرفته است .

- ۳- حد محاربه و افساد فی الارض
- ماده ۱۲۸- حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است .
- ۱- کشتن ۲- به دار آویختن ۳- دست راست و پای چپ را بریدن ۴- تبعید کردن و انتخاب هریک از این امور چهارگانه با اختیار قاضی است . ولی در صورتی که اجراء بعضی از مجازاتها دارای مقصدی باشد نمیتوان آن را انتخاب نماید .
- ماده ۱۲۹- حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار مجازات مذکور در ماده قبل است . خواه کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد ، و خواه هیچیک از این کارها را انجام نداده باشد .
- ماده ۱۳۰- حد محاربه و افساد فی الارض با عفو صاحب حق ثابت نمیشود .
- ماده ۱۳۱- مفسد و محاربی که تبعید میشود باید تحت مراقبت قرار گیرد تا هیچ کس با او به هیچ نحو تماس برقرار نسازد .
- ماده ۱۳۲- مدت تبعید در هر حال کمتر از یکسال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتیکه توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند .
- ماده ۱۳۳- محارب و مفسد فی الارض نمیتواند مدت تبعید خود را در کشورهای غیر اسلامی بسر برد بلکه دادگاه باید محل تبعید او را تعیین نماید .
- ماده ۱۳۴- مفسد و محارب زند به دار آویخته میشود و دار آویختن نباید به گونه ای باشد که نحوه بستن موجب مرگ او گردد .
- ماده ۱۳۵- محارب و مفسد فی الارضی که به دار آویخته میشود نباید پیش از سرور بر دار بماند .
- ماده ۱۳۶- محارب و مفسد فی الارض هرگاه قبل از سرور مرد میتواند او را پس از مرگ از دار پائین آورد .
- ماده ۱۳۷- مفسد و محارب را بعد از گذشتن سرور باید از دار پائین آورد و اگر هنوز زنده باشد نمی توان او را کشت .
- ماده ۱۳۸- بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ایست که در حد سرقه عمل میشود .
- ماده ۱۳۹- هرگاه محارب کسی را در حال محاربه کشته باشد او و اولیاء دم به دادگاه مراجعه نمایند و خواهان قصاص او باشند قاضی باید با اجتماع شرایط حکم به قصاص نماید .
- ماده ۱۴۰- اگر در هنگام محاربه جرحی که موجب قصاص است بر کسی وارد آورد

دادگاه به تقاضای مجنی علیه در صورت اجتماع شرایط حکم به قصاص خواهد داد .  
ماده ۱۴۱ - هرگاه محارب و مفسد فی الارض قبل از دستگیری توبه کند حد ساقط  
می شود و اگر بعد از دستگیری توبه کند حد ساقط نمی شود .

فصل هشتم - حد سرقت

۱ - تعریف

ماده ۱۴۲ - سرقت عبارتست از اینکه انسان مال دیگری را بطور پنهانی برزاید .

ماده ۱۴۳ - سرقت در صورتی موجب حد میشود که ضارب دارای شرایط زیر باشد .

۱ - بحد بلوغ شرعی رسیده باشد .

۲ - در حال سرقت عاقل باشد .

۳ - از روی تهدید و ادا بر سرقت نشده باشد .

۴ - از روی اضطرار و ناچاری دست به سرقت نزده باشد .

۵ - پدر صاحب مال نباشد .

۶ - بدانند و ملتفت باشد که مال غیر است ( م - ۳ - ص ۴۸۳ )

۷ - بدانند و ملتفت باشد که برداشتنش حرام است ( م - ۳ - ص ۴۸۲ )

۸ - بعنوان دزدی مال را برزاید .

۹ - صاحب مال ، مال را از او نیز مخفی کرده باشد . ( م - ۷ - ص ۴۸۴ )

۱۰ - سارق پنهانی یا به کمک دیگری هتک حرز کند مثلا قفل و یا در محلی را که

مال در آنجا مخفی است بشکند و یا دیوار را سوراخ کند . ( الخامس - ص ۴۸۲ )

تبصره - حرز عبارتست از محلی که مال بمنظور دور بودن از انظار و دستبردنگهداری  
می شود .

۱۱ - خود سارق پنهانی و یا با شرکت دیگری مال را از حرز بیرون آورد . ( السادس

ص ۴۸۲ )

تبصره ۱ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه و یا طفل غیر ممیز در حکم مباشرت

است .

تبصره ۲ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمیشود .

تبصره ۳ - هرگاه پس از سرقت مال را به تصرف مالک بدهد این سرقت موجب حد نمیشود .

ماده ۱۴۴ - سرقت در صورتی موجب حد میشود که مال مسروق دارای خصوصیات زیر

باشد .



- ۱- در حرز متناسب با این مال نگهداری شود. (م ۷- ص ۴۸۵)
- ۲- حداقل ۴/۵ نخود طلاي سکه‌داری باشد که بصورت پول با آن معامله می‌شود یا ارزش آن به این مقدار برسد. (م ۱- ص ۴۸۴)  
تبصره ۱- مقدار مذکور باید در یک سرقت باشد.
- تبصره ۲- میزان در ارزش قیمت زمان سرقت است. (م ۱۶- ص ۴۹۱)
- تبصره ۳- هرگاه دو یا چند نفر در سرقت مال شریک باشند باید سهم هر یک از آنان به مقدار فوق برسد. (م ۱- ص ۴۹۰)
- تبصره ۴- هرگاه سند یا چک و اوراق بهادار دیگر را سرقت کند که خود آن در بازار ارزش ندارد ولی باعث ضرر مالی به صاحب آن میشود موجب حد نیست.
- ۳- حرز و محل نگهداری مال از سارق غصب نشده باشد. (م ۱۴- ص ۴۸۷)
- ۴- از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد، نباشد (م ۱۵- ص ۴۸۷ و م ۴- ص ۴۸۳)
- ماده ۱۴۵- سرقت در صورتی باعث حد میشود که با خصوصیات زیر انجام شود.
  - ۱- بصورت مخفیانه انجام گیرد. (الثامن- ص ۴۸۳)
  - ۲- در سال قحطی نباشد. (م ۱۲- ص ۴۸۶)
  - ۳- راههای ثبوت سرقت
- ماده ۱۴۶- سرقت به یکی از راههای زیر ثابت میشود. (ص ۴۸۸)
  - ۱- شهادت دو مرد عادل.
  - ۲- دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی، بشرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل باشد و اقرار او بواسطه تهدید و یا زدن و شکنجه و مانند آن نباشد.
  - ۳- قرائنی که سبب علم صد در صد قاضی گردد.تبصره- اگر یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی‌شود.
- ۳- شرایط اجراء حد
- ماده ۱۴۷- در صورتی حد سرقت جاری میشود که شرایط زیر موجود باشد. (م ۱۳- ص ۴۹۰)

- ۱ - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند .
  - ۲ - صاحب مال پیش از شکایت او را نبخشیده باشد .
  - ۳ - صاحب مال پیش از شکایت مال را بماند و نبخشیده باشد .
  - ۴ - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی ، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید .
  - ۵ - قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه ننکرده باشد ، ( م ۴ - ص ۴۸۸ )
- تبصره - توبه بعد از ثبوت جرم موجب سقوط حد و جواز عفو نیست . ( م ۴ - ص ۴۸۸ )

۴ - حد سرقت

ماده ۱۴۸ - حد سرقت اینست که در مرتبه اول چهار انگشت متصل دست راست سارق از انتها جدا میشود و انگشت شست و کف دست او باقی می ماند و در مرتبه دوم پای چپ او از زیر برآمدگی قطع میشود به نحوی که نصف قدم و مقدار کمی از محل مسح وی باقی بماند و در مرتبه سوم محکوم به حبس ابد غیر قابل عفو و خرید میشود و در مرتبه چهارم گرچه در زندان دزدی کند حدش اعدام است . ( م ۱ - ص ۹ - ۴۸۸ )

تبصره ۱ - سرقت های متعدد ، تاهنگامی که حد جاری نشده حکم یک بار سرقت را دارد .

( م ۲ - ص ۴۸۹ )

تبصره ۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شد و پس از اجراء این حد ، سرقت دیگری که قبل از اجراء حد مرتکب شده از او ثابت شد پای چپش بریده می شود . ( م ۲ -

ص ۴۹۰ )



ماده ۵- هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است ، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را بپا و بپردازد .

ماده ۶- هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را به قتل رساند ، فقط محکوم به قصاص است و نباید چیزی به اولیاء دم بپردازد .

ماده ۷- هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگری را بکشد قصاص میشود گرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد را به قاتل بپردازد .

### شرکت در قتل

ماده ۸- هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ، ولی دم میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او همه آنها را قصاص کند. لیکن در صورتیکه قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه را بپردازد و اگر ستمگر باشند باید به هر کدام از آنها دوثلث دیه را بپردازد و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .

ماده ۹- هرگاه دو یا چند نفر جراحتی بر کسی وارد سازند چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت که موجب مرگ او شود چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد، همه آنها قاتل محسوب میشوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود .

ماده ۱۰- هرگاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل رساند قاتل همان دومی است اگرچه جراحتی سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص یا دیه جراحتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحتی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه میباشد .

ماده ۱۱- هرگاه جراحتی که نفر اول وارد کرده چنان کاری بود که او را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی مانده است و در این حال دیگری سرازیدن او جدا کند یا کاری مانند این انجام دهد که به حیات او پایان بخشد ولی قصاص میشود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را میپردازد .

ماده ۱۲- شرکت در قتل ، زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت .

ماده ۱۳ - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست.

ماده ۱۴ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند ، باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد .

### فصل دوم

#### شرایط قصاص

ماده ۱۵ - کسیکه محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتل شده که موجب قصاص است .

ماده ۱۶ - هرگاه پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد ، قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و حاکم شرع او را تعزیر بنماید و غیر پدر و جد پدری مانند دیگران قصاص میشوند .

ماده ۱۷ - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد قصاص نمی شوند ، بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند .

ماده ۱۸ - هرگاه عاقل دیوانهای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد .

ماده ۱۹ - هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص میشود لیکن بهتر است اولیاء دم برای رعایت احتیاط شرعی از قصاص صرفنظر کنند و به دیه راضی شوند .

ماده ۲۰ - هرگاه کسی در حال مستی شخصی را بکشد و دلائل کافی وجود داشته باشد که او از حال اختیار بطور کلی خارج بوده و قبلا نیز با چنین نیتی خود را مست نکرده باشد محکوم به قصاص نیست و اگر یکی از این شرایط منتفی باشد محکوم به قصاص است .

ماده ۲۱ - هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد ، قصاص نمی شود لکن باید دیه قتل به ورثه او داده شود ، چنانکه در دیات خواهد آمد .

ماده ۲۲ - هرگاه نابینائی کسی را بکشد قصاص نمی شود لکن دیه او از مال عاقله و در صورت نبودن عاقله از مال قاتل و در صورتیکه قاتل توانائی مالی نداشته باشد ، از بیت المال پرداخت میشود .

ماده ۲۳ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد پس اگر مستحق قتل باشد مانند کسی که به پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا

حضرت زهرا (ع) دشنام دهد یا کسیکه به حریم انسان تهاجم نموده و دفع آن جز با قتل میسر نشود یا آنکه شوهر کسی را که در حال زنا با زن خود ببیند که کشتن هر دو ی آنها برای (خصوص) شوهر جائز است و قصاص قاتل جایز نیست .

تیمبره - آنچه در ماده ۲۳ گفته شد مربوط به مسئولیت خدائی است بنابراین در همه موارد بالا اگر علیه قاتل اقامه دعوی شود باید جرمی را که به استناد آن مقتول را کشته طبق موازین در دادگاه اثبات کند وگرنه قصاص خواهد شد .

### فصل سوم

#### شرایط دعوی قتل

ماده ۲۴ - مدعی باید در حال دعوی عاقل و بالغ و رشید باشد و اما مدعی علیه لازم نیست که دارای این اوصاف باشد بنابراین دعوی علیه کسیکه فاقد این صفات باشد صحیح است .

ماده ۲۵ - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمیتوان علیه کسی اقامه دعوی کرد مگر در مواردیکه مخاصمه با ظن و شک و احتمال متعارف باشد .  
ماده ۲۶ - مدعی علیه باید معلوم باشد پس اگر مدعی بگوید " شخصی پدر مرا کشته است " ، این دعوی مسموع نیست مگر آنکه در بین عدما ی محصور کند بمانند بگوید یکی از این دو یا سه نفر مثلا قاتل پدرم هستند در این صورت دعوی مسموع است و چنانچه آن عده منکر قتل شوند و قسم یاد کنند ببرائت حاصل می نمایند مگر اینکه قاتل بودن یکی از آنها نزد حاکم شرع مظنون باشد که از موارد قسامه است و باید طبق موادی که در قسامه می باشد عمل شود .

ماده ۲۷ - مورد دعوی باید معلوم باشد بنابراین مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد .

### فصل چهارم

#### راههای ثبوت قتل در دادگاه

ماده ۲۸ - ۱ - اقرار - هرگاه کسی اقرار به قتل عمدی نماید گرچه اقرارش یک مرتبه باشد مستحق قصاص است .

ماده ۲۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .  
۱ - کمال عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختیار ۴ - قصد

پس اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی، هازل، خوابیده، بیهوش نافذ نیست .

ماده ۳۰ - هرگاه کسی به سبب سفاهت یا افلاس مجبور باشد اقرار او که موجب قصاص باشد، نافذ است .

ماده ۳۱ - هرگاه کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل خطائی او اقرار کند ولی دم در مراجعه به هریک از این دو مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمیتواند مجازات هردو را مطالبه کند .

ماده ۳۲ - هرگاه کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری بیاید و به قتل همان مقتول اقرار نماید در صورتیکه اولی از اقرارش برگردد، قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و باید دیه او را از بیت المال بدهند و البته این درحالی است که قاضی احتمال عقلائی ندهد که اقرار دومی توطئه‌ای برای رهایی اولی نباشد .

ماده ۳۳ - ۲ - شهادت

الف - قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود .

ب - قتل شبه عمد یا خطاء با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت میشود .

ماده ۳۴ - هرگاه یکی از دو عادل گواهی دهد که متهم به قتل عمدی اقرار نمود و دیگری گواهی دهد که متهم به قتل اقرار کرد و به قتل عمد شهادت ندهد اصل قتل ثابت میشود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص میشود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است .

ماده ۳۵ - هرگاه ولی، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو عادل شهادت به قتل عمد دهد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد نه به قتل عمد و متهم قتل عمد را انکار کند مندرج در باب لوث میشود که مدعی باید قتل را با قسامه ثابت کند .

ماده ۳۶ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل دهد و دیگری شهادت به اقرار متهم به قتل دهد قتل ثابت نمیشود و داخل در باب لوث خواهد بود .

ماده ۳۷ - هرگاه دو مرد عادل گواهی دهند که زید مثلا قاتل فلان شخص است و دو شاهد عادل دیگری گواهی دهند که قاتل او عمرو است در این مورد هم قصاص است و هم دیه .

ماده ۳۸ - ۳ - قسامه در موارد لوث

هرگاه قرائن و شواهد ظنی سبب شود که حاکم به وقوع قتل گمان پیدا کند، از موارد

لوث خواهد بود مانند آنکه فقط یک شاهد شهادت دهد یا در جنب مقتولی کسی مشاهده شود که در دستش گارد خونی دارد یا اینکه مقتول در محلهای دیده شود که غیر اهالی محل در آن رفت و آمدی ندارند بطوریکه مظنون باشد کسی از اهل محله و ارباب قتل رسانیده است .

ماده ۳۹ - هرگاه قرائن و نشانههای ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از باب لوث خارج خواهد بود .

ماده ۴۰ - در موارد لوث ابتدا از مدعی علیه شهود معتبر مطالبه می شود و اگر شهود نداشته باشد مدعی میتواند برای اثبات مطلب خود چهل و نه نفر مرد از خویشان و بستگان خود را که از جریان آگاهی داشته باشند دعوت کند تا به اتفاق او جهت اثبات دعوی قسم یاد کنند و چنانچه عدد آنها کمتر از نصاب باشد قسم را تکرار کنند تا پنجاه تکمیل شود در این موقع حق او ثابت میگردد و اگر مدعی بستگانی نداشته یا بستگانش آگاهی ندارند یا آگاهی دارند ولی حاضر به قسم نیستند خود مدعی میتواند پنجاه بار سوگند یاد کند تا حق او ثابت گردد .

ماده ۴۱ - هرگاه مدعی قسامه اقامه نکند مدعی علیه میتواند برای برائت خود از چهل و نه نفر مرد از خویشان و بستگان خود دعوت کند یا با اتفاق او که جمعا پنجاه نفر میشوند همگی به برائت مدعی علیه سوگند یاد کنند و اگر عدد کمتر از نصاب باشد ، همانها قسم را تکرار کنند تا شماره پنجاه تکمیل شود و اگر منحصر به خود او شد ، به تنهایی پنجاه بار قسم یاد میکند و چنانچه ابا کند بنفع مدعی حکم داده میشود .

ماده ۴۲ - نصاب قسامه در قتل شبهه عمد و همینطور در قتل خطا محض بیست و پنج نفر میباشد که برطبق مواد گذشته عمل میشود .

ماده ۴۳ - قسامه در جراحات عضو ثابت کننده دیه است نه قصاص و نصاب آن در جراحتهائی که موجب دیه کامل باشد ، شش نفر است و در جراحتهای دیگر به نسبت عمل میشود یعنی اگر جراحی مقتضی نصف دیه باشد نصاب آن سمنفر خواهد بود و اگر مقتضی ثلث دیه باشد نصاب آن دو نفر خواهد بود ولی اگر موجب ربع یا خمس باشد ، باز هم نصاب آن دو نفر میباشد چنانکه اگر مقتضی کمتر از سدس دیه بود مانند بریدن یک انگشت یک سوگند لازم است زیر قسم کسر بر نمی دارد .

ماده ۴۴ - اگر شخصی در اثر ازدحام کشته شود یا جنازهای در شارع عام پیدا شود ، و قرائن ظنی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد باید خاکم شرع دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شده آن قتل به شخص معین منسوب



است مورد از باب لوث خواهد بود .

### فصل پنجم

#### کیفیت استیفاء قصاص

ماده ۴۵ - قتل عمدی موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه یا به مبلغی کمتر از آن یا زیادتر از آن تبدیل میشود پس نه ولی دم حق دارد به تنهایی قصاص را به دیه تبدیل نماید و نه قاتل .

ماده ۴۶ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیر است بین قصاص با پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل .

ماده ۴۷ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمدی شده است بدون آنکه درصدد ترمذ از قصاص باشد بمیرد قصاص و همچنین دیه ساقط است .

ماده ۴۸ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمدی شده است فرار کند و به او دسترسی نباشد تا آنکه بمیرد قصاص تبدیل به دیه میشود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو " الاقرب فالاقرب " پرداخت میشود و چنانچه نزدیکی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند ، دیه از بیت المال پرداخت میگردد .

ماده ۴۹ - اولیاء دم که قصاص در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند مگر شوهر یا زن که در امر قصاص چه در عفو و چه در اجراء اختیاری ندارند .

ماده ۵۰ - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود ، و پس از وضع حمل چنانچه اگر قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ برطرف گردد .

ماده ۵۱ - قصاص با آلت کند و غیر برنده که موجب آزار جانی باشد جایز نیست بلکه باید با شمشیر تیز گردن او را بزنند یا با تفنگ و مانند آن که نظیر شمشیر جانی را براحتی بکشد قصاص نمایند و مثلثی او جایز نیست .

ماده ۵۲ - در صورتیکه اولیاء دم متعدد باشند باید از همه آنها نظر خواهی شود چنانچه همه آنها راضی به قصاص قاتل باشند قاتل قصاص میشود و اگر بعضی از آنها خواهان دیه باشند و دیگران خواهان قصاص میتوانند او را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیاء دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیاء بطور رایگان عفو کنند دیگران میتوانند بعد از پرداخت سهم عفو کنندگان به قاتل او را قصاص نمایند .

ماده ۵۳ - ولی دم بعد از اذن والی مسلمین و نبودن محذور و فساد می تواند شخصا قاتل را قصاص کند چنانچه میتواند در اجراء قصاص وکیل بگیرد .

ماده ۵۴ - هرگاه ولی دم صغیر یا مجنون باشد ولی او ( پدر یا جد پدری یا قیم منصوب از طرف آنها یا حاکم شرع طبق ضوابط باب ولایت ) با رعایت غبطه صغیر و مجنون قصاص میکند یا قصاص را بمقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن تبدیل می نماید و اگر ولی دم غایب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی اوست و برابر مصلحت تصمیم می گیرد .

ماده ۵۵ - هرگاه کسی محکوم به قصاص را رهائی دهد باید به حبس برود تا قاتل را تحویل مقامات نماید و چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد دیه مقتول بمهد<sup>۱</sup> آن کسی است که او را فرار داده بود .

ماده ۵۶ - هرگاه مجنی علیه قبل از مرگ از قصاص عفو کند ، حق قصاص ساقط نمی شود بلکه ولی دم میتواند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نماید .

#### قسم دوم قصاص عضو

ماده ۵۷ - قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و مجنی علیه میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او جانی را با شرایطی کمی آید قصاص نماید .

ماده ۵۸ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است .

الف - مواردی که جانب با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد ، خواه آن کار نوعا موجب قطع یا جرح باشد ، یا نباشد .

ب - نواردی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد هر چند او قصد قطع یا جرح شخص را نداشته باشد .

تبصره ۱ - مواردی که جانی قصد قطع یا جرح عضو را ندارد و کاری را که انجام میدهد ، نوعا موجب قطع یا جرح نمیشود ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی . . . نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی نیز بمآن آگاه باشد ، جنایت عمد محسوب میشود .

تبصره ۲ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است . عمد - شبهه عمد - خطا که احکام دو نوع اخیر در کتاب دیات خواهد آمد .

#### شرایط قصاص عضو

ماده ۵۹ - شرایط قصاص عضو همان قصاص نفس است که بیان شد به اضافه آنکه تساوی

اعضاء در سالم بودن و اصلی بودن و همچنین تساوی آنها در محل و آنکه موجب تلف جانی یا زیادماز اندازه جنایت نگردد و نیز در قصاص عضو معتبر میباشد .

### تساوی زن و مرد در قصاص عضو

ماده ۶۰ - در قصاص عضو ، زن و مرد برابر یکدیگر و مرد جانی به سبب نقص عضوی که به زن وارد کرده به قصاص عضو مانند آن محکوم میشود و تا جاییکه دیه عضو ناقص شده به ثلث دیه کامل برسد چیزی به مرد داده نمیشود و اگر دیه عضو ناقص شده بیش از ثلث دیه کامل باشد مانند دیه دست در صورتی مرد جانی مورد قصاص عضو مانند آن قرار میگیرد که نصف دیه آن عضو را بدهند .

ماده ۶۱ - هرگاه کسی عضو ناسالم شخصی مانند شل را قطع کند نمیتوان عضو سالم جانی را بعنوان قصاص قطع کرد بلکه باید دیه آن عضو داده شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قطع میشود .

ماده ۶۲ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است به اینکه در مقابل قطع دست راست باید دست راست جانی قطع شود و اگر جانی دست راست نداشت میتواند دست چپ او را قطع نمود و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد میتواند پای او را قطع کرد .

ماده ۶۳ - جرحی که بعنوان قصاص وارد میکنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و حتی الامکان در عمق نیز مگر جرحی که به استخوان سر برخورد میکند که در این صورت تساوی در عمق لازم نیست و همینکه گفته شود قصاص مماثل جنایت است کافی می باشد .

ماده ۶۴ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحتهای عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیادماز اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود خواه مقدار آن دیه شرعا معین باشد خواه با حکم حاکم شرع معین شود .

ماده ۶۵ - قصاص عضو را میشود فوراً اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجراء شد و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردید ، در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم میشود لکن قبل از اجراء قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شد به او داده شود .

### کیفیت قصاص عضو

ماده ۶۶ - برای حفظ تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحات کاملاً اندازه گیری

شود تا قصاص به مساوات آن انجام پذیرد و هرچیزیکه مانع از استیفاء قصاص است یا موجب ازدیاد آن میشود باید برطرف گردد مثلا اگر موهای محل مانع از استیفاء درست قصاص باشد باید تراشیده و نیز اگر بازبودن دست و پای جانی موجب ازدیاد قصاص شود باید آنها را بست .

ماده ۶۷ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شد قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شد در صورتیکه این ازدیاد عمدی باشد ، قصاص کننده نسبت به آن مقدار زائد قصاص میشود و در صورتیکه عمدی نباشد ، دیه یا ارزش آن مقدار زائد بمعده قصاص کننده میباشد .

ماده ۶۸ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم شود باید درهوی معتدل قصاص انجام گیرد .

ماده ۶۹ - ابزار قصاص باید تیز و غیرمسموم و مناسب با اجراء قصاص جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او جایز نیست .

ماده ۷۰ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص میشود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و با قصاص نابینا شود و چیزی بعنوان دیه بها و داده نمیشود .

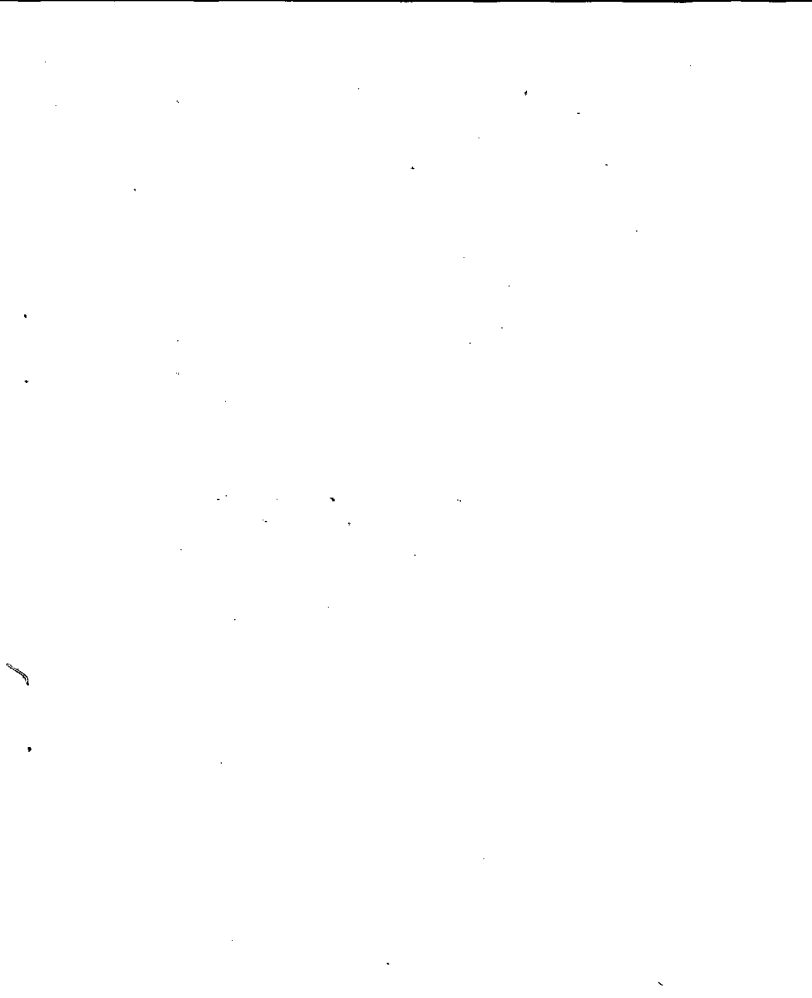
ماده ۷۱ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است یک چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است کور نماید مجنی علیه میتواند قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص صرف نظر کند و دیه کامل را بگیرد . مگر در صورتیکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلا در اثر قصاص از دست داده باشد که در اینصورت فقط میتواند قصاص کند و حق دریافت چیز دیگر را ندارد .

ماده ۷۲ - هرگاه شخصی نور چشم کسی را بدون آنکه به حدقه چشم او آسیب برساند از بین ببرد فقط نور چشم جانی مورد قصاص قرار میگیرد و نه حدقه آن و اگر این قصاص بدون آسیب چشم جانی ممکن نباشد ، قصاص ساقط میشود و جانی باید دیه آن را بپردازد .

ماده ۷۳ - چشم سالم در برابر چشم هائیکه از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می شود .

ماده ۷۴ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوندد دهد قصاص ساقط نمیشود اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او بعنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوندد دهد هیچ کس نمی تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند .

- ماده ۷۵- هرگاه شخصی با بریدن گوش کسی شنوائی او را از بین ببرد در این مورد دوجنابیت واقع شد ماست که تنها قطع گوش جانی کافی نیست .
- ماده ۷۶- هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه میتواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویائی نباشد .
- ماده ۷۷- هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار میگیرد .
- ماده ۷۸- هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت تساوی محل و اصلی یا زائد بودن آن مورد قصاص واقع میشود و اگر مجنی علیه قبل از قصاص دندان جدیدی درآورد در صورتیکه دندان جدید او سالم باشد چیزی جز تعزیر برجانی نیست و اگر معیوب باشد جانی باید تفاوت بین دندان سالم و معیوب را بپردازد .
- ماده ۷۹- هرگاه شخصی عضوی از اعضاء اصلی کسی را قطع نماید باید عضو اصلی مانند آن با رعایت تساوی محل مورد قصاص قرار گیرد و اگر عضو زائدی مانند انگشت زائد کسی را قطع کند باید عضو زائدی مانند آن با رعایت تساوی محل قصاص شود و اگر جانی عضو زائدی مانند عضو زائد مجنی علیه نداشت باید دیه آن را بپردازد .
- ماده ۸۰- هرگاه شخصی مثلا دست راست کسی را قطع کند نمیتوان دست چپ جانی را بعنوان قصاص قطع کرد گرچه با توافق مجنی علیه باشد .



ماده ۱- دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی او داده میشود .

موارد دیه

ماده ۲- دیه در موارد زیر ثابت میشود .

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا محض واقع میشود و آن در صورتیست که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقعه شده بر او را . مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و نا خود آگاه به شخصی برخورد نماید .

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا شبه عمد واقع میشود و آن در صورتیست که جانی قصد فعلی را که نوعا سبب جنایت نمیشود داشته باشد و قصد جنایت زان نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعا سبب جنایت نمیشود بزند و اتفاقا موجب جنایت گردد یا طبیبی مباشرتا بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقا سبب جنایت بر او شود .

تبصره ۱- جنایتهای عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطا محض است .

تبصره ۲- جنایتهای عمدی که به اعتقاد قصاص یا با اعتقاد مهدورالدم بودن طرف انجام میشود و بعدا معلوم میگردد که مجنی علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است بمنزله خطا شبه عمد است .

مقدار دیه قتل نفس

ماده ۳- دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شگانه ذیل است که جانی در انتخاب هریک از آنها مخیر میباشد .

۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .

۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .

۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .

۴- دویست دست لباس سالم از بردهای یمن .

۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مفشوش که مردیناریک مثقال شرعی و به وزن ۱۸

ع - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر منقوش که هر درهم به وزن  $12/6$  نخود میباشد .  
ماده ۴ - دیه قتل عمد در مواردی که قصاصی ممکن نباشد یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن فقط در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .

ماده ۵ - تلفیق بعضی از امور ششگانه با بعضی دیگر کافی نیست . مثلاً مقداری شتر و مقداری گاو ، یا مقداری دینار و مقداری درهم بپردازد کافی نیست .  
تبصره - پرداخت قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین کافیست و اگر تلفیق مزبور بعنوان پرداخت قیمت یکی از امور ششگانه باشد کافی است .

#### مهلت پرداخت دیه

ماده ۶ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف بترتیب زیر است .  
الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود و تاخیر از آن بدون تراضی طرفین جائز نیست .

ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت میشود .  
ج - دیه قتل خطا محض در ظرف سه سال پرداخت میشود .  
تبصره - دیه قتل زن و قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح آن به ترتیب فوق پرداخت میشود .

ماده ۷ - دیه قتل خواه عمدی خواه غیر عمدی اگر در خصوص حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام ( رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم ) واقع شود یکی از شش چیز گذشته است باضافه یک ثلث ( یک سوم ) هر نوعی که انتخاب کرده است و سایر امکنه و ازمنه دارای این حکم نیستند هر چند متبرک باشند .

ماده ۸ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مردم مسلمان است .  
ماده ۹ - دیه زن و مرد در جراحاتها یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحات به ثلث ( یک سوم ) دیه کامل برسد نگاه دیه جراحات زن نصف دیه جراحات مرد خواهد بود .

#### مسوول پرداخت دیه

ماده ۱۰ - مسوول پرداخت دیه در قتل عمد و شبیه عمد خود قاتل است و مسوول پرداخت آن در قتل خطا محض عاقله قاتل است که باید راسا بپردازد و حق مراجعه به قاتل را ندارد .



ماده ۱- اگر قاتل در شبیه عمد اصلا قادر به پرداخت دیه نباشد هر چند به اومهلت طولانی داده شود احتمالا از بیت المال داده میشود .

### موجبات ضمان

ماده ۱۲- جنایت اعم از آنکه بمباشرت انجام شود یا بهتسبیب یا بهاجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده ۱۳- مباشرت در انجام جنایت آنست که جنایت واقع شده بر خود جانی مستقیما استناد داشته باشد مانند جنایتهائی که با تیراندازی و آتش سوزی و چاقوکشی و خفه کردن در آب و مانند آن واقع میشود .

ماده ۱۴- تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت دیگری را فراهم کند و خود شخصا مرتکب جنایت نشود مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۱۵- اجتماع مباشر و سبب جنایت آنست که کسی سبب وقوع جنایت را فراهم کند و دیگری مرتکب آن شود مانند آنکه کسی چاهی بکند و دیگری شخص سومی را طوری برت کند که او قهرا به چاه می افتد و آسیب می بیند = (مباشرت در جنایت) .

ماده ۱۶- هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجهائی که شخصا انجام میدهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقض عضو یا خسارت مالی شود ضامن است .

ماده ۱۷- هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد .

ماده ۱۸- هرگاه بیطاری گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است .

ماده ۱۹- هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان براثت حاصل نماید ، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده ۲۰- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقض عضو دیگری شود در صورتیکه آن اتلاف یا نقض عضو به شخص خوابیده استناد داده شود جنایت او بمنزله خطا محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده ۲۱- هرگاه کسی چیزی را به همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نمود موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت

خطا محض، عاقله اوصاف می باشد.

ماده ۲۲- هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هرکس را دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعا کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعا کشنده نباشد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و گرنه این عمل نوعا کشنده بود و نه با قصد قتل انجام گرفت قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است.

ماده ۲۳- هرگاه کسی دیگری را بترساند موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیزد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار او گردد ترساننده ضامن است و اگر با حفظ اراده و اختیار ایمن کارها را کرد ترساننده ضامن نیست و همچنین اگر در حال فرار به درنده یا گزندهای برخورد کرد و تلف شد یا آسیب دید ترساننده عهده دار نخواهد بود.

ماده ۲۴- هرگاه کسی از جای بلندی پرت شود و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را نداشته باشد و کاری را که با قصد انجام داده نوعا سبب جنایت نباشد عهده دار دیه خواهد بود و اگر خواست به جایی که کسی در آنجا نبود پرت شود و اتفاقا به جایی افتاد که شخصی در آنجا بود عاقله او عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر در اثر لفتش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد اصلا ضامن در بین نیست.

ماده ۲۵- هرگاه کسی دیگری را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتیکه نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعا سبب جنایت باشد عهده دار دیه آن خواهد بود.

ماده ۲۶- هرگاه کسی دیگری را بروی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعا سبب جنایت باشد ضامن دیه می باشد.

ماده ۲۷- هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و مضموم بمیرد یا مجروح شود در صورتیکه نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که با قصد انجام داده است نوعا سبب جنایت باشد ضامن دیه خواهد بود.

ماده ۲۸- هرگاه کسی خواست به جایی برود یا کاری را انجام دهد اتفاقا و بدون قصد به شخصی برخورد کرد و موجب آسیب او شد خطا محض بوده و عاقله او عهده دار خسارت

مصدوم میباشد .

ماده ۲۹- هرگاه کسی در ملک خود یا مکان مباح دیگری را راه وسیع عمومی توقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد خون او هدر است هر چند برخورد آن دیگری خطا محض باشد و آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۰- هرگاه کسی در جایی متوقف باشد که توقف در آنجا جائز نیست مانند راه تنگ و دیگری اشتباها و بدون قصد به او برخورد کند و بمیرد شخص متوقف ضامن دیه خواهد بود .  
و همچنین اگر کسی در جای ممنوع التوقف بنشیند و موجب لغزش رهگذر و آسیب آنها شود ضامن خسارت میباشد مگر آنکه عابر با وسعت راه عمدا قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه تنها خسارت او هدر است بلکه عهده دار خسارت شخص متوقف نیز خواهد بود .

#### اشتراک در جنایت

ماده ۳۱- هرگاه دو نفر بایکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند خواه هر دو سوار باشند و خواه هر دو پیاده باشند یا یکی سوار و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت میشود و در صورت خطا محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۲- هرگاه دو نفر بایکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمد نصف دیه مقتول برد دیگری است و در صورت خطا محض نصف دیه او بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۳- هرگاه در اثر برخورد دو سوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد بهر دو نسبت داده شود هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند .

تبصره ۱- هرگاه یکی از دو وسیله نقلیه به قدری آرام حرکت کند که تصادم صدق نکند بلکه صدمه یک طرفه صدق کند تمام خسارت مصدوم بعهدہ صادم بوده و چیزی بر عهده مصدوم نخواهد بود .

تبصره ۲- در صورتیکه هر کدام ضامن نصف دیه یا نصف خسارت دیگری باشد اگر دیه یا خسارت های مورد ضمان مساوی یکدیگر باشد تقاض خواهد شد و اگر یکی از دیگری باشد مقدار زائد پرداخت میشود .

ماده ۳۴- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان

خواهد بود و در صورت خطا، محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می باشد و اگر بز خورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطا، محض باشد ضمان بر حسب مورد برداخت خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه بز خورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست.

ماده ۳۵ - هرگاه دونا بالغ یا دود یوانه یا یک نابالغ و یک دیوانه خودشان سوار وسیله نقلیه شدند یا ولی آنان سوارشان کرده است و در صورت برخورد بهم از بین رفتند نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است و اگر بیگانه آنها را سوار کرده است دیه کامل هر دو نفر برکنی است که آنها را سوار نموده است.

ماده ۳۶ - هرگاه دوزن بار دار در اثر بز خورد بیکدیگر هردو گشته شوند و جنین هر دو سقط شود در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت میشود و نیز هر یک از آنها ضمانت نصف دیه هر دو جنین سقط شده خواهند بود.

ماده ۳۷ - هرگاه شخصی دیگری را بخواند و او را شبانه از منزلش بیرون ببرد و او مفقود گردد آن شخص ضمانت دیه مفقود می باشد و اگر او را گشته یافتند و آن شخص که وی را شبانه از منزلش بیرون برد ادعا کند که کسی او را گشت و بینه شرعی اقامه کند تبرئه می شود و اگر بینه اقامه نکرد ضمانت دیه خواهد بود و قصاص نمیشود و همچنین اگر ادعا نکند که کسی او را گشته است که در این صورت عهده دار دیه خواهد بود و اگر او مرده یافتند و معلوم شد که در اثر مرگ عادی یا علل قهری مانند عقرب زدگی مرده است و احتمال کشتن او داده نشود چیزی بر عهده آن شخص نمی باشد و گرنه عهده دار دیه خواهد بود.

#### تسبیب در جنایت

ماده ۳۸ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگر یا جایی که تصرف او در آن جائز است چاهی بکند یا سنگی قرار دهد یا میخی نصب کند یا چیز لغزنده ای بریزد و موجب آسیب رهگذر و مانند آن گردد عهده دار دیه نخواهد بود.

ماده ۳۹ - هرگاه در معبر عام یا ملک دیگری بدون اذن او یا جاییکه تصرف وی در آنجا جائز نیست یکی از کارهای فوق را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت رهگذر و مانند آن گردد عهده دار دیه و خسارت خواهد بود.

ماده ۴۰ - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای فوق را انجام داد و موجب

آسیب یا خسارت شخص ثالث شد عهده‌دار دیه یا خسارت نمی‌باشد.

ماده ۴۱- هرگاه در معبر عام کاری را برای مصلحت عابران انجام دهد مانند آنکه معبر را بمنظور خنک شدن یا برطرف شدن گرد و غبار آب پاشی کند و این کار موجب جنایت یا خسارتی شود عهده‌دار آن نخواهد بود.

ماده ۴۲- هرگاه یکی از کارهای فوق مثلاً چاه‌کندن را در منزل خود انجام دهد بعداً کسی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست بمنزل خود بخواند عهده‌دار خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل وارد شود یا با اذنی که قبل از کندن چاه مثلاً از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده‌دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی‌باشد.

ماده ۴۳- هرگاه در اثر سیل و مانند آن یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سنگی را مثلاً سیل یا مانند آن بهمراه آورد و کسی آن را بجائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده‌دار دیه و خسارت های وارد خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده برداشت و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرارداد عهده‌دار چیزی نمی‌باشد.

ماده ۴۴- هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای فوق مثلاً کندن چاه را انجام دهد سپس شخص ثالثی عدوانا وارد آن ملک شود و آسیب ببیند کسی که چاه را کند عهده‌دار دیه و خسارت میباشد.

ماده ۴۵- هرگاه کسی اتومبیل یا وسیله نقلیه دیگر یا کالاهائی که بمنظور خرید و فروش عرضه می‌شود در معبر عام قرارداد دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد.

ماده ۴۶- هرگاه کسی چیزهای لغزندمای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل عمداً بعروی آنها یا بگذارند ولی اگر کودک یا دیوانه در اثر برخورد با آنها بلغزد و آسیب ببیند آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود.

ماده ۴۷- هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرارداد دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود آن شخص عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن چیز را طوری گذاشته باشد که مائل بسقوط باشد یا طریزی گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود که در این موارد عهده‌دار خسارت میباشد.

ماده ۴۸- هرگاه ناودان یا بالکن منزل که موجب زیان به معبر و رهگذر باشد در اثر

سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر موجب ضرری نباشد بطوری که نصب و قرار دادن آن جائز باشد و لکن اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده دار آن نخواهد بود .

ماده ۴۹- هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرد لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کرد و موجب خسارت گردید صاحب آن عهده دار خسارت نمی باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط میکند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کرد و موجب آسیب یا خسارت شد صاحب آن عهده دار چیزی نخواهد بود .

ماده ۵۰- هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نمود لکن تدریجاً مائل به سقوط به سمت ملک دیگری شد اگر قبلاً آن تکیه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل انگاری سقوط کرد و موجب خسارت شد مالک آن ضامن می باشد .

ماده ۵۱- هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل بسقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود .

ماده ۵۲- هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش یا مانند آن روشن کند و بداند که بجائی سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .

ماده ۵۳- هرگاه کسی در ملک خود آتش یا مانند آن روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا او بداند که بجای دیگر سرایت می کند و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد .

ماده ۵۴- هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آن آتش بجائی سرایت نماید و سرایت آن با او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد .

ماده ۵۵- هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معرعام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتش یا مانند آن را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه مقصد اتلاف یا اضرار نداشته باشد .

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش و مانند آن عهده دار تلف و آسیب است اشخاص میبایست باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گر نه روشن کنندگان آتش

عهده دار نخواهد بود .

ماده ۵۶- هرگاه کسی آتشی یا مانند آن را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و بیروشن کننده آتش چیزی نیست .

ماده ۵۷- صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن او مشهود است باید او را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار میباشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در او هست آگاه نبود یا آنکه آگاه بود ولی توانائی حفظ آن را نداشت و در نگهداری او کوتاهی نکرد عهده دار خسارتش نیست .

ماده ۵۸- هرگاه حیوانی به کسی حمله کرد و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم نژاد بر آن وارد دفع کرد و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شد شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم نژاد بر آن بازداشت و همین کار موجب تلف یا آسیب او شد عهده دار نخواهد بود .

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به او آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد .

ماده ۵۹- هرگاه حیوانی به حیوان دیگری حمله کند و آسیب برساند در صورتیکه با سهل انگاری و کوتاهی مالک در نگهداری او پدید آمده باشد مالک او عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود به هدر خواهد بود و کسی عهده دار آن نمی باشد .

ماده ۶۰- هرگاه کسی با اذن وارد خانهای بشود و سگ خانها را بگزرد و آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند .

ماده ۶۱- کسی که سوار بر حیوانی است یا از جلو زمام او را می کشد عهده دار خسارتی است که آن حیوان با سر و گردن یا دست های خود انجام میدهد نه آنچه را که با پاهایش وارد میکند مگر آنکه حیوان اختیار از راکب یا زمام دار خود را نائل سازد و او هم آگاه به جریان امر نباشد و آن حیوان نیز ظاغی و سرکش نباشد و کسی که حیوان را از پشت سزمی راند ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می کند خواه با سر و دست و خواه با پا .

ماده ۶۲- هرگاه کسی حیوانی را در جائی متوقف نمود ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می کند خواه با سر و دست و خواه با پا .

ماده ۶۳- هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زنده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

ماده ۶۴- هرگاه کسی سوار بر حیوانی باشد و دیگری از جلو زمام او را بکشد یا از پشت سر او را براند و آن حیوان با سر و دست یا با پای خود خسارتی وارد کند خسارتهائی که با جلوی بدن حیوان وارد شد راکب و زمام دار یا راکب و سائق مشترکاً ضامن میباشند و خسارتی که با پای او وارد شد فقط سائق یعنی کسی که او را از پشت سر می راند ضامن است .

#### اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۶۵- هرگاه دونفر در ارتکاب جنایتی دخالت داشتند یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر در صورتیکه تاثیر هر دو برابر هم باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است مانند آن که یکی از آن دو چاه بکند و دیگری شخص ثالثی را بدرون آن بیاندازد و یا آنکه یکی از آن دو نفر چیز لغزنده یا کارد و مانند آن را در جائی قرار دهد و دیگری شخص ثالثی را بروی آن بیاندازد یا آنکه یکی از آن دو آتش را روشن کند و دیگری شخص ثالثی را بروی آن آتش نماید که در همه این موارد مباشر عهده دار خواهد بود .

ماده ۶۶- هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت تاثیر سبب بیشتر از تاثیر مباشر باشد فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو چاهی را در معبر بکند و آن را ببوشاند و دیگری بدون اطلاع شخص ثالثی را بیاندازد و او به چاه بیفتد و آسیب ببیند که در نظر این مورد فقط سبب عهده دار خواهد بود و چیزی بر مباشر نیست .

ماده ۶۷- هرگاه دونفر در ارتکاب جنایتی بنحو سبب دخالت داشتند نمباشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دونفر چاهی بکند و دیگری سنگ لغزنده را در کنار او قرار دهد که عابر بسبب برخورد با سنگ به چاه می افتد که در این موارد فقط کسی که سنگ لغزنده را گذاشت ضامن است و چیزی بر عهده کسی که چاه را کنده نیست .

تبصره - در مورد فوق هر کدام که متجاوز باشد ضامن خواهد بود مثلاً اگر کسی سنگی را در ملک خودش بگذارد و دیگری عبدوانا در ملک او چاه بکند و عابر در اثر برخورد با سنگ به چاه بیفتد فقط کسی که عبدوانا چاه کنده ضامن است .

ماده ۶۸- هرگاه کسی چاه عمیق بکند و دیگری آن را عمیق کند و شخص ثالثی بدرون آن بیفتد و آسیب ببیند کسی که اول چاه را کند ضامن می باشد .



ماده ۹۶- هرگاه چند نفر با هم سنگ لغزنده ای را در جایی قرار دادند و موجب آسیب عابر شده‌اند آنها بطور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود و همچنین اگر با هم سبب دیگری را فراهم کنند و بوسیله او جنایب واقع شود.

ماده ۷- هرگاه دو نفر در چاه بیفتند و در اثر تصادم و برخورد با یکدیگر گشته شوند کسی که چاه را کنده ضامن هردو می باشد.

ماده ۷۱- هرگاه کسی بدیگری بگوید که متاع خود را چون سنگین است و حمل آن برای اتومبیل یا کشتی احتمال خطر دارد بیرون بیاندازد و صاحب متاع مبادرت بانجام آن کرد مال خود را اتلاف نمود کسی عهده‌دار آن نمی باشد ولی اگر کسی که با او می گوید متاع خود را اتلاف کن عهده‌دار ضمان آن بشود و بگوید من ضامن متاع تو خواهم بود ضمان تحقق پیدا می کند و متعهد ضامن خواهد شد.

#### دیه اعضا

ماده ۷۲- هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شد و شرعا مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشد جانی باید ارش بپردازد و آن عبارت از اینست که مجنی علیه را برده فرض کند و او را صحیحا قیمت نماید آنگاه او را معیبا تقویم کنند سپس تفاوت بین قیمت صحیح و معیب را که همان ارش نام دارد از جانی دریافت دارند.

ماده ۷۳- هرگاه کسی موی سر یا ریش مرد یا پسر را طوری از بین ببرد که هرگز و ابدا نرئود عهده‌دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره برآید نسبت به موی سر ارش را ضامن است و نسبت به ریش ثلث (یک سوم) دیه کامل را عهده دار خواهد بود.

ماده ۷۴- هرگاه کسی موی سر زن را طوری از بین ببرد که هرگز و ابدا نرئود ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره برآید عهده‌دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست.

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت میشود.

ماده ۷۵- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره برآید و مقدار دیگر هرگز نرئود نسبت مقداری که نرئود با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد مثلا اگر نصف موی سر نرئود نصف دیه کامل را جانی ضامن است و نسبت به مقداری که دوباره روئید ارش پرداخت میشود.

ماده ۷۶- تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن ابدا و یا اهل خبر است و اگر طبق نظر آنان که هرگز روئیده نمی شود دیه کامل پرداخت شد و بعد از آن دوباره روئید نباید مقدار زائد

برارش به جانی مسترد شود .

ماده ۷۷- دیه موهای مجموع دوا برو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو بست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا روئیده شد ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمیشود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین میشود .

ماده ۷۸- از بین بردن مژه و موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعضی آن .

ماده ۷۹- از بین بردن سائر موهای بدن غیر از آنچه بیان شد فقط موجب ارش است نه دیه .

ماده ۸۰- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت میگردد .

### دیه چشم

ماده ۸۱- از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه کامل خواهد بود .

تبصره - تمام چشم هائیکه بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و ندیدن شب و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند .

ماده ۸۲- چشمی که در سیهایی اولکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه آن تام است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از دیه کاهش می یابد و اگر بطور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه دیه .

ماده ۸۳- کسی که دارای یک چشم سالم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم سالم او در صورتی دیه کامل میباشد که آن چشم دیگرش در اصل خلقت او یا در اثر ابتلاهای الهی نابینا شده باشد ولی اگر آن چشم دیگرش در اثر جنایتی که دیگری بر او وارد کرده است و او استحقاق دریافت دیه آن را پیدا نموده یا در اثر جنایتی که خودش بردگی وارد کرده است یک چشم او به قصاص رفته است دیه چشم سالم او در این موارد نصف دیه کامل میباشد .

ماده ۸۴- کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم نابینای

او ثلث (یک سوم) دیه کامل است خواه چشم او خلقتا نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده است .

ماده ۸۵- دیه مجموع چهارپلک دو چشم دیه کامل خواهد بود و دیه پلکهای بالا ثلث (یک سوم) دیه کامل و دیه پلکهای پائین نصف (یک دوم) دیه کامل است ولی حتما باید درباره کمتر از مجموع چهارپلک جانی و مجنی علیه مصالحه نمایند .

#### دیه بینی

ماده ۸۵ مکرر - از بین بردن تمام بینی دفعتا یا نرمه آن که پائین قصب و استخوان بینی است موجب دیه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمه بینی موجب همان نسبت از دیه می باشد .

ماده ۸۶- از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمه آن موجب دیه کامل و ارش می باشد .

ماده ۸۷- فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در صورتیکه اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار می باشد .

ماده ۸۸- فلج کردن بینی موجب دو ثلث (دو سوم) دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث (یک سوم) دیه کامل می باشد .

ماده ۸۹- از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی موجب ثلث (یک سوم) دیه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوریکه هردو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتیکه باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث (یک سوم) دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شد موجب خمس (یک پنجم) دیه می باشد .

#### دیه گوش

ماده ۹۰- از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده ۹۱- از بین بردن نرمه گوش ثلث (یک سوم) دیه دارد و از بین بردن بعضی از آن موجب همان نسبت خواهد بود .

ماده ۹۲- پاره کردن گوش ثلث (یک سوم) دیه دارد .

ماده ۹۳- فلج کردن گوش دوتلث (دوسوم) دیه دارد و بریدن گوش فلج ثلث (یک سوم) دیه دارد.

تبصره ۱- گوش سالم و شنوا و گوش کر در حکم فوق یکسانند.

تبصره ۲- هرگاه آسیب رساندن به گوش بمحس شنوائی سرایت کرد و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شد برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود.

### دیه لب

ماده ۹۴- از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود.

ماده ۹۵- جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را رانیوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید.

ماده ۹۶- جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که با خنده و مانند آن از دندانها کنارتنرود موجب دوتلث (دوسوم) دیه کامل می باشد.

ماده ۹۷- از بین بردن لبهای فلج و بی حس ثلث (یک سوم) دیه دارد.

ماده ۹۸- شکافتن هر دو لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث (یک سوم) دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس (یک پنجم) دیه کامل و شکافتن یک لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث (یک سوم) دیه لب و در صورت خوب شدن خمس (یک پنجم) دیه لب خواهد بود.

### دیه زبان

ماده ۹۹- از بین بردن تمام زبان سالم دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث (یک سوم) دیه کامل دارد و لال کردن انسان سالم با ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد.

ماده ۱۰۰- از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان مثلا نصف یا ثلث زبان خواهد بود ولی از بین بردن مقداری از زبان سالم موجب دیه به مقدار مساحت زبان نمی باشد بلکه بلحاظ از بین رفتن اندازه سخن گفتن و آداء حروف خواهد بود.

تبصره دیه بریدن مقداری از زبان سالم را به نسبت حروف لغتی که سخن می گویند

می‌سجند مثلا کسی که به عربی تکلم می‌کند دیه زبان او را به بیست و هشت (۲۸) قسمت می‌کنند بنابراین اگر نصف زبان او را بریدند و ربع حروف را از دست داد دیه آن ربع (یک چهارم) دیه زبان است نه نصف آن گرچه از لحاظ مساحت نصف زبان بریده شود. ماده ۱۰۱ - اگر جنایتی که بر زبان وارد شده موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد مقدار دیه آن با تعیین حاکم معلوم می‌شود.

ماده ۱۰۲ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن مقداری از حروف باشد آنگاه دیگری مقدار دیگر را قطع کند که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد باید نسبت را ملاحظه کرد مثلا اگر با جنایت اول نصف حروف را از دست داد و با جنایت دوم نصف باقی را که ربع مجموع است از دست بدهد دیه جنایت دوم ربع (یک چهارم) دیه زبان خواهد بود.

ماده ۱۰۳ - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است.

ماده ۱۰۴ - بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی‌گوید ثلث (یک سوم) دیه دارد و اگر بعدا معلوم شد که زبان او سالم و قدرت تکلم داشت دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته میشود.

ماده ۱۰۵ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد.

#### دیه دندان

ماده ۱۰۶ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع میشود.

۱- هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیشین و چهارتائی و نیش و از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعا دوازده تا خواهد بود - پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار میشود.

۲- هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سهضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود - بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار میشود.

ماده ۱۰۷ - دندانهای اضافی بهر نام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیمای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود مقدار جریمه آن با تعیین حاکم معلوم میشود و اگر

هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در اثر ستم و گناه تغزیر میشود .  
ماده ۸۸- هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش  
می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضای کم شده باشد .

ماده ۹۰- فرقی میان دندانهای که دارای رنگهای گوناگون می باشند نیست و اگر  
دندانی در اثر جنایت سیاه شد و نیافتاد دیه آن دوثلث (دوسوم) دیه همان دندان  
است که سالم می بود و دیه دندان که قبلا سیاه شده بود و اکنون با ضربه از بین رفت ثلث  
(یک سوم) همان دندان سالم است . .

ماده ۹۱- شکاف دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد با تعیین حاکم جریمه  
مالی او معلوم میشود .

ماده ۹۱-۱- شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با حفظ ریشه آن دیه کامل دارد  
و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود  
خواه کسی که بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود خواه کسی که بقیه را  
از ریشه کند همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکست یا دیگری باشد .

ماده ۹۱-۲- کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل دارد  
و اگر بجای آن دندان نروید دیه بردندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد .

ماده ۹۱-۳- دندانی که کنده شد دیه کامل دارد گرچه همان را در محلتش قرار دهند و  
دوباره مانند سابق بروید .

ماده ۹۱-۴- هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شد قرار گیرد و مانند  
دندان اصلی بروید کندن آن دیه کامل دارد .

### دیه گردن

ماده ۹۱-۱- شکستن گردن بمطوری که گردن کج شود دیه کامل دارد .

ماده ۹۱-۲- جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو  
بردن غذا گردد که شخص برای ادامه زندگی خود مجبور شود که غذا را از راه دیگر بخورد  
برساند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۹۱-۳- هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شد  
اثر آن زائل گردد دیه ندارد فقط باید ارزش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن  
مقداری بادشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

### دیه فک

- ماده ۱۱۸- از بین بردن مجموع دوفک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار میباشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود.
- ماده ۱۱۹- دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک با دندان از بین رفت دیه هر یک جداگانه محسوب میگردد.
- ماده ۱۲۰- جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود.

### دیه دست

- ماده ۱۲۱- از بین بردن مجموع دودست تا مفصل و مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دستها نصف دیه کامل است. خواه دست راست و خواه دست چپ و خواه مجنی علیه دارای یک دست باشد و دست دیگر را خلقتا یا در اثر سانحه ای فاقد باشد و خواه دارای دو دست بوده باشد.
- ماده ۱۲۲- در صورتیکه دست تا مچ قطع شود برای انگشتان دیه جداگانه نخواهد بود و دیه خصوص انگشتان در صورتیکه فقط انگشتان قطع شوند پانصد دینار است.
- ماده ۱۲۳- بریدن کف دست که انگشت ندارد خواه خلقتا بدون انگشت بوده است و خواه در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود.
- ماده ۱۲۴- دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.
- ماده ۱۲۵- دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل و مچ قطع شود یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است با ضافه آنچه که حاکم با در نظر گرفتن مساحت زائد تعیین می کند.
- ماده ۱۲۶- کسیکه بر مفصل و مچ او دودست روئیده است یا بر آرنج او دودست یا بر شانه او دودست روئیده باشد دیه دست اصلی پانصد دینار و جریمه دست زائد بانظر حاکم تعیین میگردد و اگر یک نفر هر دو را قطع کند باید دیه اصل و جریمه زائد را بپردازد.

خواه باهم قطع کند یا یکی را بعد از دیگری قطع نماید و اگر قطع کننده دو نفر باشند هر کدام جریمه را میپردازد که حاکم تعیین می کند .

تبصره - تشخیص دست اصلی و زائد بنظر اهل خبره خواهد بود .

ماده ۱۲۲ - دیه ده انگشت دودست هزار دینار و همچنین دیه ده انگشت دوپا دیه کامل خواهد بود ، دیه هرانگشت عشر (یکدهم) دیه کامل است .

ماده ۱۲۸ - دیه هرانگشتی بعدد بندهای آن انگشت تقسیم میشود و بریدن هر بندهی از انگشت های غیر شست ثلث (یک سوم) دیه انگشت سالم و در شست نصف (یک دوم) دیه شست سالم است .

ماده ۱۲۹ - دیه انگشت زائد ثلث (یک سوم) دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث (یک سوم) دیه بندهای اصلی است .

ماده ۱۳ - اگر عدد انگشتان اصلی برخی از نژادها بیش از ده تا باشد دیه بر همان مقدار زائد توزیع میشود نه بر خصوص ده تا .

ماده ۱۳۱ - دیه فلج کردن هرانگشتی دوثلث (دو سوم) دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث (یک سوم) دیه انگشت سالم است .

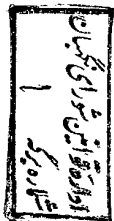
#### دیه ناخن

ماده ۱۳۲ - کندن ناخن که دیگر نرئید یا فاسد و سیاه برآید ده دینار دیه دارد و اگر سالم و سفید برآید پنج دینار دارد .

ماده ۱۳۳ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی درآید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین رود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنائتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود .

ماده ۱۳۴ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شد و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد .

ماده ۱۳۵ - هرگاه شکستن پشت باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دو پا دوثلث (دو سوم) دیه کامل منظور میگردد .





دیه نخاع

ماده ۱۳۶ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به سبب مساحت خواهد بود .

ماده ۱۳۷ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده میگردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین میشود بر دیه کامل قطع نخاع افزوده میشود .

دیه پستان

ماده ۱۳۸ - دیه بریدن دو پستان زن دیه کامل زن است و بریدن هریک از دو پستان زن نصف دیه کامل زن می باشد .

ماده ۱۳۹ - هرگاه مقداری از پوست سینه با بریدن پستان کنده شود جریمه ای که برای کندن پوست بانظر حاکم تعیین میشود بر دیه پستان افزوده میگردد و همچنین اگر با بریدن پستان سینه سوراخ شود دیه آن بر پستان افزوده میشود .

ماده ۱۴۰ - جنایتی که باعث قطع شیر گردد یا باعث دشواری جریان آن شود خواه فعلا در باشد و جاری نشود و خواه در موقع لزوم جاری نگردد یا موجب کم شدن آن شود یا باعث معیوب شدن آن گردد بطوری که با خون یا چرک مخلوط شود جریمه آن در همه موارد یاد شده بنظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۴۱ - دیه نوک پستانها با احتساب مساحت آن تعیین میگردد .

ماده ۱۴۲ - دیه نوک یک پستان مرد ثمن (یکهشتم) و دیه نوک دو پستان مرد ربع (یک چهارم) دیه کامل مرد خواهد بود .

دیه آلت تناسلی

ماده ۱۴۳ - بریدن آلت تناسلی یا قطع حشفه (سر آلت) دیه کامل دارد خواه از جوان و خواه از پسر و خواه از کودک و خواه از کسیکه بیضه های او خلقتا یا بر اثر سانحهای کوبیده شده باشد در صورتیکه موجب فلج شدن آلت نباشد .

ماده ۱۴۴ - دیه بریدن مقداری از حشفه نهمه آن به نسبت همه حشفه احتساب میشود نه نسبت به اصل آلت .

ماده ۱۴۵- جریمه سوراخ کردن مجرای بول بدون بریدن آن بانظرحاکم تعیین میشود  
و اگر بریدن جشفه مستلزم سوراخ شدن مجری باشد غیر از دینه حشفه چیزی نخواهد بود و اگر  
مستلزم آن نباشد بلکه سوراخ شدن مجری جنایت دیگر بشمار آید جریمه آن که بانظرحاکم  
تعیین میگردد بر دینه حشفه افزودن میشود .

ماده ۱۴۶- هرگاه کسی حشفه مجنی علیه را قطع کند و دوباره همان شخص یا دیگری بقیه  
آلت را قطع نماید برای قطع حشفه دیمکامل است و برای قطع بقیه جریمه ای است که بانظر  
حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۴۷- قطع مقداری از حشفه موجب مقداری از دینه کامل با احتساب مساحت حشفه  
می باشد و اگر در فرض مزبور دیگری بقیه آلت را قطع نماید عهده دار جریمه ایست که بانظر  
حاکم تعیین میگردد .

ماده ۱۴۸- بریدن آلت تناسلی عنین ( ناتوان جنسی ) ثلث ( یک سوم ) دینه کامل و  
همچنین قطع آلت فلج موجب ثلث دینه میباشد و بریدن بعضی از آن موجب دینه با  
احتساب مساحت است .

ماده ۱۴۹- بریدن نصف آلت از طول در صورتیکه موجب فلج شدن آن نگردد نصف  
دینه کامل دارد و اگر در باقی فلج ایجاد گردد برای بریدن نصف دینه و برای فلج شدن  
دو ثلث ( دو سوم ) نصف دیمکه جمعاً پنج سدس ( پنج ششم ) دینه کامل خواهد بود .  
ماده ۱۵۰- جریمه بریدن آلت خنثی شکل یا کسی که زن بودن او معلوم باشد بانظر  
حاکم تعیین میشود

#### دینه بیضه

ماده ۱۵۱- بریدن مجموع دو بیضه دفعتاً دینه کامل و بیضه چپ دو ثلث ( دو سوم ) دینه  
و بیضه راست ثلث ( یک سوم ) دینه دارد .  
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند  
آن نیست .

ماده ۱۵۲- دینه ایجاد قنق دو بیضه چهار صد دینار است و اگر ایجاد قنق موجب زوال  
قدرت را مرتفتن شد دینه آن هشتصد دینار یعنی ( چهار پنجم ) دینه کامل خواهد بود .

### دیه آلت تناسلی زن

ماده ۱۵۳- دیه مجموع دولبه آلت تناسلی زن که آن را می پوشانند دیه کامل زن است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه زن میباشد خواه بزرگ و خواه کوچک .

ماده ۱۵۴- فلج کردن مجموع دولبه آن دولت (دوسوم) دیه زن و بریدن لبه های فلج ثلث دیه زن می باشد .

ماده ۱۵۵- جریمه از بین بردن غانه (بالای آلت تناسلی) زن یا مرد بانظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۵۶- جنایتی که باعث یکی شدن مجرای درار و خون قانندگی یا یکی شدن مجرای مدفوع و خون قانندگی گردد موجب دیه کامل زن می باشد و هرگاه در اثر مقاربت همسر قبل از بلوغ زن ، دومجری یکی شود مهرالمثل بر دیه زن افزوده میشود .

ماده ۱۵۷- هرگاه بیگانه ای زن را بمقاربت مجبور کند و در اثر آن ، دومجری یکی شود گذشته از دیه کامل زن مهرالمثل نیز لازم خواهد بود و اگر با میل زن مقاربت انجام شود و در اثر آن دومجری یکی گردد فقط دیه کامل زن لازم است نه مهرالمثل .

ماده ۱۵۸- هرگاه دختر با کراهت یا بمقاربت مجبور شود و در اثر آن دومجری یکی گردد غیر از دیه کامل زن و مهرالمثل ، ارش بکارت نیز لازم خواهد بود .

### دیه کفل

ماده ۱۵۹- دیه مجموع دو کفل دیه کامل همان شخص مجنی علیه می باشد و دیه هر کدام از کفل ها نصف دیه کامل او می باشد و دیه مقداری از کفل نسبت به مساحت آن خواهد بود .

### دیه پنا

ماده ۱۶۰- بریدن مجموع دو پا که حد آن از مفصل شاق است- دیه کامل دارد و دیه هر کدام از پاها نصف آن می باشد .

ماده ۱۶۱- دیه مجموع ده انگشت پادیه کامل است و دیه هر کدام از انگشت ها عشر (یک دهم) دیه کامل میباشد و دیه هر انگشت بر سه بند توزیع می شود مگر دیه شست که بر

دو بند تقسیم میگردد .

#### دیه دنده

ماده ۱۶۲- دیه هریک از دنده هائی که در پهلوی چپ واقع شد و محیط به قلب می باشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده ها ده دینار است .

#### دیه استخوان زیرگردن

ماده ۱۶۳- شکستن مجموع دو استخوان زیرگردن دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شد چهل دینار می باشد .

#### دیه نشیمن گاه

ماده ۱۶۴- شکستن نشیمن گاه که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد جریمه ای بانظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۶۵- ضربه ای که به حد فاصل بیضه ها و ذبیر واقع میشود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع میگردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه بمحل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .

ماده ۱۶۶- اگر در اثر فشاری که بوسیله پایا چیز دیگر بر شکم مجنی علیه وارد آمد و باعث خروج بول یا غائط شد باید ثلث (یک سوم) دیه کامل پرداخت شود .

ماده ۱۶۷- از بین بردن بگارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهرا المثل نیز دارد .

#### دیه استخوانها

ماده ۱۶۸- دیه شکستن استخوان بر عضوی که برای آن عضو ده معینی است خمس (یک

پنجم) آن می باشد و اگر بدون عیب شکسته بندی شد (چهار پنجم) دیه شکستن آن دیه دارد. درمان کردن استخوان ربع (یک چهارم) دیه شکستن آن را دارد و دیه کوبیدن آن ثلث (یک سوم) دیه آن عضو در صورت عدم درمان و در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه کوبیدن عضو می باشد.

ماده ۱۶۹- در جدا کردن استخوان از عضو بطوریکه آن عضو بی فائده گردد دو ثلث (دوسوم) دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شد دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می باشد.

### دیه عقل

ماده ۱۷۰- هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن مثلا جنون موسمی شود ارزش دارد.

ماده ۱۷۱- از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد.

ماده ۱۷۲- هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمیشود.

ماده ۱۷۳- هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل شد و دیه کامل از جانی دریافت شد و دوباره عقل برگشت دیه مسترد می شود و جریمه آن با نظر حاکم تعیین میگردد.

ماده ۱۷۴- مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن پزشکان ماهرنی باشند و اگر در اثر اختلاف رای متخصصان زوال یا نقصان عقل ثابت نشد قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است.

### دیه حس شنوایی

ماده ۱۷۵- از بین بردن حس شنوایی مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن حس شنوایی یک گوش نصف دیه کامل دارد خواه شنوایی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد خواه نباشد.

ماده ۱۷۶- هرگاه کسی فاقد حس شنوایی یکی از گوشها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد خواه آن گوش دیگر را به سبب ابتلاء الهی از دست داده باشد و خواه در اثر جنایت فاقد آن شده باشد.

ماده ۱۷۷- هرگاه معلوم باشد که حس شنوایی بر نمیگردد یا متخصصان گواهی دهند که بر نمیگردد دیه مستقر میشود و اگر اهل خیره امید به برگشت آن را دارند و سپری شدن مدت انتظار، حس شنوایی برگشت دیه استقرار پیدامی کند و اگر شنوایی قبل از دریافت دیه برگشت ارش ثابت میشود و اگر بعد از دریافت آن برگشت دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود.

ماده ۱۷۸- هرگاه با بریدن هردو گوش شنوایی از بین رفت دودیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوایی بطور کلی از بین رفت یک دیه کامل و نصف دیه لازم میشود و اگر با جنایت دیگری حس شنوایی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوایی.

ماده ۱۷۹- هرگاه متخصصان گواهی دادند که شنوایی از بین نرفت ولی در میان نقصی رخ داد که مانع شنوایی است همان دیه شنوایی ثابت است نه جریمه ای که بانظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۸۰- هرگاه کودک در اثر کرا شدن لال بشود گذشته از دیه شنوایی جریمه ای که برای لال شدن بانظر حاکم تعیین میگردد پرداخت میشود.

ماده ۱۸۱- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه جریان امر توسط آزمایش پنا با رجوع به چند متخصص مورد اعتماد روشن میشود و اگر با رجوع به آنان حل نشد مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت می کند.

#### دیه بینائی

ماده ۱۸۲- از بین بردن بینائی هردو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینائی یک چشم نصف دیه کامل دارد.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین انواع گوناگون چشم تیزبین یا لوچ و مانند آن نمی باشد.

ماده ۱۸۳- هرگاه با کندن حدقه چشم، بینائی از بین برود، بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه بینائی.

ماده ۱۸۴- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد متخصص عادل

یا یک مرد متخصص و دو زن متخصص عادل باینکه بینائی از بین رفت و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند برمیگردد ، ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود .

ماده ۱۸۵- هرگاه مجنی علیه قبل سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری چشم او را بکند دیه بینائی برجانی اول ثابت خواهد بود .

ماده ۱۸۶- هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند برجانی اول فقط ارش لازم می باشد چه اینکه اگر قبل از دریافت دیه بینائی برگردد فقط ارش پرداخت میشود ولی اگر بعد از دریافت دیه بینائی برگردد دیه مسترد نمی شود .

ماده ۱۸۷- هرگاه مجنی علیه بگوید بینائی هر دو چشم یا یک چشم من کم شد بسا آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش تفاوت ، پرداخت میشود .

ماده ۱۸۸- هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی من زائل شد و شهادتی از متخصصان در بین نباشد ، حاکم او را با قسامه که شش نفر می باشند و یکی از آنها خود مدعی است حسب مورد سوگند می دهد و بئفع او حکم صادر می کند .

### دیه حس بویائی

ماده ۱۸۹- از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی خصوص یک مجری حتما باید مصالحه نمایند .

ماده ۱۹۰- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشد با قسامه که تعداد آن شش نفر است و یکی از آنان خود مدعی خواهد بود حسب مورد بئفع مدعی حکم میشود .

ماده ۱۹۱- هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگشت جرمیائی با نظر حاکم تعیین میشود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگشت حتما باید مصالحه نمایند و اگر نجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت میشود .

ماده ۱۹۲- هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دودیه لازم میشود و همچنین اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده میشود و اگر آن جنایت دیه معین نداشت جرمیائی که با نظر حاکم تعیین میگردد بر دیه بویائی اضافه خواهد شد .

### دیه چشائی

- ماده ۱۹۳- جریمه از بین بردن حس چشائی بانظر حاکم تعیین میشود .
- ماده ۱۹۴- هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهند بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود دیه یا جریمه آن جنایت بر دیه حس - چشائی افزوده میگردد .
- ماده ۱۹۵- جریمه جنایت برفک که مانع جویدن غذا گردد بانظر حاکم تعیین میشود .
- ماده ۱۹۶- در صورتیکه حس چشائی برگردد دیه مسترد میشود و باید طرفین مصالحه نمایند .
- ماده ۱۹۷- اگر اختلاف جانبی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حس چشائی با آزمایش و مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشد با قسامه مدعی حسب مورد حکم بنفع اوصاف میشود .

### دیه صوت و گویائی

- ماده ۱۹۸- از بین بردن صوت بطور کلی که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد .  
گرچه بتواند با اخفاف و آهسته صدایش را برساند .
- ماده ۱۹۹- از بین بردن گویائی بطور کلی که نتواند اصلا سخن بگوید دیه کامل دارد .
- ماده ۲۰۰- جنایتی که موجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند بلکه ناچار شود از راه بینی مثلا برساند جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود .
- ماده ۲۰۱- جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه ، مقدار جریمه آن معلوم گردد .
- ماده ۲۰۲- جنایت در موارد زیر جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود .
- الف - جنایتی که باعث از بین رفتن انزال شود .
- ب - جنایتی که باعث گردد انسان نتواند تولید و باردار کند .
- ج - جنایتی که لذت مقاربت را از بین ببرد .
- ماده ۲۰۳- جنایتی که باعث از بین رفتن اصل مقاربت بطور کلی شود دیه کامل دارد .



### دیه سلس و ریزش ادرار

- ماده ۲۰۴ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر دیه معین دارد .
- الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام و تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
- ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا نیمی از هر روز دوثلث (دوسوم) دیه دارد
- ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا هنگام برآمدن روزثلث (یک سوم) دیه دارد .
- تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شد ، نه در کلیه روزها جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
- ماده ۲۰۵ - هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
- ماده ۲۰۶ - هر جنایتی که موجب نقص در قیمت برفرض برده بودن مجنی علیه نمی شود مانند بریدن انگشت زائد قاضی به منظور فصل خصومت . یا دستور مصالحه می دهد که در این صورت حتما باید مصالح کنند یا جریمه را با رعایت مصالح تعیین می کند یا جانی را تعزیر می نماید .

### دیه جراحت سر و صورت

- ماده ۲۰۷ - دیه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است .
- ۱ - حارصه = خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر دارد .
- ۲ - دامیه = خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت میشود و همراه با جریان خون می باشد خواه خون کم یا زیاد - دو شتر دارد .
- ۳ - متلاحمه = جراحتی که مقدار زیادی از گوشت را فرومی گیرد لکن به پوست نازک روی استخوان نمی رسد - سه شتر دارد .
- ۴ - سماق = جراحتی که تمام گوشت را فرو گرفته و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر دارد .
- ۵ - موضجه = جراحتی که تمام گوشت را فرو گرفته و پوست نازک روی استخوان

را کنار زده و استخوان را آشکار کرده است - پنج شتر دارد.

۶- هاشمه = جراحی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد ده شتر دارد.

۷- منقله = جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد پانزده شتر دارد.

۸- ماهومه = جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث (یک سوم) دیه کامل دارد و اگر خواست شتر بپردازد سی و سه شتر کافی است.

۹- دامغه = جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه ای که با نظر حاکم تعیین میشود بر او افزوده میگردد.

ماده ۲۰۸- هرگاه یکی از جراحتهای فوق در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجد آنگاه به مقسدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع میشود تعیین کرد. مثلا اگر یکی از جراحتهای فوق در دست واقع شود چون دیه دست نصف دیه کامل است دیه جراحی مزبور نیز نصف دیه همان جراحی است که در سر و صورت تعیین شده است مثلا در "حارصه" اگر در دست واقع شود نصف شتر یا پنج دینار دیه دارد و در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن بانظر حاکم تعیین میشود.

دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود

ماده ۲۰۹- دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود بهتر تبذیر است.

الف - جائفه = دیه جراحی که با هر وسیله و از هر راه به درون انسان برسد ثلث (یک سوم) دیه کامل است.

ب - هرگاه وسیله ای که به درون رسید از طرف دیگر بیرون آید مثلا با نیزه یا گلوله و مانند آن از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دولت (دو سوم) دیه کامل دارد.

دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو می رود

ماده ۲۱- هرگاه نیزه یا مانند آن در دست یا پای مرد فرورود دیه آن یکصد دینار

است و اگر در اعضاء بدن زن فرو رود ارش آن بانظر حاکم تعیین میشود .

دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم میشود

ماده ۲۱۱- دیه جنایتی که موجب تغییر رنگ یا تورم میشود به ترتیب زیر است .

الف - جنایتی که مانند سلی زدن موجب سیاه شدن صورت گردد بدون آنکه همراه با جراحت یا شکستن باشد دیه آن شش دینار است .

ب - جنایتی که موجب سبز شدن صورت گردد دیه آن سه دینار است .

ج - جنایتی که موجب سرخ شدن صورت گردد دیه آن یک دینار و نیم است .

د - جنایتی که باعث تغییر رنگ سایر قسمتهای بدن شود در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سمربع (سه چهارم) دینار دیه دارد .

تصره - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی نیست میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی نیست بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد .

ماده ۲۱۲- جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارش آن بانظر حاکم معلوم میگردد و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلا بیان شد افزوده میشود .

ماده ۲۱۳- دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دوثلث (دوسوم) دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث (یک سوم) دیه همان عضو است .

ماده ۲۱۴- در هر مورد از موارد این قانون که گفته شد جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود راه تعیین آن اینست که مجنی علیه را برده فرض کرد و جنایتی که باعث نقص قیمت او میشود بررسی کرد و تفاوت میان معیوب و سالم را احتساب نمود و به مقدار همان نسبت از دیه کامل دریافت کرد و اگر جنایت باعث نقص قیمت مجنی علیه بر فرض برده بودن او نمیشود جریمه آن با مصلحت اندیشی حاکم معلوم میگردد .

ماده ۲۱۵- هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد تا به دادخواهی قیام کند حکومت اسلامی بمنزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید .

ماده ۲۱۶- دیه سقط جنین به ترتیب زیر است .

۱- دیه نطفه که در رحم مستقر شد بیست دینار .

۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .

- ۳- دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار .
- ۴- دیه جنین درمرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار .
- ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار .
- تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمیباشد .
- ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد یک هزار دینار و اگر دختر باشد پانصد دینار .
- ماده ۲۱۷- هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد بر دیه مادر افزوده میشود .
- ماده ۲۱۸- هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد .
- ماده ۲۱۹- هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود .
- ماده ۲۲۰- دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است مثلاً دیه از بین بردن دست جنین در مرحله‌ای که حلقه بدن او تپه‌پایان رسیده و هنوز روح پیدا نشده است پنجاه دینار است و دیه دست جنینی که روح پیدا نموده است مانند دیه دست دیگران می باشد .
- ماده ۲۲۱- دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد برعهده جانی است و در موارد خطا محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .
- ماده ۲۲۲- سقط جنین قبل از پیدایش روح ، کفاره ندارد و کفاره و همچنین دیه کامل او بعد از احراز جنایت او خواهد بود .
- دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود
- ماده ۲۲۳- دیه جنایتی که بر مرده واقع میشود به ترتیب زیر است .
- الف - بریدن سر مسلمان مرده یکصد دینار .
- ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پای یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار .

دینار و بریدن یک انگشت از دست پایک انگشت از پا دهد پینار و قطع پا یا نقص سایر اعضا و جوارح بهمین نسبت ملحوظ میگردد .

ماده ۲۲۴- فرقی در حکم مزبور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست .

ماده ۲۲۵- دیم مذکور (در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴) به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خودمیت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت میگردد و در راههای خیر صرف می شود .

### عاقله (مسئول پرداخت دیمنایتهای خطائی)

ماده ۲۲۶- دیه قتل خطاء محض و همچنین دیه جراحت (موضعه) عمیقی که وارد گوشت شده و استخوان آن را نمایان می کند و دیه جراحت های عمیق تر از آن بعهدده عاقله می باشد و دیه جراحت های کم تر از آن بعهدده خود جانی است .

تبصره - قتل عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه بمنزله خطاء محض و برعهده عاقله میباشد .

ماده ۲۲۷- عاقله عبارتند از فامیلان نزدیک ابوینی یا خصوص فامیلان ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و پسر و عمو و پسران عمو .

ماده ۲۲۸- زن جزء عاقله محسوب نمیشود و عهده دار دیه خطائی نخواهد بود و همچنین نابالغ و دیوانه .

ماده ۲۲۹- عاقله اگر فقیر باشد عهده دار دیه نمی باشند .

ماده ۲۳- هرگاه قتل خطائی با گواهی شاهد های عادل ثابت شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است .

ماده ۲۳۱- هرگاه اصل قتل با شهادت شاهد های عادل ثابت شد و قاتل مدعی شود که خطاء انجام شد و عاقله منکر خطائی بودن آن باشند در صورتیکه سوگند یاد کند قبول آنان مقدم بر قول جانی میباشد .

ماده ۲۳۲- جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد می آورد بعهدده خود اوست و همچنین اتلاف های مالی که بطور خطاء محض انجام میشود بعهدده شخص تلف کننده است و عاقله عهده دار هیچگونه خسارتهای مالی در مورد اتلاف خطائی و یا نندادن نیستند و فقط در خصوص قتل و جرح بر انسان که بطور خطاء محض انجام میشود عهده دار میباشد .

ماده ۲۳۳- دیه خطاء محض بر عاقله به ترتیب طبقات ارث توزیع میشود .

ماده ۲۳۴- هرگاه جانی دارای عاقله نبود یا عاقله او نتوانستند دیه را در مدت سه سال بپردازند حکومت اسلامی عهده دار دیه می باشد .

ماده ۲۳۵- دیه عمد و شبه عمد بر جانی است. لکن هرگاه قرار کرد از مال او گرفته می شود و اگر مال نداشت از فامیلان نزدیک او با رعایت الاقرب فلاقرب گرفته می شود و اگر فامیل نداشت یا تمکن نداشتند حکومت اسلامی عهده دار آن خواهد بود .

### دیه جنایت بر حیوان

ماده ۲۳۶- هرگاه حیوان حلال گوشت که گوشت آنها خوراکی است مانند گوسفند و گاو با ذبح شرعی بمیرد باید تفاوت بین زنده و ذبح شده پرداخت شود و اگر از راه غیر شرعی مردار گردد باید قیمت روز اتلاف پرداخت شود .

تبصره ۱- اجزاء قابل استفاده مردار مانند پشم و مو و کرک متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم می شود .

تبصره ۲- صاحب حیوان حق ندارد حیوان ذبح شده را برگرداند و حتما خواهان مثل با قیمت آن شود .

تبصره ۳- هرگاه حیوان ذبح شده بطور کلی بی ارزش شود بمنزله آنست که مردار شده باشد .

ماده ۲۳۷- بریدن یا شکستن اعضاء حیوان در صورتیکه زنده بماند موجب پرداخت تفاوت میان سالم و معیوب می باشد و در صورتیکه باعث تلف شدن او بشود موجب قیمت آن میگردد .

ماده ۲۳۸- هرگاه حیوان حرام گوشت که قابل ذبح شرعی است و با ذبح شرعی استفاده از گوشت آن جائز است ، با ذبح شرعی از بین برود باید تفاوت قیمت پرداخت شود و اگر از راه غیر شرعی مردار گردد قیمت زنده آن پرداخت می شود و اجزاء قابل استفاده آن مانند پشم و مو و کرک متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم می شود .

ماده ۲۳۹- حیوان حلال گوشت که عادتاً گوشت آنها خورده نمی شود مانند اسب ، ذبح شرعی آنها بمنزله مردار نمودن آنها و موجب پرداخت تمام قیمت خواهد بود .

ماده ۲۴۰- از بین بردن حیوانی که قابل ملکیت مسلمان نیست مانند خوک موجب ضمان نخواهد بود و همچنین چیزهای دیگری که هرگز ملک مسلمان نمی شود مانند شراب ، اتلاف آنها موجب عهده داری آن نخواهد شد .

### دیه سگ ها

- ماده ۲۴۱- دیه سگ ها بترتیب زیر است .
- ۱- دیه سگ شکاری چهل درهم است خواه آموزش یافته باشد خواه نباشد .
  - ۲- دیه سگ گله بیست درهم
  - ۳- دیه سگ نگهبان منزل یا باغ بیست درهم
  - ۴- دیه سگ مزرعه ، محصول یک هکتار غله مانند گندم
- ماده ۲۴۲- غیر از سگ های مذکور هیچ سگی ملک مسلمان نخواهد شد و اتلاف آن نیز ضمانتی ندارد .

ماده ۲۴۳- آنچه بعنوان دیه برای از بین بردن سگ ها بیان شده است نباید از آنها تجاوز نمود و چیزی را بعنوان قیمت سگ دریافت کرد .

ماده ۲۴۴- هرگاه سگی غصب شود و بدون اتلاف غاصب از بین برود غاصب ضامن قیمت آن خواهد بود نه دیه آن و هرگاه نقص یا عیبی بدون جنایت بر آن وارد شود غاصب عهده دار ارش آن می باشد یعنی خصوص تفاوت میان سالم و معیوب .

ماده ۲۴۵- جنایت بر سگی که دیه دارد موجب میشود که ارش آن پرداخت گردد یعنی تفاوت سالم و معیوب ملاحظه شود و به همان نسبت از دیه پرداخت گردد .

### ضمانت خسارتی که حیوان بر مزرعه وارد می کند

ماده ۲۴۶- هرگاه حیوانی در شب بر اثر کوتاهی صاحبش به مزرعه خسارتی وارد کند صاحبش عهده دار آن خواهد بود و اگر بر اثر کوتاهی صاحبش نبود بلکه در اثر علل قهری جایگاه او منهدم و او از جایگاه بیرون آمد و خسارتی به بار آورد صاحبش ضامن نیست .

ماده ۲۴۷- هرگاه حیوانی در روز بدون آنکه صاحبش او را به طرف مزرعه رها کرده باشد بلکه بطبع خود به سمت مزرعه رود و خسارتی وارد کند صاحبش عهده دار آن نمی باشد .

### کفاره قتل

ماده ۲۴۸- کشتن مسلمان خواه عمدا و خواه غیر عمد گذشتن از دیه دارانی کفاره به ترتیب زیر است .

الف - کفارہ قتل عمد یک برده آزاد نمودن و دوماه پیاپی روزه گرفتن و شصت مسکین را سیر کردن یعنی هر سه چیز با هم واجب میباشند .

ب - کفارہ قتل خطاء محض و خطاء شبه عمد یک برده آزاد کردن و اگر میسر نشد دوماه متوالی روزه گرفتن و اگر میسر نشد شصت مسکین را سیر کردن یعنی یکی از سه چیز با حفظ ترتیب واجب میباشند .

تبصره ۱- کشتن مسلمان در صورت مباشرت در قتل کفارہ ندارد نه با تسبیب در قتل

تبصره ۲- مسلمانی که کشتن او کفارہ دارد اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ .

ماده ۲۴۹- هرگاه عده ای مباشرت قتل یک مسلمان شوند بر هر کدام آنها کفارہ جداگانه واجب است .

ماده ۲۵۰- هرگاه در قتل عمد قاتل خود را برای قصاص تسلیم کند و قصاص بشود کفارہ ندارد .



## مبحث چهارم در تعزیرات

ماده ۱ - هرکس با دول خارجه یا مامورین آنها در اسباب چینی داخل شود که آنها را به خصومت یا جنگ با دولت جمهوری اسلامی ایران وادار کند یا اسباب عداوات و جنگ آنها را بهر نحو دسیسه و وسیله فراهم کند محکوم به اعدام میشود . در صورتی که اقدامات مذکور موثر واقع نشود مجازات مرتکب حداقل یکسال و حداکثر ده سال حبس است .

ماده ۲ - هرکس وسائل تسهیل ورود دشمنان مملکت را به داخل خاک ایران یا متصرفات آن فراهم کند ، و با آنها مساعدت نماید یا اینکه شهر یا قلعه یا استحکامات یا سربازخانه یا مواضع نظامی یا بندر یا مخزن یا قورخانه یا کشتی های متعلق به دولت را بتصرف دشمن بدهد یا درآورد یا اینکه برای دشمن مملکت قشون یا امداد نقدی یا جنسی یا مهمات یا اسلحه یا استعدادی فراهم نماید یا موجبات موفقیت دشمن را اعم از اسباب بری یا بحری یا هوائی برای استعمال در داخله مملکت فراهم کند یا موجب تزلزل صمیمیت صاحب منصبان یا افراد قشونی و امثال آنها نسبت به مملکت گردد و یا هر نحو حیله و دسیسه برای همراهی با دشمن نماید محکوم به اعدام میشود .

ماده ۳ - هرگاه کسی با تبعه دولتی که طرف خصومت با دولت جمهوری اسلامی ایران است مکاتبه یا مخابره بنماید و آن مکاتبه یا مخابره متضمن هیچیک از جنایات مذکوره در ماده قبل نبوده ولی برای دشمن متضمن تعلیمات و فوایدی باشد که برای امور نظامی یا پلیتیکی ( سیاسی ) دولت جمهوری اسلامی ایران مضر باشد .

جزای شخصی متصدی از یک الی ده سال حبس است و در صورتیکه اطلاعات مزبور بر مواضعه و جاسوسی بود هاست مجازات آن اعدام است .

ماده ۴ - هر یک از مستخدمین ادارات یا مامورین دولتی یا سایر اشخاصی که به مناسبت ماموریت یا جهت رسمی دیگری از اسرار مذاکرات یا مراسلات سری دولت یا تصمیمات دولت راجع به حرکت قشون دولتی مطلع شود و اسرار مزبور را بدون اجازه دولت به مامورین اجنبی ( بیگانه ) ابراز نماید محکوم به اعدام میشود .

ماده ۵ - هر یک از مامورین دولتی یا غیر آنها که بر حسب وظایف رسمی خود ، مامور به حفظ نقشهها از قبیل نقشه و کروکی استحکامات یا اسلحهخانه و انبار مهمات یا بنادر و یا اسکلههای دولتی یا پایگاهها و سربازخانهها یا نقشه حرکات جنگی بوده و آنها را کلا یا بعضا به دشمن یا هر دولت دیگر تسلیم نماید محکوم به اعدام خواهد شد .

ماده ۶- هرکس جاسوسان یا سربازان دولت خصم را که مامور تفتیش بوده‌اند ، شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنان بشود بعاعدام محکوم خواهد شد .

ماده ۷- هر یک از مامورین یا مستخدمین دولتی یا اشخاص دیگر که نقشه‌ها یا اسراری را که راجع به سیاست داخلی یا خارجی مملکت است به‌نخوی از انحاء به‌کسی که صلاحیت اطلاع بر آنرا ندارد بدهد یا آنها را به‌فر نحوی که باشد از نقشه‌ها یا اسرار مزبور مستحضر دارد یا بطور کلی مرتکب عملی شود که متضمن قسمتی از اقسام جاسوسی باشد نظر به‌کیفیات جرم به یک تا ده سال حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۸- مجازات مقرر در ماده قبل شامل کسانی نیز خواهد شد که جرم جاسوسی را بنفع یک دولت بیگانه و به‌ضرر دولت بیگانه دیگر در خاک ایران مرتکب شوند .

ماده ۹- هرکسی که به قصد سرقت یا برداشتن نقشه یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی خواه علناً خواه متنکراً بمواضع مربوط داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مامورین نظامی در حال نقشه‌برداری یا عکس‌اندازی از قلاع نظامی دستگیر شوند محکوم به دو الی ۵ سال حبس خواهند بود .

#### مبحث دوم

#### در جرائم بر ضد امنیت داخلی مملکت

ماده ۱۰- هرکس اهالی را به‌جنگ و قتال یا یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل در بعضی از نواحی گردد ، محکوم به اعدام است و اگر تحریکات فقط باعث نهب و غارت گردد جزای مرتکب از یک تا پنج سال حبس است و در صورتیکه تحریکات او مؤثر واقع نشده باشد محکوم به تبعید است .

جزای کسی که ، مدیریت دسته یا جماعتی را که مرتکب جنایات مذکور در این ماده و ماده قبل شده‌اند دارا بوده جزای محرک است .

ماده ۱۱- هرگاه جماعتی درخفا برای ارتکاب جنایات مذکور در ماده ۷ دسته‌بندی و تصمیم‌کنند جزای آنها حبس از یک الی سه سال است و اگر هنوز شروع به اجرای مقصود نکرده و عملی از آنها سر نزده باشد جزای آنها حبس از ۳ ماه تا یکسال است و اگر کسی دعوت به اجتماع مذکور کرده ولی دعوت او به اجابت نرسیده است جزای او حبس از یک الی ۶ ماه خواهد بود .

ماده ۱۲- هرکس عمداً و به‌قصد سوء و خیانت مخزن اسلحه یا قورخانه‌ها کشتی یا ابنیه عمومی را که محتوی اسناد یا دفاتر دولتی است محترق یا خراب نماید ، اعدام

می شود و اگر مالی از اموال دولتی را غیر از آنچه که فوقاً ذکر شده است ، محترق یا خراب نماید علاوه بر تادیبه خسارت محکوم به ۳ تا ده سال حبس خواهد شد . در مورد اخیر اگر عمل مرتکب باعث اتلاف نفس شود محکوم به اعدام خواهد شد .

ماده ۱۳ - هرکس دستجات اشعار و مفسدین و قطاع الطریق را ادا کرده یا تحریک نماید یا تشکیل دهد یا برای آنها عالماً عامداً اسلحه یا آلات یا ادوات جرم تدارک نماید یا مدد بفرستد یا با روسا و فرماندهان آنها مواضع داشته یا برای آنها مسکن و پناهگاه یا محل اجتماعی تهیه کند به حبس از یک تا ۸ سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۴ - هرکس داخل دستجات مفسدین بوده بدون اینکه در آن دستجات زیاست یا شغلی داشته باشد بمجرد اخطار قوای انتظامی یا نظامی از دستجات مزبور خارج شود و یا اینکه بعد از اخطار حکومت در خارج از محل اجتماع مفسدین بدون مقاومت تسلیم شود مجازات مفسدین را نخواهد داشت و فقط اگر شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد ، مجازات آن جرم بما و داده میشود .

ماده ۱۵ - هرکس داخل دستجات مفسدین و اشخاصی که بر ضد امنیت خارجی یا داخلی مملکت اقدام میکنند بوده و قبل از تعقیب از طرف مأمورین دولتی به دولت و یا مأمورین کشوری یا نظامی یا ضابطین عدلیه از قصد جنایت و اسامی اشخاصی که در فتنه و فساد دخیل بودمانند اطلاع بدهد از مجازات معاف خواهد شد .

همچنین است در صورتیکه بعد از شروع به تعقیب مأمورین دولتی را برای گرفتاری آنها راهنمایی کند .

در سوء قصد نسبت به رهبر و رئیس جمهوری

ماده ۱۶ - هرکس به حیات رهبر و رئیس جمهور سوء قصد نماید و پس از شروع به عملی که خارج از اراده مرتکب است بلا اثر بماند جزای مرتکب ده تا پانزده سال حبس است اگر بواسطه سوء قصد جراحی به رهبر یا رئیس جمهور وارد آید که منجر به فوت نشود جزای مرتکب حداکثر مجازات مذکور است .

ماده ۱۷ - هرکس علناً نسبت به رئیس مملکت خارجی یا نماینده سیاسی یک مملکت خارجی در ایران بمهر نحوی از انحاء توهین نماید به سه ماه تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد مشروط باینکه در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران معامله متقابله شود . در مورد این فقره تعقیب منوط به تقاضای دولت خارجی یا نماینده سیاسی است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد .

### در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱۸ - هریک از وزراء و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و صاحب‌منصبان و مامورین دولتی که بر ضد حکومت جمهوری اسلامی قیام نمایند، یا حکم قیام را بدهند به اعدام محکوم می‌شوند.

ماده ۱۹ - هریک از اشخاص مذکور در ماده قبل که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آنها داده محروم نماید از شغل خود منقل و از ۵ تا ۱۰ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.

ماده ۲۰ - هرگاه شخص مرتکب ثابت کند که ارتکاب او بنا بر یکی از روسا که صلاحیت تحکم به او را داشته و مجبور به امتثال امر او بوده است واقع شده از مجازات معاف خواهد شد و مجازات مزبور در حق آمر مقرر خواهد گردید و الا هر دو در حد بالا سزا می‌شوند.

ماده ۲۱ - هرگاه اقداماتی که بر ضد قانون اساسی جمهوری اسلامی است بر حسب امضاء ساختگی وزیر یا مامورین دولتی بعمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالمان را استعمال کرده باشند، به حبس از ۵ تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۲ - هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیر قانونی خود شکایت به ضابطین عدلیه یا مامورین نظمی نموده و آنها شکایت او را استماع نکرده و ثابت نمایند که نظم عارض را بمقامات عالیه اعلام و اقدامات لازمه را مرعی داشته‌اند به انقضای از شغل خود و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهند گردید.

ماده ۲۳ - مسئولین و مامورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها هرگاه بدون اخذ برگ بازداشت از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار شخصی را بنام زندانی بپذیرند به دو ماه الی دو سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۲۴ - هرگاه مسئولین و مامورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به دادستان یا بازپرس یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مذکور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که بموجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود مامورین بوده‌اند و در این صورت مجازات مزبور در باره مقرر خواهد شد.

ماده ۲۵ - هرگاه دادستانها یا دادیارها یا بازپرسها یا قضات محاکم یا دیگر مامورین ذیصلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است، امر به توقیف یکی از افراد

مملکت را بدهد یا در غیر موارد معینه قانونی جزا تا تعقیب یا قرار اتهام او را بدهند به  
محروریت از حقوق اجتماعی محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶ - هرکس آراء انتخاباتیه مجلس شورای اسلامی ، اتحادیه های صنفی ،  
شوراهای منطقه ای و شهری و محلی و انجمنها و کانونهای اسلامی و علمی و اجتماعی و  
ادبی و سندیکاهای کارگری را بخرد یا بفروشد یا در اوراق تعرفه انتخابات تقلب و تزویر  
نماید یا به تهدید و تطمیع متوسل شود یا با شناسنامه مجعول با علم به جعلیت و یا  
شناسنامه متعلق به غیر تعرفه گرفته و رای بدهد یا بیش از یکبار رای بدهد یا به نحوی  
از انحاء در امر انتخابات اخلال نماید علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی مذکور در  
ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی به حبس از یکماه الی ۳ ماه محکوم خواهد شد .

تبصره - چنانچه جرائم ارتكابی مربوط به انتخابات مجلس شورای اسلامی باشد ،  
مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد .

ماده ۲۷ - هرکس در موقع انتخابات موارد مذکور در ماده فوق مأموریت دارد ،  
در اوراق تعرفه یا رای تقلب نموده یا آراء و تعرفهها را کم و زیاد کرده یا تغییر اسم در  
ورقه رای بدهد به حبس از ۳ ماه تا یک سال و به محرومیت از انتخاب شدن در مدت ۳  
سال محکوم خواهد شد . اشخاص دیگری که مرتکب جرائم مذکور بشوند ، به حبس از یک  
ماه الی شش ماه محکوم می شوند .

### جرائم بر ضد آسایش عمومی

#### سکه قلب

ماده ۲۸ - هرکس شبیه هرنوع مسکوک طلا یا نقره داخله یا خارج از قبیل سکه بهار  
آزادی ، سکه های حکومت های قبلی ایران ، لیره ، دلار و نظائر آن را که مورد معامله واقع  
میشود ، بسازد یا عالماً عمداً داخل مملکت نماید یا ترویج سکه قلب نماید ، به حبس از  
۳ تا ۱۰ سال محکوم میشود .

ماده ۲۹ - هرکس بقصد استفاده نامشروع به هر وسیله از قبیل تراشیدن ، بریدن  
و نظائر آن از مقدار طلا یا نقره مسکوکات ایرانی یا خارجی بکاهد و نیز هرکس عالماً ،  
عمداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت نماید ، یا آنرا داخل کشور نماید ، به حبس از  
یک تا سه سال محکوم میشود و اموالیکه از این طریق تحصیل نموده بوقف دولت ضبط  
می شود .

ماده ۳۰ - هرکس شیبه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره مبادیازد یا عالماندا دز ترویج آنها شرکت نماید و یا داخل مملکت نماید به حبس از یکسال تا ۳ سال محکوم میشود و اموالیکه از این طریق بدست آورده منفع دولت ضبط میشود .

ماده ۳۱ - هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ میشوند قبل از کشف قضیه مامورین تعقیب را از ارتکاب جرم مسبوق نموده یا دز ضمن تعقیب بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند و یا مامورین دولت را بنحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند ، بنا بر پیشنهاد دادستان مربوط و موافقت دادستان کل از تعقیب مجازات معاف خواهند شد .

### درجمل و تزویر

ماده ۳۲ - جعل و تزویر عبارتست از :

ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا به قصد تقلب ، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن .

ماده ۳۳ - هرکس یکی از اشیاء ذیل را جعل کند اعم از اینکه بالمباشره باشد یا بواسطه یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل مملکت نماید به حبس از ۳ تا پانزده سال محکوم خواهد شد و اشیاء مزبور از این قرار است .

- ۱ - فرمان یا دستخط رهبر یا رئیس جمهور .
- ۲ - احکام رئیس دولت یا وزراء .
- ۳ - اوامر رئیس مجلس شورای اسلامی .
- ۴ - مهر دولت یا مهر رهبر یا رئیس جمهور یا مجلس شورای اسلامی .
- ۵ - مهر یا امضاء یا علامت یکی از روسا یا مستخدمین دولتی یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی از حیث مقام رسمی ایشان .
- ۶ - مهر یا تمبر یا علامت یکی از ادارات دولتی .
- ۷ - اسناد یا حوالجات صادره از خزانه دولتی .
- ۸ - منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می رود .
- ۹ - اسکناس رایج داخلی یا خارجی ( بشرط معامله متقابل ) یا اسناد بانکی نظیر

براهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادره از طرف بانکها و سایر اسناد تعهدآور بانکی .

ماده ۳۴ - هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات عمومی یا شرکتهائی که مطابق قانون تشکیل شده است ، یا یکی از تجارتخانهها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید بمحبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

ماده ۳۵ - هرکس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکتهای تجارتخانههای مذکور در ماده قبل را برخلاف ترتیب بدست آورده و بطریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کرده یا سبب استعمال آن گردد جزای او از دو ماه تا دو سال حبس خواهد بود .

ماده ۳۶ - اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد سابقه شدهاند هرگاه قبل از تعقیب بمدولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند از مجازات معاف خواهند گردید .

ماده ۳۷ - هریک از اجزاء و صاحبمنصبان دولتی که در حین اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشتجات و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشتجات و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضاء یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمات الحاق کند ، یا اسامی اشخاص را تغییر دهد محکوم بمحبس از ۵ الی ۱۰ سال خواهد بود .

ماده ۳۸ - اشخاصی که اجزاء و صاحبمنصبان دولتی نیستند ، هرگاه مرتکب یکی از جرائم مذکور در ماده قبل شوند ، مجازات آنها حبس از ۲ تا ۵ سال خواهد بود .

ماده ۳۹ - هریک از مستخدمین و اجزاء ادارات و محاکم عدلیه که در تحریر نوشتجات و قراردادهاى راجعه به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند ، اعم از اینکه موضوع یا مضمون آنها تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار جلوه دهند محکوم بمحبس از ۵ الی ده سال خواهند شد .

ماده ۴۰ - هرکس اوراق معجول مزبور در ستماده قبل را با علم به تزویر مزبور استفاده قرار دهد ، محکوم به حبس از ۲ الی ده سال خواهد شد .

ماده ۴۱ -

ماده ۴۲ - هرکس به یکی از طرق مذکور در اسناد یا نوشتجات غیر رسمی جعل یا تزویر کند به حبس از ۲ سال تا ده سال محکوم خواهد شد و هرکس خطوط یا اسناد مذکور

در این ماده را با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد، مجازات او حبس از ۲ تا ۵ سال خواهد بود.

ماده ۴۳ - هرکس شخصا یا به‌توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگر از خدمت دولت تصدیقنامه به‌اسم طبیب یا جراح جعل کند به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۴ - طبیب یا جراح هرگاه تصدیقنامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی بدهد به ۶ ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد. هرگاه تصدیقنامه مزبور بواسطه وعده و تعارف داده شده باشد بعلاوه استرداد و ضبط تعارف به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۵ - مجازاتهای مذکور در ماده فوق در صورتیکه تصدیقنامه برای تقدیم به محاکم باشد نیز مجری است.

ماده ۴۶ - برای سایر تصدیقنامه‌های خلاف واقع که مورث ضرر شخص ثالثی بوده یا آنکه خسارات بر خزانه دولت وارد آورد مجازات مقرر از ۶ ماه الی دو سال حبس بوده و نیز بایستی از عهده خسارات وارده برآید.

#### در نحو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی

ماده ۴۷ - هرگاه محلی یا چیزی برحسب امر مقامات صالحه رسمی مهر شده باشد و کسی عمدا مهر مزبور را بشکند یا نحو نماید مرتکب به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتیکه مستحفظ مرتکب شده باشد به حبس از یکسال تا سه سال محکوم میشود و اگر ارتکاب بواسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ حبس از یک تا ۶ ماه خواهد بود.

ماده ۴۸ - هرگاه بعضی یا کل نوشتجات یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده، ربوده یا تخریب یا معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد و سایر اشخاصیکه به‌واسطه غفلت آنها جرم مذکور وقوع یافته به حبس از ۶ ماه الی ۳ سال محکوم خواهند شد.

ماده ۴۹ - مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق هرگاه غیر از مستحفظین باشند محکوم به حبس از ۳ الی ۶ سال خواهند گردید و اگر خود امانت‌دار مرتکب یکی از جنایات فوق‌الذکر شود محکوم به سه الی ده سال حبس خواهد



شد .

ماده ۵۰ - در صورتیکه مرتکب عنقا مهر را مخو نموده یا بشکند یا نوشتجات و اسناد را بر باید یا معدوم کند محکوم به ۶ تا ۱۲ سال حبس خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمیکه از قهر و تشدد حاصل شد نخواهد بود .

### در فرار محبوسین قانونی و اخفاء مقصرین

ماده ۵۱ - محبوسی که از محبس فرار نموده برای همین اقدام از یک الی ۶ ماه حبس محکوم میشود . و اگر برای فرار ذرب محبس را شکسته یا محبس را خراب کرده یا اعمال قوه نموده ضعف مجازات مزبور در بارها و مجری خواهد شد .

ماده ۵۲ - هرگاه کسی بواسطه اتهام به جرم بموجب امر مقامی که قانونا صلاحیت دارد دستگیر و یا بمحکم محکمه توقیف و یا محکوم به حبس یا جزائی شدیدتر شده باشد و بواسطه اهمال و مسامحه مامورین که ماموریت حفظ یا ملازمت و مراقبت او را داشته فرار نماید بامور مذکور بمحس از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد و این در صورتی است که شخص فراری محکوم یا متهم به جنایت بوده والا محکوم به ۲ الی شش ماه محبس میشود .  
ماده ۵۳ - هرگاه محبوس یا توقیف شده فرار کرده و کسی که مامور حفظ یا مراقبت و ملازمت او بوده با او مساعدت در فرار کرده یا برای او راه فرار تحصیل نموده یا با او مواضع داشته است ، مامور مزبور به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد .

هرگاه محبوس محکوم به اعدام بوده مجازات مامور ۳ تا ده سال حبس و اگر محکوم به حبس دائم بوده یا محبوس فراری متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام است ، مجازات مامور حبس از ۲ تا ده سال و در سایر موارد شش ماه تا سه سال حبس خواهد بود .

ماده ۵۴ - هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که در حدود قانون مامور دستگیری کسی بوده و برای همراهی با فرار آنکس در اجرای عملیاتی که برای دستگیری او لازم بوده مسامحه و اهمال کرده باشد به ۶ ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۵۵ - هرکس از اقربا مردم عامدا موجبات فرار اشخاصی را که قانونا محبوس یا دستگیر شده اند فراهم آورد بطریق ذیل مجازات خواهد شد .

هرگاه محبوس محکوم به اعدام یا حبس دائم بوده مجازات او یک تا سه سال و اگر محبوس متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و در سایر موارد واحوال مجازات او ۳ ماه تا یکسال حبس خواهد بود .

ماده ۵۶ - هرکس به شخص محبوس یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه

بدهد مجازات او ۲ تا سه سال حبس خواهد بود .

ماده ۵۷ - هرکس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است بمرتکب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند بمطریق ذیل مجازات خواهد شد .

هرگاه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام نبوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار حبس از یک تا سه سال است . و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام است محکوم به ششماه الی دو سال حبس خواهد شد در سایر موارد و احوال مجازات مرتکب یکماه تا یکسال حبس خواهد بود .

ماده ۵۸ - هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند یا اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید، یا برای تیره مجرم ادله جعلی ابراز کند که عالم به عدم صحت آن باشد به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد .

هرگاه جرم مجرم مستلزم اعدام یا حبس دائم باشد جزای مرتکب از ۶ ماه الی یکسال حبس خواهد بود . در سایر احوال و موارد مرتکب به یکماه تا ششماه حبس محکوم خواهد شد .

#### در غصب عناوین و مشاغل

ماده ۵۹ - هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که قانوناً مربوط به او نبوده خود را دخیل کند از یکسال الی سه سال حبس محکوم خواهد شد و هرگاه برای دخالت در مشاغل مزبور جعل سندی کرده باشد ، مجازات آنرا نیز خواهد دید .

ماده ۶۰ - هرکس بدون داشتن حق علناً لباس های رسمی ماموران دولتی اعم از تشریفاتی یا متحدالشکل یا نشانها یا مدالها یا سایر امتیازات دولتی ایران را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتیکه عمل او بموجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

استفاده علنی و غیرمجاز لباسهای رسمی یا متحدالشکل ماموران کشورهای بیگانه یا نشانها یا مدالها یا سایر امتیازات دولتهای خارجی در ایران بشرط معامله متقابل با در صورتیکه موجب اختلال در نظم عمومی گردد ، مشمول مقررات این ماده است .  
تبصره - استفاده البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایش مشمول

مقررات این ماده نخواهد بود.

### در تخریب ابنیه و آثار

ماده ۶۱ - هرکس نسبت به ابنیه و آثار مذهبی و تاریخی و ملی یا به‌اشیایی که برای نفع عموم یا تزئین اماکن مقدسه یا ملی نصب شده است خرابی وارد آورد به‌محسب از دو تا ده سال و به‌تادینه ضعف مخارجی که برای مرمت خرابی لازم است محکوم خواهد شد مگر اینکه آنها از اماکن طاغوتی باشد و خرابی بدان‌دن و اجازه مقامات و طبق ضوابط صورت گرفته باشد.

ماده ۶۲ -

۱ - هرکس به قصد اضرار یا جلب منفعت به تمام یا قسمتی از ابنیه و تاسیسات یا تزئینات و ملحقات و یا اشیاء و لوازم اماکن تاریخی مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه مصوب سال ۱۳۰۹ که به ثبت آثار ملی رسیده است خرابی وارد آورد به دو تا ده سال حبس محکوم میشود.

۲ - هرکس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار ملی و تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاهها یا اماکن تاریخی و مذهبی و یا سایر اماکن که تحت حفاظت و نظارت دولت است، سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیاء و لوازم مذکور را بخرد، یا پنهان دارد، به‌محسب از دو تا ۵ سال محکوم میشود.

۳ - هرکس بدون اجازه از مسئولین مربوط در مجاورت آثار و ابنیه مذهبی و ملی تا شغاعی که مسئولین امر تعیین و اعلام میکنند مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، به حبس از یک تا سه سال محکوم میشود.

۴ - هرکس اشیاء عتیقه مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه را بدون رعایت ترتیبات مقرر در قانون مزبور از کشور خارج سازد به حبس از یکسال تا سه سال محکوم می‌شود. شروع به ارتکاب جرم مذکور در این بند در حکم ارتکاب خواهد بود.

۵ - هرکس بدون رعایت ترتیبات مقرر در قانون حفظ آثار عتیقه به قصد بدست آوردن اشیاء عتیقه در اراضی و تپه‌ها و اماکن مذهبی و تاریخی حفاری کند به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می‌شود.

۶ - هرکس به‌اراضی و تپه‌ها و اماکن مذهبی و تاریخی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد به‌قصد استفاده تجاوز کند به ۶ ماه تا دو سال حبس محکوم میشود. مشروط بر آنکه مسئولین مربوط قبلاً حدود و مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را

در محل تعیین و علامتگذاری کرده باشند.

۷- کسانیکه بخواهند خرید و فروش اشیاء عتیقه را شغل خود قرار دهند، باید از وزارت فرهنگ و هنر تحصیل پروانه بکنند ترتیب و شرایط صدور پروانه طبق آئین نامهای که بمتصویب وزارت فرهنگ و هنر خواهد رسید، تعیین میشود وزارت فرهنگ و هنر از ادامه کار کسانیکه تحصیل پروانه نکنند، جلوگیری خواهد کرد و بعلاومتخلفین به ۲ ماه تا ۶ ماه حبس محکوم میشوند.

تبصره ۱- کسانیکه تا تاریخ تصویب این قانون بمخریدیا فروش اشیاء عتیقه اشتغال دارند، باید ظرف سه ماه از اجرای قانون تقاضای پروانه کنند در غیر اینصورت مشمول مقررات این بند خواهند بود وزارت فرهنگ و هنر نیز پس از احراز شرایط مقرر در آئین نامه پروانه بنام آنان صادر خواهد کرد.

۸- کسانیکه خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار عتیقه اشیاء عتیقه ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن بفروش برسانند به حبس از ۳ ماه تا یکسال محکوم میشوند.

۹- هرکس با آندود کردن یا رنگ زدن یا رسم کردن نقوش یا خطوط یا حک کردن و امثال آن آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی یا مذهبی را مستور کند یا موجب تغییر صورت و شکل یا وارد آمدن لطمه به تمام یا قسمتی از آنها بشود به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و پرداخت غرامت جزای نقدی از ۲۰ هزار ریال تا ۲۰۰ هزار ریال محکوم میشود.

۱۰- هرکس خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار عتیقه به میرمت یا تعمیر یا تغییر و تجدید بنا و تزئینات ابنیه و آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت کند، به حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.

۱۱- هرکس اشیاء عتیقه مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه را برحسب تصادف و اتفاق بدست آورد باید حداکثر ظرف ۱۵ روز بموزارت فرهنگ و هنر یا نمایندگان آن ویا مامورین انتظامی اطلاع دهد. متخلفان از دستور این بند به سه ماه تا یکسال حبس محکوم می شوند.

۱۲- در مورد جرائم مذکور در ماده ۶۱ و این ماده که وسیله اشخاص حقوقی انجام میشود هریک از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند، بر چسب مورد به مجازاتهای مقرر محکوم می شوند.

۱۳- اشیاء حاصله از جرائم مذکور در ماده ۶۱ و این ماده تحت نظر وزارت فرهنگ و هنر توقیف میشود و در صورت محکومیت مرتکب دادگاه بنبغ وزارت فرهنگ و هنر حکم

به ضبط اموال مذکور خواهد داد .

۱۴- در کلیه جرائم مذکور در مادتين ۶۱ و ۶۲ وزارت فرهنگ و هنر بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب میشود .

ماده ۶۳- هرکس در ختہائی که در میدانگاہها و باغهای عمومی و شوارع و حیوانیہا غرس شده من غیر حق قطع یا تلف کند بمحبس از یکماہ تا ۶ ماہ محکوم خواهد شد و باید خساراتی را کہ وارد آورد ماست جبران کند .

### در تقصیرات مامورین دولتی

در تجاوز مامورین دولتی از حدود مأموریت خود و تقصیراتشان در اداء وظیفہ

ماده ۶۴- هر یک از مستخدمین دولتی در هر رتبه و مقامی کہ باشند هر گاہ برای جلوگیری از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی یا اجرای احکام یا اوامر عدلیہ یا هر گونه امری کہ از مقامات قانونی صادر شده باشد قدرت رسمی خود را اعمال کند از خدمت دولت منفصل خواهد شد .

ماده ۶۵- هر گاہ مستخدمین غیر قضائی دولت اعم از حکام و نواب حکام و مامورین نظمیہ و امنیہ و غیرہ در غیر موارد حکمیت در مأموریتہ داخل در صلاحیت محاکم عدلیہ است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیتدار از قبیل مدعی العمومها یا روسای محاکم رفع مداخلہ ننمایند از خدمت دولتی منفصل و از ۲ ماہ الی ۳ سال محکوم بہ حبس خواهند شد .

۱- در تعدیات مامورین دولتی نسبت بمافراد .

ماده ۶۶- هر گاہ یکی از مستخدمین قضائی یا غیر قضائی دولت برای اینکه متهمی را مجبور بمقرر کند او را اذیت و آزار بدنی کرده یا در این باب امری دهد بمحبس از ۳ الی شش سال محکوم خواهد شد و اگر متهم بمواسطہ اذیت و آزار قوت کنید ، مرتکب مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت .

ماده ۶۷- هر مستخدم دولت کہ محکوم را سخت تر از مجازاتی کہ مورد حکم است مجازات کند یا امر بمآن نماید و یا جزائی دهد کہ مورد حکم نبوده است در صورتی کہ این عمل موجب قصاص باشد عامل قصاص میشود والا مرتکب بہ حبس از ۶ ماہ تا ۳ سال محکوم خواهد شد و اگر اقدام مستخدم مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد ، مجازات همان جرم نیز در بارہ او مجری خواهد شد .

ماده ۶۸- هر یک از مستخدمین دولتی یا هر شخصی کہ خدمت دولتی بہ او رجوع

شده باشد در غیر از مواقعی که قانون مقرر داشته یا بدون ترتیبات قانونی در منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یکسال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید که به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته و مجبور به اطاعت امر او بوده است اقدام کرده است در اینصورت مجازات مزبور در حق آمر مجری خواهد شد و اگر مستخدم مزبور مرتکب یا باعث وقوع جرم دیگری نیز باشد ، مجازات آنرا نیز خواهد دید .

ماده ۶۹ - هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی که به مناسبت وظیفه و شغل خود به جبر و قهر مال منقول کسی را بخرد یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اگرچه به فروش به کس دیگر کند ، به ۲ ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد و باید آنچه را گرفته عینا یا اگر عین آن نباشد ، قیمت آنرا به صاحبش رد کند .

ماده ۷۰ - هریک از مستخدمین دولتی در غیر از مواقعی که قانون اجازه داده یا مصلحت اهالی بر حسب ضرورت مقتضی باشد بدون امر دولت ، اشخاصی را سخره و بیگار بگیرد به ۲ ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد و بعلاوه باید اجرت المثل عمل آن اشخاص را تأدیه کند .

تبصره - در صورتیکه مرتکب غیر از مستخدمین دولت باشد به ۲ ماه تا ۶ ماه حبس محکوم خواهد شد و همچنین باید اجرت المثل عمل آن اشخاص را تأدیه کند .

ماده ۷۱ - هرگاه یکی از مستخدمین دولتی در ضمن انجام وظایف خود یا به مناسبت آن بدون مجوز قانونی کسی را آزاد کند یا امر به آزار کسی بنماید به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد .

ماده ۷۲ - هریک از مستخدمین دولت که در حین انجام مأموریت خود به جبر از کسی ماکولات یا سوخت یا علوفه بگیرد بدون اینکه قیمت عادلانه بدهد به ۱۱ روز تا یک ماه حبس محکوم خواهد شد بعلاوه باید از عهده خسارات وارده نیز بر صاحب مال برآید .

ماده ۷۳ - هریک از مستخدمین دولتی مسلات یا مخابرات اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا توقیف یا معدوم نماید یا اینکه بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افساء کند محکوم به حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود .

ماده ۷۴ - هریک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضائی و اداری یا مملکتی یا ادارات شوروی و بلدی یا نهادها برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به تشکیلات قضائی و اداری دولت یا ادارات مملکتی و بلدی و نهاد میباشد اقدام به اخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی نماید مرتشی است خواه آنجا یا عدم

انجام آن امر مربوط به کار اداری شخص باشد و خواه مربوط به کار اداری یکی از مستخدمین دیگر دولت یا ادارات مملکتی و بلدی خواه ارتشاء مستقیما بعمل آمده باشد ، خواه بطور غیرمستقیم و خواه مأمور رسمی باشد یا غیر رسمی و خواه ذرانجام یا عدم انجام امری که برای آن رشوه گرفته واقعا موثر بوده یا نبوده و خواه اقدام به انجام و یا عدم انجام امری که وعده داده است کرده یا نکرده باشد ، مرتشی و به ۲ تا ۴ سال حبس و به تادیبه آنچه گرفته است ، محکوم خواهد شد .

ماده ۷۵ - هر یک از حکما و ممیزین و مصدقین اعم از اینکه به توسط محکمه معین شده باشند یا به توسط طرفین هرگاه در مقابل اخذ وجه یا مال بمساعدت یکی از طرفین تصمیم رای کنند محکوم به حبس از ۲ ماه تا یکسال خواهند بود .

ماده ۷۶ - هرگاه اخذ رشوه برای ارتکاب جرمی باشد مجازات همان جنایت درباره مرتشی مقرر است .

ماده ۷۷ - هرکس برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در مادتين ۷۴ و ۷۵ میباشد وجه یا مالی بدهد رashi محسوب و در صورتی که از مستخدمین دولت باشد مجازات مرتشی را خواهد داشت و اگر از مستخدمین دولت نباشد ، پندو ماهه ای یکسال حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۷۸ - هرگاه رashi مقامات صلاحیتدار را از دادن رشوه مطلع سازد و ادعای او مقرون به دلائل و قرائن کافی باشد از تعقیب کیفری معاف میشود والا همانند مفتری مورد تعقیب واقع و مجازات خواهد شد . همچنین در صورتیکه رashi ضمن تعقیب کیفری با اقرار خود موجبات کشف جرم یا تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید ، تعقیب کیفری او موقوف می گردد .

ماده ۷۹ - در صورتیکه حکام محاکم بواسطه ارتشاء حکم مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند ، علاوه بر مجازات ارتشاء مقدار زائد درباره خود قاضی نیز مقرر است .

ماده ۸۰ - در هیچ موقعی اشیاء یا وجوهی که رashi بعنوان رشوه داده است به او مسترد نخواهد شد و وجه و اموال مزبور به نفع خزانه دولت ضبط می شود .

ماده ۸۱ - اگر رشوه بصورت وجه نقد نباشد ، بلکه مالی بلاعوض یا فاحشا ارزانتر از قیمت معمولی یا صورتا به قیمت معمولی و حقیقتا به قیمت کمتر فاحشی به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری بطور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی فاحشا گرانتر از قیمت معمولی و یا صورتا به قیمت معمولی و حقیقتا به قیمت گران

فاحشی از مستخدمین مستقیماً یا بطور غیرمستقیم خریداری گردد ، مستخدمین مزبور مرتشی و طرف معامله نیز راشی محسوب میشود .

ماده ۸۲ - در موردی که میزان رشوه از ده هزار ریال بیشتر باشد مرتشی علاوه بر مجازات مقرر به انقصال دائم از خدمت دولتی نیز محکوم خواهد شد .

#### در امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده ۸۳ - هر یک از فرماندهان و صاحب منصبان کل و جزء قوای مسلحه مملکتی که پس از تقاضای کتبی قوای کشوری که در حدود قانون است از اجرای ماموریت و وظیفه خود امتناع نمایند از یک ماه مالی شش ماه محکوم به حبس خواهد گردید و هرگاه از این امتناع خسارتی وارد شود به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد .

ماده ۸۴ - هر یک از قضات محاکم یا مستنطقین یا مدعی العموم ها و راجان نشینان آنها که تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و رسیدگی بدان از وظایف آنها بوده و با وجود این بفرع عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون امتناع از رسیدگی کند یا رسیدگی یا صدور حکم را برخلاف قانون به تاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند از شغل قضائی منصل ، به علاوه تا دین خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد .

ماده ۸۵ - هر یک از شهود تحقیق و مطلعین قضیه و اعضاء هیات منصفه و اعضاء انتخابی محاکم تجارت که برای حضور در محکمه احضار گردند و با نداشتن عذر موجهی که محکمه تشخیص دهد ، حاضر نشوند در مدت دو سال از شاهد تحقیق و عضویت هیات منصفه و حکم بودن و عضویت محکمه تجارت و عضویت انجمن های بلدی محروم خواهد شد .

#### تعدیات مامورین دولتی نسبت به دولت

#### ۱ - اختلاس اموال دولتی و خیانت مامورین

ماده ۸۶ - هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی و دیوان محاسبات عمومی و موسساتیکه به کمک مستمر دولت اداره می شوند و دارندگان پایمهای قضائی ، وجوه نقدی یا مطالبات یا خوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه بدانها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کرده یا عمداً تلف نمایند ، بعنوان مختلس مجازات خواهند شد .

در صورتیکه میزان اختلاس تا پنج هزار ریال باشد مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ۳ سال حبس و انقصال دائم از خدمت محکوم میشود .



و در هر دو صورت علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن نیز محکوم خواهد شد .

تبصره - هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه میتواند او را از جزای نقدی معاف کند .

ماده ۸۷ - هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل وجوه یا اموال مندرج در آن ماده یا مالی را که بر حسب وظیفه در اختیار دارد مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنرا بنفع خود یا دیگری داشته باشد متصرف غیرقانونی محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد .

۱ - در صورتیکه وجوه یا اموال را بنفع خود یا دیگری مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد و میزان انتفاع از پنجاه هزار و یک ریال تا پانصد هزار ریال باشد ، مرتکب بهشش ماه تا دو سال حبس و هرگاه بیش از این مبلغ باشد بهدو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمت محکوم می گردد و در هر دو مورد علاوه بر رد مبلغ مورد انتفاع به جزای نقدی معادل دو برابر آن نیز محکوم خواهد شد .

۲ - در موردیکه وجوه یا اموال عامداً بمصارفی رسیده که اساساً در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار موصوب مصرف شده و میزان آن بیش از ده هزار ریال باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد . همین مجازات مقرر است برای موردی که وجوه سپرده اشخاص برخلاف مقررات قانونی در سازمان یا موسسه مصرف شده باشد .

۳ - در صورتیکه وجوه یا اموال مذکور در بند یک یا دو بیش از پنجاه هزار ریال نباشد و در سایر مواردی که وجوه یا اموال بدون رعایت مقررات قانونی مصرف شود ، مرتکب از یکماه تا شش ماه حبس و تبعاً بمقتضای تکالیف محکوم خواهد شد .

عدم ضبط سپرده یا عدم وصول وجه تخلف در مواردی که در قانون یا قرارداد پیش بینی شده یا پرداخت سپرده قبل از موعدی که مقرر بوده مشمول این بند میباشد .  
تبصره ۱ - متعهد نمودن سازمان یا موسسه بنحو مذکور در این ماده در حکم تصرف غیرقانونی محسوب و مرتکب حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده فوق محکوم می شود .  
مگر آنکه عمل مستلزم مجازات شدیدتری باشد .

تبصره ۲ - هرگاه محرز شود مرتکب بر حسب ضرورت اداری یا تامین مصالح اجتماعی وجوه یا اموال را در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار موصوب مصرف کرده یا ایجاد تعهد غیرمجاز نموده بمپیشنهاد شورای عالی قضائی یا وزارتخانه مربوط و تصویب هیات وزیران

از تعقیب کیفری معاف نمیشود ولی هرگاه مرتکب به جهت دیگری از مقررات مالی تخلف کرده باشد بپیک تاشش ما محبس و انفضال موقت تا یکسال محکوم خواهد شد .  
بصره ۳ - در تمام مواردی که تصرف غیر قانونی موجب ضرر و زیان شده باشد منضرر از جرم میتواند حسب مورد از دادگاه جزای دادگاه حقوق ضرر و زیان خود را مطالبه نماید .  
در مورد شق یک این ماده هرگاه مقدار ضرر و زیان بیش از میزان انتفاع باشد ،  
دادگاه حکم به پرداخت مابالتفاوت خواهد داد .

ماده ۸۸ - هر شخصی عهده دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از سازمانها و موسسات مذکور در ماده ۸۷ بوده ، به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند که موجب ضرر و زیان سازمان یا موسسه باشد حسب میزان ضرر وارده ب مجازات مختلس محکوم خواهد شد . هر گاه مرتکب کارمند سازمانها و موسسات فوق نباشد بجای انفضال از خدمت حکم به محرومیت از استخدام در تمام سازمانها و موسسات مزبور داد خواهد شد .

ماده ۸۹ - هر یک از مستخدمین دولتی که مامور اخذ مالی به نفع دولت است ، بر خلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانون وجه یا مالی اخذ کند یا امر ب اخذ آن نماید ، به اختلاف مراتب بمحبس از یازده روز الی سه سال و به تادیه غرامتی معادل ضعف آنچه که گرفته است محکوم خواهد شد و علاوه باید آنچه را که بدون حق گرفته است بمصاحب آن رد نماید . مجازات مذکور در این ماده در مورد اشخاصی نیز که مامور ب اخذ مال به نفع شهرداری می باشند ، مجری خواهد شد .

ماده ۹۰ - هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که بر حسب ماموریت خود اشخاصی را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیا ثانی را نموده و تمام یا قسمتی اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که بنسبت آنها ب غمل آمده بحساب دولت آورده ولی نپرداخته به حبس از یکماه تا سه سال محکوم میشود . و همین مجازات مقرراست درباره مستخدمینی که اشخاص را بدون اجرت سخره و بیگار گرفته و اجرت آنها را خود برداشته ب دولت محسوب نمایند و در هر صورت باید علاوه بر رد اجرت دوبرابر آنچه که برداشته است غرامت بدهد .

ماده ۹۱ - هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که بر حسب ماموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عدا مای که اجیر یا استخدام کرده است پای دولت محسوب نماید یا خدمه شخصی خود را جزو خدمه دولت محسوب نموده و حقوق آنها بحساب دولت منظور بدارد محکوم بمحبس از سه تا سه سال و تادیه ضعف مبلغی که به

ترتیب فوق پای دولت محسوب داشته است خواهد گردید .

ماده ۹۲- هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که بآلتمباشه یا بتوسط وسائط در معاملات و مزایدهها و مناقصهها و تخصیصات و امتیازات دولتی که در تحت مدیریت بانظارت او بعمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون ماموریت از طرف دولت برعهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که بر حسب وظیفه برعهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید بعمل آورد برای خود نفعی منظور دارد علاوه بر انفضال ابد از خدمت دولت محکوم به تادیبه ضعف انتفاعی که منظور داشته است خواهد شد .

ماده ۹۳- هر یک از مستخدمین دولت اعم از قضات و غیره نوشتجات و اوراق و اسنادی را که بر حسب وظیفه نزد آنها و ذیمه گذاشته یا برای انجام وظایفشان بسه آنها داده شده معدوم یا مخفی نمایند یا بکسی بدهند که قانوناً از دادن بآنکس ممنوع میباشد علاوه بر انفضال از خدمت دولت محکوم به حبس از یکسال تا سه سال خواهد بود .

ماده ۹۴- هر یک از مامورین ادارات و محاکم عدلیه که از روی غرض و بخلاف حق درباره یکی از طرفین رائی داده یا اقدامی کرده باشد در حکم مامورین خواهند بود که خیانت در وظایف خود نموده باشند و محکوم بانفضال از خدمت دولت از یک الی سه سال خواهد بود و در صورت تکرار محکوم بانفضال دائمی خواهد بود .

### جرایم نسبت به مامورین دولت

در ترمرد نسبت به مامورین دولت

ماده ۹۵- هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجری نسبت به مامورین دولت در حین انجام وظیفه آنها بعمل آید ترمرد محسوب میشود و مجازات آن از قرار ذیل است .

- ۱- هرگاه ترمرد در حین اقدام دست به اسلحه کند به حبس از ۲ الی ۶ سال
  - ۲- هرگاه ترمرد مسلح بوده ولی دست به اسلحه نکند به حبس از ۴ تا ۸ سال
  - ۳- هرگاه ترمرد غیر مسلح باشد به حبس از ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد شد .
- ماده ۹۶- اگر ترمرد در موقع ترمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم میشود .

در هتک حرمت نسبت به نمایندگان مجلس  
شورای اسلامی و مامورین دولتی

ماده ۹۷- هر کس نسبت به یکی از مستخدمین دولتی یا اعضاء دیوان محاسبات

چه در حین اجرای مأموریت چه به سبب آن با شاره یا قول یا تهدید و غیره اهانت کند به حبس از یازده روز تا یکسال محکوم خواهد شد و اگر توهین نسبت به وزیر یا معاون او شده باشد مرتکب به سه ماه الهی سه سال حبس محکوم خواهد شد . و اگر توهین مزبور نسبت به یکی از محاکم عدلیه یا یکی از اعضاء آنها در حال انعقاد جلسه محاکمه وارد آورد به حبس از یکماه تا دو سال محکوم میشود .

ماده ۹۸- هر کسی به یکی از طرق مذکور در ماده قبل نسبت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی توهین نماید به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد . و هرگاه توهین نسبت به مستخدمین اداری مجلس وارد شده باشد مرتکب به حبس از یازده روز الی یکسال محکوم خواهد شد .

ماده ۹۹- هرگاه کسی به یکی از طرق مذکور نسبت به روسا یا اعضای انجمن های بلدی یا ایالتی یا ولایتی یا نسبت به هیات منصفه توهین نماید به حبس از یک ماه الی یکسال محکوم خواهد شد اگر توهین نسبت به یکی از مستخدمین انجمن های مذکور بعمل آمده باشد مجازات مرتکب حبس از یازده روز الی شش ماه است .

ماده ۱۰۰- هرگاه کسی به یکی از اشخاص مذکور در ماده قبل در حین انجام وظیفه یا بسبب انجام آن با حربه یا بی حربه ضربه یا صدمه وارد آورد در صورتیکه آن ضربه موجب جراحت نگردد به حداکثر مجازاتیکه برای توهین به همریک از اشخاص مذکور مقرر است محکوم خواهد شد . در تمام موارد فوق در صورتیکه مورد حکم خاص از قصاص و دیه باشد قصاص و دیه اجرا خواهد شد .

ماده ۱۰۱- هرگاه نسبت به اشخاص مذکور در مواد ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ صدمات بدنی وارد آورد که موجب جرح یا مرض گردد مقصر به حبس از ۲ الی ۵ سال محکوم خواهد شد و علاوه احکام خاص دیه و قصاص معین شده حسب مورد اجرا خواهد شد . همین مجازات در مواردی نیز مقرر است که فعل از روی نقشه و تصمیم قبل یا کینین کردن بوده است .

ماده ۱۰۲- در صورتیکه ضربه یا جراحات وارده بر اشخاص مذکور در مواد ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ بقصد قتل آنان بوده باشد مرتکب علاوه بر حکم قصاص یا دیه به حبس از ۵ الی ده سال محکوم خواهد شد .

#### در اجتماع و مواضع برای ارتکاب جرائم

ماده ۱۰۳- هرگاه دو نفر بیشتر اجتماع و مواضع نمایند که جرائمی برضد امنیت خارجی یا داخلی مملکت یا برضد اساس حکومت جمهوری اسلامی ، یا برضد اعراض و نفوس یا

اموال مُردم مرتکب شوند یا وسائل ارتکاب آنرا فراهم نمایند ارتکاب اعمال فوق اگر در حد صدق عنوان محاربه و افساد است محکوم به حکم محارب و مفسد بوده و اگر به آن حد نرسیده باشد به ۶ ماه تا ۵ سال حبس و ۴۵ ضربه شلاق محکوم خواهند شد .

ماده ۱۰۴ - هرکس با مرتکبین جرائم مزبور در ماده فوق از روی عمد و اختیار مساعدت نموده و از برای آنها آلات و ادوات یا اسباب ارسال و مرسول مکاتبات یا محل اجتماع فراهم کند محکوم به حبس از یازده روز تا شش ماه خواهد گردید .

اشخاصی که مرتکب یکی از جرائم مذکور در این ماده و ماده قبل گردیدند مانده هرگاه قبل از هرگونه تعقیبی مقامات مسوول را از مواضعه و تشکیل اجتماع مطلع سازند از مجازات معاف میشوند .

ماده ۱۰۵ - هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد ، آنرا دفن کند از دو ماه تا یکسال محکوم به حبس خواهد شد .

ماده ۱۰۶ - هرکس زن حامله را دلالت با استعمال ادویه یا وسائل دیگری که موجب سقط حمل میگردد بنماید به ۳ الی ۶ ماه حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۱۰۷ - طبیب یا قابله یا جراح یا دوا فروش و اشخاصی که بعنوان طبابت یا قابلی یا جراحی و یا دوا فروشی وسائل سقط حمل را فراهم آوردند از ۳ تا ده سال حبس محکوم خواهند شد مگر اینکه ثابت شود که این اقدام طبیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر میباشد .

ماده ۱۰۸ - قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمیشود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید میکرده است .

ماده ۱۰۹ - در مورد هر فعلی که مطابق به این قانون جرم بر نفس یا عرض محسوب میشود ولو اینکه از ماورین دولتی صادر گردد استعمال هرگونه مقاومت و قوه برای دفاع از نفس یا عرض جایز خواهد بود و برای دفاع از مال جایز است استعمال قولنامه برای رد هر فعلی که بموجب مواد مربوط به سرقت جرم محسوب شده است .

ماده ۱۱۰ - در مواقعی که توسل به قوای دولتی برای دفاع ممکن باشد بدون اینکه وقت فوت شود و ضرری وارد آید موقعی برای عنوان دفاع نخواهد بود .

ماده ۱۱۱ - مقاومت با قوای شهربانی و ژاندارمری و دیگر ضابطین دادگستری در موقعیکه مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمیشود ولی هرگاه قوای مزبور از

حدود وظیفه خود خارج شوند برحسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض بعضی گردد در اینصورت دفاع در مقابل آنها نیز جائز است .

ماده ۱۱۲- در مقام دفاع از نفس و عرض در موارد ذیل قاتل عمد از مجازات معاف خواهد بود .

اول - برای دفاع از قتل یا جرح شدید و ضرب و آزار شدید در صورتیکه خوف از این امور مستند به قرائن معقوله باشد .

دوم - برای دفاع از کسی که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکرام و عنف برآید .  
سوم - برای دفاع از کسی که در صدد سرقت و ربودن انسانی برآید .

ماده ۱۱۳- قتل عمد در مقام دفاع از نفس یا ناموس یا مال بشرط اینکه دفاع متوقف بر آن باشد مجازات نخواهد داشت همچنین در موارد ورود در منزل مسکون یا ملحقات محصور آن در شب بوسیله بالا رفتن از دیوار یا شکستن در یا امثال آن و نیز هر فعلی که برحسب قرائن معقول موجب خوف قتل یا جرح شدید یا ضرب و آزار شدید باشد ، چنانچه قتلی واقع شود مرتکب مجازات نخواهد شد .

در توقیف و حبس غیر قانونی

ماده ۱۱۴- هر کس اعم از حکام و نواب حکام و سایر موزین دولتی و غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عیناً در محلی مخفی نماید محکوم به سه سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی خواهد بود .

کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مزبور مکانی تهیه کرد موبدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به همان مجازات محکوم خواهد شد .

اگر مرتکب قبل از آنکه تعقیب شود شخص توقیف شد مراها کند در صورتیکه شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از ۲ ماه تا شش ماه خواهد بود .

اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون و قیم نسبت به صغیر و معلم نسبت به شاگردان از مفاد این ماده مستثنی میباشند مشروط بر اینکه اقدام اولیاء از حد تادیب و اقدام معلمین از حدود وظایف رسمی مربوط به مدارس تجاوز ننماید .

ماده ۱۱۵- هرگاه مرتکب جرم مذکور در ماده قبل اسم و عنوان مجعول یا اسم و علاقت ماورین دولت یا لباس منتسب به آنها را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی به مقامات مقتضیه ابراز نموده باشد جزای او حبس از ۲ تا پنج سال است و اگر توقیف شده را تهدید

به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد جزای او حبس از ۳ تا ده سال بعلاوه اگر موجبات قصاص و یا دیه فراهم باشد محکوم به قصاص و دیه هم خواهد شد .

### دز جراثم اطفال

ماده ۱۱۶- هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلم دهد به مع ماه الی ۳ سال حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۱۱۷- هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یکماه الی شش ماه حبس است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده مجازات مقصر از یازده روز تا دو ماه حبس خواهد بود .

ماده ۱۱۸- اگر کسی غیر از مادر طفلی را که به او سپرده شده بود در موقع مطالبه اشخاصی که حق مطالبه دارند از دادن امتناع کند به یک الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد .

ماده ۱۱۹- هرکس شخصا یا بتوسط دیگری طفلی را که به سن ۷ سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمیباشد در جائی که خالی از سکنه است رها کند به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۲۰- در مورد ماده قبل هرگاه به طفل یا به شخص عاجز صدمه و آسیب بی وارد آید یا فوت شود رهاکننده در صورتیکه عامد بودن در اقدام خود به جزای قاعده آن صدمه مجازات خواهد شد .

ماده ۱۲۱- هرکس شخصا یا بتوسط دیگری طفلی را که به سن ۷ سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمیباشد در آبادی رها کند به حبس از ۳ ماه تا یکسال محکوم خواهد شد مشروط بر اینکه طفل یا شخص عاجز در تکفل فاعل بوده باشد .

ماده ۱۲۲- در مورد سه ماده قبل اگر مرتکب پدر یا مادر یا کسان دیگری که سمت ولایت نسبت به طفل دارند بوده باشد بحد اکثر مجازات محکوم خواهند شد مگر اینکه ثابت شود که این اقدام در اثر استیصال واقع شده است .

### مخالفت با مراسم دفن اموات

ماده ۱۲۳- هرکس بدون رعایت مراسم و نظامات را جعه به دفن اموات جنازهای را دفن کند یا سبب دفن آن شود از یکماه الی سه ماه محبوس خواهد شد و این غیر از مجازات مقرر برای جرائمی است که ممکنست با این واقعه مقرون باشد .

ماده ۱۲۴ - هرکس جسد متوفائی را پنهان کند از یکماه الی ششماه حبس خواهد شد و اگر جسد، جسد شخصی مقتولی باشد مرتکب برطبق ماده مجازات میشود و هرگاه شرکت در ارتکاب جرمی نیز نموده باشد به مجازات شرکت در آن جرم نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۱۲۵ - هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید از سه ماه الی یکسال محکوم به حبس میشود و هرگاه جرائمی نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آنها هم محکوم خواهد شد. مامورین کشف جرائم که به مناسبت انجام وظیفه نبش قبر می کنند مشمول این ماده نخواهند بود.

### جرائم برضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی

ماده ۱۲۶ - الف - هرکس نسبت بدیگری به عنف یا تهدید مرتکب عمل منافعی عفتی غیر از هتک ناموس گردد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و هرگاه جرم بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل مرتکب در آن مداخلیت نداشته است واقع نشود مجازات مرتکب از ۳ ماه تا یکسال خواهد بود در صورتیکه مرتکب "معلم" یا "لله" یا "مستخدم" مجنی علیه یا مستخدم کسی باشد که نسبت به مجنی علیه سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی باشد که مجنی علیه در تحت اختیار یا نفوذ او واقع شده است، یا مجنی علیه کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد، یا مجنی علیه زن شوهر دار یا دختر باکره باشد، یا مرتکب مرد متاهل باشد یا مجنی علیه بواسطه ضعف قوای دفاعی یا بدنی قادر به مقاومت نبوده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مذکور در فوق محکوم میشود.

هرگاه مرتکب از اقربای نسبی تا درجه سوم و یا از اقربای نسبی درجه اول مجنی علیه (اعم از ذکور و بیانات) و یا قیام او باشد و یا مامور دولت باشد که مجنی علیه از طرف مقامات رسمی به او سپرده شده و یا از مخارم مجنی علیه باشد مجازات او حبس دائم خواهد بود.

نسبت با حکام مذکور در این ماده ورود مرد اجنبی به فراش زن بدون رضای او و به قصد ارتکاب عمل منافعی عفت محسوب میشود.

ماده ۱۲۷ - الف - هرکس به عنف یا تهدید و یا حیله کسی را برای عمل منافعی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور برباید یا مخفی کند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد مگر اینکه بمیل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت و بدون اینکه نسبت به مجنی علیه مرتکب عمل منافعی عفتی شده باشد او را بمنزلی که از آنجا ربوده یا به منزل کسان او و یا به محل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد برساند که در این صورت



مرتکب به یک الی شش ماه حبس محکوم میشود در صورتیکه مجنی علیه کمتر از هجده سال یا زن شوهر دار یا دختر باکره باشد یا به واسطه ضعف قوای دماغی یا بدنی قادر به مقاومت نباشد یا اینکه مرتکب مرد متاهل و یا معلم یا لاله یا مستخدم مجنی علیه یا مستخدم کسی باشد که نسبت به مجنی علیه سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی باشد که مجنی علیه در تحت اختیار یا نفوذ او واقع شده است، مرتکب به حداکثر مجازات فوق محکوم میشود.

ب - هر کس به عنف یا تهدید و یا حیل به شخص یا بوسیله دیگری زنی را برای ازدواج با او بر بایند یا مخفی کند به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد مگر اینکه مرتکب به میل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت بدون اینکه نسبت به مجنی علیها مرتکب عمل منافعی عفتی شده باشد و او را به منزلت کم از آنجا برود و یا به منزلت کسان او و یا به محل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد برساند که در این صورت به حبس از یک تا دو ماه محکوم میشود در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در بند الف همین ماده مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم میشود. در مورد بند ب این ماده اگر مجنی علیها راضی به ازدواج گشته و قبل از صدور قرار مجرمیت ازدواج هم بعمل آمده باشد دیگر مرتکب تعقیب نخواهد شد مگر اینکه مطابق مقررات قانون ازدواج قابل تعقیب باشد که در این صورت به مجازات مقرر در آن قانون محکوم میشود. در موارد مذکور در این ماده اگر عمل مرتکب مشمول یکی از نواد دیگران فصل باشد که مستلزم مجازات سخت تر است مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

ماده ۱۲۸ - هر کس علنا عملی مرتکب شود که منافعی عفت است و یا عفت عمومی را جریحه دار نمینماید به حبس از یک ماه تا یکسال و به سی تا ۵ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۱۲۹ - اشخاص ذیل به حبس از شش ماه تا سه سال و سی الی پنجاه ضربه شلاق محکوم میشوند.

۱ - کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و انات به فساد اخلاق و یا شهوترانی تشویق کند و یا فساد اخلاق و یا شهوترانی آنها را تشهیل نماید.

۲ - کسی که عادتاً دیگری را اعم از ذکور و انات به منافیات عفت و آذین و یا وسائل ارتکاب را برای او فراهم سازد.

ماده ۱۳ - کسانی که عالم مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

- ۱ - هر زن شوهر دار که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد.
- ۲ - هر مرد زن دار که با زنی رابطه نامشروع داشته باشد.
- ۳ - هر مردی که با زن شوهر دار رابطه نامشروع داشته باشد.

- ۴- هرزنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است مزاجت نماید.
  - ۵- هر مردی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است از دواج کند.
  - ۶- هر عاقدی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی تزویج کند.
- ماده ۳۱- الف - اشخاص ذیل به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.
- ۱- هر کس عایدات حاصله از فحشاء زنی را وسیله تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد.
  - ۲- هر کس فاحشه را در شغل فاحشگی حمایت کند.
- ب - هر کس زنی را با علم یا بنگه آن زن در خارجه بشفل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه تشویق کند و یا مسافرت او را به خارجه تسهیل نماید و یا او را ولت یا رضایت خودش به خارجه ببرد و یا برای رفتن بقانجا اجیز کند به حبس از یک سال تا سه سال محکوم میشود اگر چه اعمال مختلفه که مبنای جرم محسوب میشود در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد.
- در موارد ذیل مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد.
- ۱- در صورتیکه زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.
  - ۲- در صورتیکه مرتکب برای انجام مقصود خود به عنف یا تهدید متوسل شده باشد.
- ج - هرگاه مرتکب از اقربای نسبی تا درجه سوم و یا از اقربای نسبی درجه اول مجنی علیه (اعم از ذکور و بیانات) و یا قیام او باشد و یا مامور دولت باشد که مجنی علیه از طرف مقامات رسمی به او سپرده شده و یا از محارم مجنی علیه باشد مجازات او حبس از ۲ تا ۵ سال خواهد بود.
- در مورد بند (ب) این ماده شروع به ارتکاب نیز قابل مجازات است.
- ماده ۱۳۲- اشخاص ذیل به حبس از یک تا یکسال محکوم خواهند شد.
- ۱- هر کس نوشته و یا طرح یا گراور یا نقاشی یا تصاویر یا مطبوعات یا اعلانات یا علائم یا فیلم سینما و یا بطور کلی هر شیئی دیگری را که غفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا تزویج و یا به معرض انظار عمومی گذاردن بسازد یا نگاهدارد هر کس اشیاء مذکور در فوق را شخصا بوسیله دیگری وارد یا صادر کند و بنحوی از آنها منتشر نماید.
  - ۲- هر کس ولو بطریق غیر علنی تجارت اشیاء فوق را بنماید و یا بنحوی از آنها متصدی یا واسطه هر قسم معامله راجع به آنها گردد و یا آنها را منتشر کرده و یا به معرض انظار عمومی گذارده و یا معمولاً از گزایه دادن اشیاء مذکور تحصیل مال نماید.
  - ۳- هر کس برای تشویق به معامله اشیاء مذکور در فوق و یا تزویج آن اشیاء بنحوی از آنها اعلان یا اعلام نماید که فلان شخص فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق میباشد و

همچنین هرکس اعلان یا اعلام نماید که چگونه یا بوسیله چه اشخاص یکی از اشیاء مذکور در فوق را میتوان مستقیماً یا بطور غیر مستقیم بدست آورده محکمه حاکم باید حکم ضبط یا معدوم نمودن اشیاء مذکور را بدهند .

مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که از محصولات صنایع مستظرفه محسوب و یا جنبه علمی داشته و برای مقاصد علمی به اشخاصی که سن آنها بیش از ۱۸ سال است فروخته شده و یا درموزه بعمرض انظار عموم گذارده میشود .

ماده ۱۳۳- هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقین خود را در صورت تمکین ندهد و یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید ، تا تادیه نفقه به حکم دادگاه بازداشت میشود و با پرداخت نفقه و یا استرداد شکایت تعقیب جزائی موقوف میشود .

ماده ۱۳۴- الف - از نظر قوانین جزائی (خواه این قوانین و یا قوانین جزائی دیگر) مقصود از ارتکاب عملی بطور علنی ارتکاب درمروئی و منظر عموم است اعم از اینکه محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکانه ایست که معد برای پذیرفتن عموم باشد از قبیل حمامهای عمومی و قهوه خانه و نمازگاه و مانند آن .

ب - هرکس یکی از جرائم مذکور در این فصل را از روی غرض به کسی نسبت دهد در صورتیکه جرم مزبور در محکمه ثابت نشود مفتزی بنصف حداقل مجازاتی که نسبت داده محکوم خواهد شد و در صورتیکه جرم مستلزم حبس دائم باشد به حبس که کمتر از ۳ سال نباشد محکوم خواهد شد . این ماده مخصوص بمواردیست که مفتزی مجازات معین و خاص دیگری ندارد .

### در قسم دروغ و افشاء سر

ماده ۱۳۵- اطبا و جراحان و قالبها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار میشوند هرگاه در غیر از مواردیکه بر حسب قانون ملزم میباشد اسرار مردم را افشاء کنند بمیکامه تا یکسال حبس محکوم میشوند .

ماده ۱۳۶- هرکس در مورد دعوی حقوقی قسم متوجه اوشده باشد و سوگند دروغ یاد نماید محکوم به یک الی ۳ سال حبس خواهد شد .

ماده ۱۳۷- هرگاه سرقت جامع شرایط مقرر در شرع نبوده ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد جزای مرتکب ۱۵ سال حبس خواهد بود .

۱- سرقت در شب واقع شده باشد .

۲- سارقین دونهفر یا بیشتر باشند .

۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند .

۴- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی بکار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده و یا در جایی که محل سکن یا مهیا برای سکن یا توابع آنست سرقت کرده باشد.

۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.

ماده ۱۳۸- هرگاه سرقت مقرون به آزار یا تهدید باشد مرتکب به حبس از ۳ سال تا ده سال محکوم خواهد شد و اگر جرحی نیز واقع شده باشد به حداکثر مجازات محکوم میشود علاوه اگر مورد اموار اجزای قصاص یا تادیبه دیه باشد علاوه بر مجازات مقرر مرتکب به اجرای قصاص یا تادیبه دیه محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳۹- هرگاه سرقت در شب واقع شده و سارقین دونفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکنفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد جزای مرتکب حبس از ۳ تا ۱۰ سال است.

ماده ۱۴۰- در صورتیکه سرقت مقرون به یکی از شرایط ذیل باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱- سرقت در جایی که محل سکن یا مهیا برای سکنی است یا در توابع آن یا در محلهای عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیره واقع شده باشد.

۲- سرقت در جایی واقع شده باشد که بواسطه درخت یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته.

۳- در صورتیکه سرقت در شب واقع شده باشد.

۴- هرگاه سارقین دونفر یا بیشتر باشند.

۵- هرگاه سارق یکنفر بود ولی حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد.

۶- هرگاه سارق مستخدم بود و مال مخدوم خود را در دید میا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که با اتفاق مخدوم خود بیجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و در خانه یا دکان استاد یا در محلی که عادتاً در آنجا کار نمیکرده سرقت نموده است.

۷- هرگاه سارق کاروانسرا دار یا مهیا نخواهی یا مکاری یا گارازدار و کلیتاً هر کس که حرفه او حمل و نقل اشیاء است بهر وسیله که باشد یا اتباع او بوده و تمام یا قسمتی از اموالی که بمناسبت شغل او سپرده او بوده سرقت نموده باشد.

ماده ۱۴۱- در سایر موارد که سرقت مقرون بشرایط مذکور نباشد جزای مرتکب حبس از دو ماه تا دو سال خواهد بود در مورد این ماده اگر مال یا اموال مسروقه از حیث قیمت کمتر از یک هزار ریال (یکصد تومان) باشد و سارق قبل از تعقیب یا در حین تعقیب و قبل از قطعیت حکم آنها، آنها را عیناً یا قیمتها بوضاحت یا صاحبانش مسترد نماید فقط به ۳۰ الی ۵۰ ضربه شلاق

محکوم خواهد شد و محکمه میتواند نظر باوضاع و احوال قضیه و همچنین سن و سوابق مرتکب و قیمت مال مسروقه مشارالیه را از مجازات معاف دارد. مشروط بر اینکه مدعی خصوصی هم این تقاضا را نموده باشد و مورد از موارد تکرار جرم نیز نباشد.

ماده ۱۴۲- در مورد دوماه قوق هرگاه مدعی خصوصی بامتهم سرقت و قرابت نسبی درجه اول، دوم یا سوم و یا قرابت سببی درجه اول یا دوم داشته باشد تعقیب با گذشت مدعی خصوصی موقوف میشود اگرچه میزان مال بیش از مبلغ یک هزار ریال بوده و عین یا قیمت آن بصاحب یا صاحبانش مسترد نشده باشد.

ماده ۱۴۳- در صورت تکرار جرم علاوه بر رعایت مقررات راجعه به تکرار، ممکن است سارق را زدمدت یک الی ۳ سال از اقامت در مکان مخصوصی منع نمود.

ماده ۱۴۴- مجازات شروع بسرقت حبس از یکماه تا یکسال است.

ماده ۱۴۵- هرکس با علم یا با اطلاع یا با وجود قرائن قویه باینکه شیئی در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده آنرا بنحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نموده یا مورد معامله قرار دهد بهشش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده یا با داشتن شغل دیگری باین کار نیز اشتغال داشته باشد دادگاه او را به حداکثر مجازات محکوم مینماید و علاوه دادگاه میتواند برای مدتی که از یکماه کمتر و از ۳ سال بیشتر نباشد او را بمنع اقامت در محل یا اقامت اجباری در محلی که وزارت دادگستری تعیین می نماید مجبور سازد.

ماده ۱۴۶- مجازات مداخله در اشیائی که قانوناً توقیف شده است بدون اجازه از طرف مقام صلاحیتدار و لومداخله کننده مالک آن اشیاء باشد دو ماه تا دو سال حبس خواهد بود.

ماده ۱۴۷- هرکس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی کلیدی نظیر کلید دیگری را بسازد یا کلید را تغییر و تبدیل دهد که به نقل دیگری بخورد یا هر نوع آلتی برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

#### در تهدید و اکراه

ماده ۱۴۸- هرکس دیگری را به جبر و قهرو یا با کراهت تهدید ملزم نماید باینکه نوشته یا سندی بدهد یا نوشته یا سندی را امضاء یا مهر کند یا سند یا نوشته ای را که مال خود او است یا سپرده یا وست از او بگیرد به حبس از ۳ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۴۹- هرکس بوسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند، به حبس از ۳ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و جزای شروع به این عمل حبس از یکماه

تا شش ماه است .

ماده ۱۵۰ - هرگاه کسی کتبا با امضاء یا بدون امضاء شخصی را تهدید به قتل کند و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید ، به حبس از یک سال الی ۳ سال محکوم خواهد شد و اگر تقاضای وجه یا مال یا انجام امری ننماید ، به حداقل مجازات مزبور محکوم میشود . هرگاه کسی بموسایل مزبور شخصی را تهدید کند به ضررهای نفسی یا شرفی یا بمافشاء شری یا نسبت دادن آموزی که موجب هتک شرف است و بماین واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید ، بمحبس از یکماه الی شش ماه محکوم میشود و در صورت عدم تقاضا محکوم بمحدقل مجازات مزبور خواهد شد . و اگر تهدید شفاهی باشد جزای آن حبس از ۱۵ روز الی یکماه است اعم از آنکه تقاضای وجهی یا کاری همراه آن باشد یا نباشد .

#### در ورشکستگی و کلاهبرداری

ماده ۱۵۱ - کسانیکه درموارد معینه در قانون تجارت بمعنوان ورشکستگی بمتقلب محکوم میشوند و همچنین کسانیکه همدست آنها محسوبند مجازات آنها حبس از ۳ تا ۵ سال است .

ماده ۱۵۲ - مجازات ورشکسته به تقصیر از سماه تا دوسال حبس خواهد بود .

ماده ۱۵۳ - هرکس از رامحیله و تقلب مردم را بوجود شرکتها یا تجارتخانهها ینا کارخانهها یا موسسات موهوم یا بهداشتن اختیارات واهی مفرور کند یا بامور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهائی غیرواقع بترساند و یا اسم یا عنوان یا سمت مجعول اختیارکند و بهیکی از وسائل مذکور یا وسائل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصحا حساب و امثال آنها تحصیل کرده از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و به حبس از شش ماه تا سه سال و سی الی ۵۰ ضربه شلاق محکوم میشود .

در صورتیکه مرتکب عنوان یا سمت مجعول ماموریت از طرف سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها اتخاذ کرده یا اینکه جرم یا استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو و تلویزیون ، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از اشخاص مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی بوده و بمسبب شغل و وظیفه مرتکب جرم شده باشد بمحبس از ۲ تا ده سال و بعلاوه از سی تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد .

تبصره - مجازات شروع به کلاهبرداری حداقل مجازات آن جرم است .

### خیانت در امانت

ماده ۱۵۴ - هرکس از ضعف نفس یا هوس و هوس و یا حیوانی شخص یا بالغ یا شخص غیر رشیدی استفاده کرده بر ضرر او نوشته یا سندی از قبیل تمسک و قبض و حواله و برات و فته طلب و مفاصحا حساب و نوشته امانت یا قبض اشیاء منقوله و اجناس تجاری و غیره و هر چیز که موجب التزامی شود از او بگیرد بهر نحو و بهر طریق که این کار را کرده باشد به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر مرتکب ولایت یا وصایت بر آن شخص داشته مجازات او از سه سال تا هفت سال حبس است .

ماده ۱۵۵ - هرکس از سفید مهری که با او سپرده شده سوء استفاده کرده و از روی تقلب انتقال یا برات دهد یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد محکوم به حبس از یک تا ۳ سال خواهد شد و اگر سفید مهر با او سپرده نشده و خود او بدست آورده باشد در حکم جاعل بوده و مجازات آن را خواهد داشت . در صورتیکه مدعی خصوصی از تعقیب صرف نظر نماید مجازات مرتکب از یک ماه الی شش ماه حبس خواهد بود .

ماده ۱۵۶ - هرگاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس سر و بینه یا بلیطهای بانک یا نوشتجاتی از قبیل تمسک و قبض و غیره به عنوان اجاز یا امانت یا رهن و یا آنکه برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت داده شده و بنا بر این بوده که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نماید به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

### دسیسه و تقلب در کسب و تجارت

ماده ۱۵۷ - کسی که بواسطه اشاعه مجعولات یا اعلانات بی اصل و مجعول و یا گران خریدن اجناس زیاده بر نرخ معین نزد فروشندگان یا بواسطه مواضع و نفاق بین مالکین قیمت اجناس و ابینه یا برات و سهام و امثال آنرا زیاده بر نرخ عادلانه ترقی یا تنزل دهد به حبس از ۲ تا ۴ سال و سی الی ۵۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد .

اگر اقدامات مذکور نسبت به غلات و ارزاق و اشیاء ضروری و کالاهای مورد نیاز عامه باشد دو برابر مجازات مذکور مجری خواهد بود .

ماده ۱۵۸ - هرکس قمارخانه دائر کرده مردم را برای قمار بر آن جادعوت کند یا راه دهد به حبس از ۶ ماه تا دو سال و سی الی پنجاه ضربه شلاق محکوم خواهد شد و تمام تقوید و اسباب متعلقه به قمار که در آنجا باشد برابر موازین شرعی حسب المورد بنفع خزانه دولت ضبط یا معدوم

میشود. مجازات اشخاصی که علنا مشغول به قمار میشوند از یازده روز تا شش ماه حبس و پولهای کمیتر کیبن از این راه بدست آورد مانند بئفخ خزانه دولت ضبط میشود.

ماده ۱۵۹- الف - رقابت مکارانه ممنوع و مرتکب به حبس از ۳ ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. رقابت مکارانه عبارتست از اینکه تاجری برای انصاف مردم از خرید یا استعمال متاعی مشابه متاع خود بوسیله اسباب چینی یا نسبت های کذب یا بطور کلی به هر وسیله متقلبانه دیگر متوسل شده و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تلویحا یا تصریحا در صد میوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع بر آید.

ب - هر کس جنسی را بجای جنس دیگر قلمداد کرده یا کم بفروشد و بطور کلی هر کس مشتری را از حیث کمیت یا کیفیت بیع فریب دهد به حبس از یکالی شش ماه و سی الی ۵۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد و اگر عمل مزبور نسبت به فلزهای قیمتی یا عیار آنها یا اجار کریمه باشد مرتکب به یک الی ۳ سال حبس محکوم میگردد.

مجازات اخیر درباره کسانی که اشیاء نو ساخته را بجای اشیاء غتیقه قلمداد مشتری را فریب دهند نیز مقررات در همه موارد مذکور در فوق پولها نیکه از راه نامشروع بدست آمده بئفخ خزانه دولت ضبط میشود.

ماده ۱۶۰- الف - هر کس نسبت به علامت تجاری ثبت شده در ایران عالما مرتکب یکی از اعمال ذیل شود به حبس از ۳ ماه الی ۳ سال محکوم خواهد شد.

۱- هر کس علامت تجاری غیر را جعل یا با علم به مجعول بودن آن استعمال کند.  
۲- هر کس علامت تجاری غیر را بدون اجازه صاحب علامت استعمال کند اعم از اینکه در روی اوراق یا اعلانات و قبوض و امثال آنها باشد یا در روی محصولات.

۳- هر کس محصولی را به معرض فروش گذاشته و یا بفروش برساند که در روی آن محصول علامت مجعول و یا علامتی باشد متعلق به غیر که صاحب علامت اجازه استعمال آن را نداده.

۴- هر کس علامت تجاری غیر را خواه با الحاق خواه با کسر و خواه با تغییر دادن قسمتی از خصوصیات آن تقلید کند بنحوی که مشتری عادی یعنی کسی که اطلاعات مخصوص ندارد فریب بخورد و یا با علم به تقلیدی بودن آن علامت را استعمال کند.

۵- هر کس محصولی را که دارای علامت مجعول یا تقلیدی بوده و یا دارای علامتی است که من غیر حق استعمال شده است از ایران صادر و یا به مملکت وارد کند.

در تمام موارد فوق اگر مرتکب مستخدم یا کارگر یا نماینده فعلی یا سابق صاحب علامت باشد یا کسی باشد که با صاحب علامت طرف معاملات تجاری شده است به حداکثر مجازات مذکور فوق محکوم خواهد شد.



شروع به جرمهای فوق مستلزم دو ماه تأیید حساب خواهد بود .  
ب - اشخاص ذیل به حبس از یازده روز تا شش ماه محکوم خواهند شد .  
۱ - کسانی که علامت تجارتنی اجباری را در روی محصولی که اجباراً باید دارای آن علامت باشد استعمال نکنند .

۲ - کسانی که عالماً محصولی را به معرض فروش گذاشته یا بفروشند که دارای علامتی نباشد که برای آن محصول اجباری است .

ج - هر تجاویزی که نسبت به حق صاحب ورقه اختراعی که بموجب قانون علائم و اختراعات داده شده به عمل آید خواه با ساختن محصولات و خواه با استعمال وسائلی که موضوع ورقه اختراع اوست جعل محسوب و موجب ۳ الی شش ماه حبس خواهد بود .  
اشخاصی نیز که اینگونه محصولات را با علم به مجعول بودن آن به ایران وارد یا از ایران صادر کنند یا در ایران به معرض فروش گذاشته و یا بفروش رسانند محکوم به مجازات فوق خواهند شد .

د - در موارد ذیل مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد .  
اولاً - در صورتیکه جاعل کارگر یا مستخدمی باشد که در کارخانه یا موسسه مخترع مستخدم یا کارگر بوده است .

ثانیاً - در صورتیکه جاعل با مستخدم یا کارگر مخترع تباہی یا شرکت نموده و بدستکاری او از طریق فنی موضوع اختراع اطلاع یافته باشد در اینصورت کارگر یا مستخدم مزبور هم مطابق مجازات متهم اصلی مجازات خواهد شد .

هـ - هر کس نظر به مقام فنی یا بمقام امانت داری خود از اسرار راجعه به اختراع یا طرز اجزای اختراعی مطلع شده و آنرا افشاء یا بطریق دیگری سوء استفاده نماید بیه حبس از یکسال تا ۳ سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۶۱ - جز در مورد فقرات (ج - د - هـ) ماده که تعقیب جزائی منوط به شکایت مدعی خصوصی است در مورد کلیه جرمهای مذکور در این قانون تعقیب جزائی ممکن است را سایر اطراف دادسرا یا دادارزشکایت مدعی خصوصی بعمل آید .

### در حرق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

ماده ۱۶۲ - هر کس عمداً عمارات و ابنیه یا کشتیها یا کارگاهها و کارخانهها یا انبار و بنطور کلی ایکنه مسکونی یا معد برای سکن متعلق به غیر آتش بزند به سه الی هفت سال حبس محکوم میشود .

بنا بر این در صورتیکه عمارات یا کشتیها یا کارگاهها یا انبارها یا بنطور

ماده ۱۶۳ - هرکس عمارات یا کشتیها یا کارگاهها و کارخانهای غیرمسکون یا انبار یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به غیر را در جاهائی که مراد اختن آنها قانونا ممنوع است آتش بزند. به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم میشود اگر اشیاء مذکور در این ماده متعلق به مرتکب بوده یا متعلق بدیگری بوده و به مالک حریق واقع شده و یا بین واسطه عمدا بدیگری خسارت حرقی وارد شود محکوم به سه ماه الی یکسال حبس خواهد شد .

ماده ۱۶۴ - الف - هرکس تیریاچوبها نیکه برای بنا یا سوزانیدن مهیا شده است آتش بزند از یکماه تا ششماه حبس محکوم میشود .

ب - هرکس وسائل نقلیه چرخدار خالی یا حامل اشیاء منقوله را آتش بزند از ۳ ماه الی یکسال به حبس محکوم میشود چنانچه وسائل نقلیه مزبور وسائل نقلیه موتوری باشند مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد .

ج - هرگاه کسی خرمن یا حاصل زراعی دیگری را آتش بزند به حبس از یکسال تا ۳ سال محکوم میشود اگر اشیاء مزبور متعلق به خود مرتکب باشد یا به امر مالک آتش بزند و به این واسطه عمدا بدیگری خسارت حرقی وارد آورد به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم میشود .

ماده ۱۶۵ - در تمام موارد مذکور در فوق هرگاه حریق اسباب هلاک نفس شود مرتکب به حبس از ۳ سال تا ۱۰ سال و بر اساس موازین شرعی به پرداخت دیه محکوم میشود و در صورت قاصد و عامد بودن در هلاکت نفس به مجازات قتل عمدی نیز محکوم میشود .

ماده ۱۶۶ - هرکس وسائل و ادوات و ابزار زراعتی یا زاغه چهارپایان یا کلبه دهقانی را خراب یا ضایع کند یا بشکند به دو ماه تا یکسال حبس محکوم میشود .

ماده ۱۶۷ - هرکس عمدا و بدون ضرورت چهارپایان و حیوانات اهلی یا ماهی های موجود در آنها را یا حوضها یا استخرها یا اماکن مشابه دیگر که متعلق به دیگری است مسموم کند به یازده روز تا شش ماه حبس محکوم میشود .

ماده ۱۶۸ - هرکس یکی از حیوانات اهلی حلال گوشت دیگری را در غیر موارد مذکور در ماده ۱۶۷ عمدا بکشد یا سم بدهد یا ناقص کند به حبس از یازده روز تا یکماه محکوم خواهد شد .

ماده ۱۶۹ - هرکس عمدا عمارت یا کشتی یا انبار یا کارخانه و کلیتا هر محل مسکون یا معد برای سکن یا کالسکه و واگن و گاری و سایر آلات نقلیه یا راهها و پلها و مجاری آبها و کلیتا هر نوع اشیاء منقول یا غیر منقول را خراب کند یا بهر نحو کلا یا بعضا تلف نماید در

صورتیکه مال خود او نباشد به محبس از غماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۲۰- هرگاه جرائم مذکور در ماده فوق بوسیله به یا مواد محترقه واقع شده باشد جزای آن حبس از ۲ تا پنجسال است .

ماده ۱۲۱- هرکس عالماً دقاتر و قبالات و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از ۲ تا ده سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۲۲- هرکس عالماً اسناد یا اوراق تجارتي یا هرنوع اسنادی که اتلاف آنها موجب ضرر غیراست بسوزاند یا بهر نحو دیگری تلف کند به حبس از یکماه تا دو سال و به تادیه خسارات وارده محکوم خواهد شد .

ماده ۱۲۳- هرنوع نهب و غارت و اتلاف اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از ۳ نفر بنحو قهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس از دو تا چهار سال است .

ماده ۱۲۴- اشخاص دلیل به حبس از یازده روز الی سه ماه محکوم خواهند شد .

اولا- هرکس حاصل دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا بواسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آنست یا با اقدامات و وسائل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود .

ثانیا- هرکس حاصل دیگری را قطع و درو کند .

ثالثا- هرکس عامداً یخ موجود در یخچال دیگری را آب کند .

رابعا- هرکس عامداً حمام یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد .

ماده ۱۲۵- هرگاه جرائم مذکور در فقره اول ماده قبل در شب واقع شده و مرتکبین سمنفر یا بیشتر بوده یا اینکه کمتر بوده ولی لاقفل یکی از آنها حامل سلاح بوده است جزای آن از یک الی ۳ سال حبس خواهد بود .

ماده ۱۲۶- الف- هرکس بدون مجوز قانونی بوسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی ، دیوارکشی ، تغییر حد فاصل و امحاء مرز ، کرت بندی ، نهرکشی ، حفرچاه ، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا درآش زراعی ، جنگلها و مراتع ملی شده ، باغها و قلمستانها ، منابع آب ، تاسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعتی و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت و سایر شرکتها وابسته به دولت یا شهرداریها یا اوقاف ، بمنظور تصرف و یا ذیق معرفی کردن خود یا دیگری ، مبادرت نموده یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق نماید به یک تا سه سال حبس محکوم میشود .

ب - در صورتیکه بشرح فوق اقدام بتجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق نسبت به اراضی و املاک مزروعی و باغها و قلمستانها و تاسیسات کشاورزی و دامی و صنعتی و منابع آب و ابنیه و عمارات متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد مرتکب به ۶ ماه تا دو سال حبس محکوم میشود .

تبصره ۱- در موارد بندهای الف و ب در صورتیکه تعداد متهمین ۳ نفر یا بیشتر باشد و ادله یا قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت متهمین صادر میشود بعلاوه مرتکبین سواى تحمل کیفر حبس به اقامت اجباری از ۳ ماه تا یکسال دریکی از نقاطی که دادگستری جمهوری اسلامی تعیین مینماید محکوم میشود .

تبصره ۲- مدعی خصوصی میتواند از دادگاه جزا تقاضای خلع ید و قلع اشجار و بنا و رفع آثار تجاوز را بنماید .

تبصره ۳- رسیدگی به جرائم فوق الذکر در دادسرا خارج از نوبت بعمل می آید و دادستان یا جانشین او با تنظیم صورت مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهند داد .

ماده ۱۷۷- هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است و محصور باشد به حبس از دو سال تا ۳ سال محکوم خواهد شد و اگر ملک محصور نباشد به حبس از یک سال تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده و سلی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد اعم از اینکه ملک محصور باشد یا نباشد به حبس از ۲ سال الی سه سال محکوم میشود .

ماده ۱۷۸- اگر کسی بموجب حکم قطعی محکوم به خلع ید از مال غیر منقولی و یا محکوم به رفع مزاحمت شده است بعد از اجرای حکم مجرده مورد حکم را عدوانا تصرف یا مزاحمت نماید به حبس از سه تا پنج سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۷۹- هرکس در منزل یا مسکن دیگری بمنفع یا تهدید وارد شود به حبس از دو ماه الی یکسال محکوم خواهد شد .

در صورتیکه مرتکبین دونفر یا بیشتر بوده و یکی از آنها حامل سلاح باشد و یا بیش از ۲ نفر بوده و لو هیچیک مسلح نباشند حبس از ۶ ماه الی ۲ سال محکوم میشوند .

ماده ۱۸۰- هرگاه جرائم مذکور در دو ماده قبل در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم میشود .

ماده ۱۸۱- هرگاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند به حبس از یکسال الی ۳ سال محکوم خواهد شد .

در افترا و توهین و هتک حرمت

ماده ۱۸۲ - هرکس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبور بوسیله نطق در جماع به یک یا چند نفر امری را صریحا نسبت دهد که مطابق قانون مجازات آن امر مجرم محسوب میشود، نسبت دهنده مقتری خواهد بود مشروط بر اینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید.

ماده ۱۸۳ - الف - اگر کسی عالما عاذا بقصد متهم نمودن غیر آلات و ادوات جرم و یا اشیاء حاصله از آن و یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یکنفر موجب اتهام او میگردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان و یا مغازه و یا جیب و یا اشیائی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از ثبوت برائت آن شخص، مرتکب به حبس از یکماه تا دو سال محکوم میشود.

ب - هرکس بقصد اضرار بغیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یا عرایض یا راپورتها یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا بعنوان نقل و قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحا یا تلویحا نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور بنحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی بغیر وارد شود یا نه به حبس از یکماه تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر راپورت از شخص رسمی در حدود صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکور در بند الف باشد مجازات او دو برابر مجرمین عادی خواهد بود.

ماده ۱۸۴ - در صورتیکه اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید از مجازات معاف خواهد بود والا مقتری است.

ماده ۱۸۵ - در صورتیکه اسناد دهنده نتواند اسنادات را ثابت نماید مقتری محسوب و مجازات او حبس از یکماه الی یکسال خواهد بود.

ماده ۱۸۶ - هرکس نظما یا نثرا کسی را هجو کند و آنرا منتشر نماید به حبس از یازده روز الی یکماه محکوم میشود.

در ولگردی و استعمال علنی مشروبات الکلی و قمار بازی

ماده ۱۸۷ - کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی تنبلی و بی قیدی در صد تهیه کار برای خود بر نمی آیند ولگرد محسوب میشوند و به یک تا سی روز حبس و سه تا پنجاه ضربه شلاق محکوم خواهند شد.

ماده ۱۸۸ - دولت مکلف است ولگردان و متکدیان را بکار مناسب وادان نماید در صورتیکه

از قبول کار امتناع نمایند یا برای ظفره از کار فرار کنند. به حبس از یازده روز تا ۳ ماه محکوم میشوند.

ماده ۱۸۹- اگر و لگردان اتباع بیگانهها شد به امر مقامات مسوول از مملکت اخراج میشود.

ماده ۱۹۰- هر کسی متجاهرا و بنحو علن در اماکن و معا بر و مجامع عمومی مشروبات

الکلی استعمال نماید علاوه بر اجزای حد شرعی شرب خمر به سه ماه تا ۶ ماه حبس نیز محکوم میشود.

ماده ۱۹۱- هر کسی اماکن عمومی برای استعمال و صرف مشروبات الکلی از قبیل

رستوران، کازینو، هتل، متل، کافه رستوران، کابازه، پالعه فروشی و امثال آن دایر کند ویا مشروبات الکلی را از خارج وارد ویا در داخل مملکت تهیه کند یا بسازد یا بفروشد به شش ماه تا ۳ سال حبس و سی تا پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود.

ماده ۱۹۲- هر کسی متجاهرا و بنحو علن در اماکن و معا بر و مجامع عمومی قمار بازی نماید یا

بهر نحو قمارخانه‌ها بر کند یا آلات و ادوات و وسائل مربوط به قمار بازی را بسازد ویا وارد کند. یا بفروشد به شش ماه تا سه سال حبس و سی تا پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود.

ماده ۱۹۳- اشخاصیکه در قمارخانهها یا اماکن عمومی معد برای صرف مشروبات الکلی

قبول خدمت کنند یا بنحوی از انحاء بپردازند این قبیل اماکن کمک نمایند. یا شریک شوند معاون جرم محسوب و به مجازات معاون جرم محکوم میشوند.

ماده ۱۹۴- کلیه نقود و وجوه و آلات و ادوات و اثاثه و لوازم مربوط به قمار و مشروب

سازی و مشروب فروشی و مشروبات تیکه در اماکن عمومی برای قمار بازی و مشروب خواری موجود باشند بوسیله ضابطین دادگستری توقیف و دادگاه رسیدگی کننده به جرم ضمن صدور حکم در مورد متهمین حسب المورود دستور به معدوم نمودن یا ضبط نقود و وجوه یا اشیاء به نفع دولت خواهد داد و کلیه اموالیکه متهمین از این طریق تحصیل کرده اند بنفع خزانه دولت مسترد و ضبط میشود.

ماده ۱۹۵- هرگاه معلوم شود یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیت دار

از وجود اماکن نامبرده یا اشخاص مذکور در ماده ۱۹۳ مطلع بوده و مراتب را به دادسرا اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند به حبس از ۳ ماه تا یکسال محکوم میشوند

در مجازات و جرائم مربوط به مواد مخدر

ماده ۱۹۶- از نظر این قانون مواد مخدر به دودسته تقسیم میشوند.

الف- مواد افیونی وحشیش و مشابیهین آن تریاک که از گرز خشخاش بدست میآید

اعم از اینکه بصورت شیره یا منعقد یا جامد و بهر درجه از غلظت و هر نسبت از مرفین باشد.

سوخته تریاک - ماده‌ایکه از سوزاندن تریاک بهر نحوی از آنحاء بدست می‌آید با هر درجه مرفین که داشته باشد .

شیره مطبوخ - ماده‌ایکه از حل کردن سوخته تریاک و یا جوهرنگاری بتنهائی یاباهم و یا همراه با مواد دیگر در آب و جوشاندن آن بدست آید با هر درجه غلظت و هر نسبت مرفین .

تفاله - ماده‌ای که پس از صاف کردن شیره مطبوخ ( قبل یا بعد یا در حین طبخ ) باقی میماند جوهرنگاری ( مایه - سوخته شیره - انس ) ماده‌ای که از سوزاندن شیره مطبوخ بهر نحوی از آنحاء بدست می‌آید با هر درجه مرفین که باشد . هر قرص یا هر معجون و یا هر شربت یا هر محلول ( آبی یا الکلی ) که یکی از مواد مذکور در فوق در آن باشد .

استحصالات جالینوسی تریاک - تنطور اپوم - لدانم دوسیه نهام عصاره تریاک ( مایع یا خشک ) شربت کوکنار اعم از آنکه موافق کندکس فرانسه تهیه شده باشد یا نه .

بنگ - سرشاخه‌های خشک شده گلدار یا به میوه نشسته بوته شاهدانه اعم از آنکه ماده رزینی ( جرس ) آن گرفته شده یا نشده خرد شده یا خرد نشده خالص یا مخلوط با عناصر دیگر باشد .

بنگاب - ( دوغ وحدت ) مخلوط یا خیسانده بنگ در آب یا مایع دیگر بطور خالص یا همراه با عناصر دیگر .

جرس ( حشیش - اسرار ) ماده رزینی که از سرشاخه‌های گلدار یا به میوه نشسته شاهدانه گرفته میشود اعم از خالص یا مخلوط با عناصر دیگر .

استحصالات جالینوسی شاهدانه - تنطور یا عصاره شاهدانه حشیش .

برگ کوکا و استحصالات جالینوسی آن ( گرد - تنطور - عصاره ) .

ب - سایر ادویه مخدر که بشرح زیر به دو گروه تقسیم میشوند .

گروه ۱ - مواد مخدوری که شکل خام و املاح و استحصالات آن از نظر این قانون یکسان و در یک ردیف شناخته میشود عبارتند از .

مرفین و املاح آن و استحصالاتیکه مستقیماً از تریاک بدست آمده و بیش از بیست

درصد مرفین باشد . استحصالاتیکه دو در هزار و یا کمتر مرفین دارد مشمول این مقررات

نخواهد بود مگر آنچه در یک ماده بی اثر مایع یا جامد محلول یا رقیق شده باشد استرهای

مرفین انترآکسیدهای مرفین با استثنای آنچه ذیلاً در گروه ۲ ذکر خواهد شد .

دی استیل مرفین شامل استومرفین ، دیامرفین ، دیافرم ، اکلوریون ، هروئین ،

بتائین و املاح آن - کوکائین و املاح آن و استحصالاتی که مستقیماً از کوکا بدست آمده

و بیش از یک در هزار کوکائین داشته باشد ، استحصالات کمتر از یک در هزار مشمول نمیشود

مگوانچه دریک ماده‌ی اثر مایع یا جامد محلول یا رقیق شده باشد .  
اکوئین و استرهای آن - بنزیل مرفین ( پروتئین نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

دزومرفین ( پرموتید نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست )  
دی‌تیدرومرفین ( پارامرفان نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) و استرهای آن .  
تیدروکدن ( دی‌تیدروکدئیفون ) ( دیکودید نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست )  
و استرهای آن .

تیدرومرفون ( دی‌تیدرومرفیتون ) ( دیلودید نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست )  
متیل دزوفین - متیل دی‌تیدرومرفین - مترون - میروفین - نیکومرفین - نورمرفین -  
اناکس مرفین ( زومرفین ) ترکیبات آن و سایر ترکیبات مرفینی با از ۵ ظرفیتی .  
اکسی‌گدون ( اوپین - اکودال نام دو محصول داروئی اختصاصی آنست ) و استرهای آن .  
اکسی‌مرفون . بتاکون و استرهای آن - پانطویون و سایر محصولاتیکه مخلوط  
آلکالوئیدهای تریاک است .

( پا پاورتوم ) - آستیل متا دول - آلفا متا دول - بتا متا دول - آلفا متیل متا دول - آلفا  
میرویدین - آتی لویدین - پتاسید متا دول - بتا میرویدین - بوتیرات - دودیو - کسافتیل -  
ستومیدون ( کلرادون ، کتوزین کتوگان نام بعضی از استحصالات داروئی اختصاصی آنست )  
دگسترو مورا مید ( ژتروم - یالفیوم - پیرولامیدول ۸۷۵/۱ ) نام بعضی از استحصالات  
داروئی اختصاصی آنست .

دی‌تیل بتامیوتن - دی‌متیل بتامیوتن - دی‌منوکسا دول - دی‌مفتانول ( آمیدول نام  
یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

دی‌بی پانون - استرهای اسید متیل - ( - فنیل پی پرمون - ۴ - گار بوکسیلیک - ۴ - اتیل  
متیل تیا میوتن - اتوکسیریدین - تیدروکسی پتیدین - ایزومتادون - لوومتورفان - لسو و  
مورامید ( از ۸۹۸ نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) - لورفانول ( لورفان نام یک  
محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

متادون ( دولافی - دولولوفین - فنا دون - فیزیتون - پولامیدون نام بعضی از  
محصولات داروئی اختصاصی آنست )

مورفریدین - نور متادون ( نورمدون - تیکاردا - نام دو محصول داروئی اختصاصی  
آنست )  
پتیدین ( دم رول - دولانتین - دولانتول - دولیزان - دولیزینا - دولزال -  
پانتالترین - سوتراژیل - نام بعضی از محصولات داروئی اختصاصی آنست ) .  
مفتادوکسون ( هپالترین نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .



فتومرفان .

پرومیت ازین .

پیروتریپدین (آسپاسمود ولینتیانام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

راسمتوزفان .

راسه مورد امید .

راسه مورفان .

تری مد پریپدین (پرومدول نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

گروه ۲- مواد مخدری که فقط شکل خام و املاح آن مخدر شناخته شده و استحصالات

آن مشمول قانون نمیشود این مواد عبارتند از :

۱- کدئین (متیل مرفین )

۲- دیونین (اتیل مرفین ) .

۳- فولکودین (آتینن و هموکدئین نام دوم محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

۴- استیلی دی تییدروکدئین (استیل کدن نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست )

۵- (دی تییدروکدئین نام یک محصول داروئی اختصاصی آنست ) .

۶- پیرویوکسی فن (داروون نام یک محصول اختصاصی آنست ) .

تبصره ۱- مواد مذکور در این ماده چه از طریق صنعت و چه از اجسام و عناصر طبیعی بدست آیند یکسان شناخته میشوند .

تبصره ۲- مواد مخدر مذکور بهر نام و بهر شکل و بهر دارو اختصاصی که ساخته یا عرضه

شده یا بشوند باز دارو یا ماده مخدر اصلی شناخته میشوند . همچنین این مواد اعم از آنکه

ساخت یا تصفیه یا طبخ آنها کامل شده یا نشده باشد یکسان شناخته میشوند .

تبصره ۳- مواد مخدر مذکور در این قانون ولو آنکه مخلوط با مواد دیگری باشد از نظر

مجازات خالص محسوب میشود .

ماده ۹۷- هرکس بنا بر دلت به کشت خشخاش نماید علاوه بر ابراء کشت برای مرتبه

اول ۳ تا ۱ ده سال حبس و برای دفعات بعدی به ۱ تا ۱۵ سال حبس و جزای نقدی از

پنجاه هزار تومان تا سیصد هزار تومان محکوم میشود .

تبصره - هرگاه ثابت شود که کشت خشخاش بدستور مالک یا مستاجر یا قائم مقام

قانونی آنها بعمل آمده است در اینصورت اشخاص مذکور به حداکثر مجازات مقرر در

و زارع به حبس از ۲ تا پنج سال محکوم میشود .

ماده ۹۸- در هر محلی که خشخاش کشت شده باشد کدخدای رئیس شورای ده مکلف

است فوراً مراتب را به نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری یا دیگر واحدهای انتظامی اطلاع دهد .

رئیس یا جانشین پاسگاه ژاندارمری یا واحد انتظامی مسؤل موظفند بلافاصله به محفل

عزیمت و با حضور کدخدا یا روحانی یا دونفر از مفتدین محلی با تنظیم صورتجلس و ذکر مراتب و مشخصات حاضرین کشت خشخاش را امحاء و جریان امر را با انجام تحقیقات مقدماتی به نزدیکترین مرجع قضائی اعلام و متهم یا متهمین را معرفی نمایند . عدم حضور متهم موجب تاخیر یا مانع اجرای این امر نخواهد بود .

ماده ۱۹۹- در هر محلی که خشخاش کشت شود اعم از اینکه قبل یا بعد یا در موقع برداشت محصول باشد و کدخدا یا رئیس شورای ده در صورت اطلاع به کاشت خشخاش مراتب را به پاسگاه ژاندارمری یا دیگر واحدهای انتظامی مسوول اعلام نکند همچنین در صورتیکه مسولین واحدهای انتظامی با وصول اعلام نسبت به امحاء کشت و تشکیل پرونده و انجام تحقیقات مقدماتی و ارسال پرونده و اعزام متهم به مراجع قضائی اعم از اینکه با متهم یا متهمین تباری کرده یا برسبیل تسامح باشد هریک به دوتای پنج سال حبس محکوم میشوند علاوه مسولین پاسگاههای انتظامی به انقصال ابد از خدمات دولتی محکوم میشوند .

تبصره - کدخدایان و بخشداران و رؤساء پاسگاههای انتظامی در سایر شوراهای ده مکلفند مسترماً برای کشف کشت خشخاش مراقبتهای لازم را معمول دارند و در صورت مسامحه و کشف مزرعه خشخاش در حوزة استحفاظی و خدمتی آنان کدخدا و رئیس شورا برای همیشه از سمت خود محروم و بخشدار و رؤساء پاسگاه از سمت خود برکنار میشوند .

ماده ۲۰۰ الف - هرکس که شغل اصلی یا فرعی او قاچاق مواد مخدر باشد تریاک و سایر مواد افیونی مندرج در بند الف ماده ۱۹۶ ، این قانون را وارد کند یا بسازد یا بفروشد و یا در معرض فروش بگذارد و یا بیش از ۲ کیلوگرم از مواد مذکور را نگهداری یا مخفی یا حمل کند در صورتیکه ثابت شود عالماً عامداً مرتکب شده و حرفهای است به اعدام محکوم میشود و نیز همه اموالیکه از این طریق تحصیل نموده است بنفع خزانه دولت مضاربه مضبوط میشود .

ب - هرکس تریاک و سایر مواد افیونی را بشرح فوق وارد کند یا بفروشد یا بسازد یا در معرض فروش بگذارد یا بیش از ۲ کیلوگرم از مواد مذکور را نگهداری یا حمل یا مخفی کند در صورتیکه ثابت شود عالماً عامداً مرتکب شود بمحبس دائم و پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود علاوه همه اموالیکه از این طریق بدست آورده بنفع خزانه دولت مصادره و ضبط خواهد شد .

هرگاه مواد افیونی مکشوفه مذکور از ۲ کیلوگرم کمتر و از پنجاه گرم بیشتر باشد مرتکب برای دفعه اول به ۳ تا ده سال حبس و پنجاه ضربه شلاق و مصادره و ضبط همه اموال نامشروعی که بدست آورده بنفع خزانه دولت محکوم میشود . چنانچه متهم برای دفعه دوم مرتکب

چنین جرمی شده باشد به ده تا پانزده سال حبس و جزای نقدی معادل دو برابر اموالیکه از راه نامشروع بدست آورده و نیز برای هر بار از تکاب به پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود .

هرگاه مواد افیونی مکشوفه مذکور از پنجاه گرم کمتر باشد مرتکب به یک تا ۳ سال حبس و سی تا ۷۰ ضربه شلاق و پرداخت معادل قیمت یوم الکشف مواد مکشوفه جزای نقدی محکوم میشود . در صورتیکه این مقدار مواد افیونی ( پنجاه گرم یا کمتر ) بسرای مصرف شخصی مرتکب بوده متهم معناد فقط از مجازات حبس معاف میشود .

ماده ۱۰۱-۲ الف- هر کسی که شغل اصلی یا فرعی او قاچاق مواد مخدر یا شد و مواد دسختدر مندرج در بندب ماده ۹۶ این قانون را اعم از مرفین ، هروئین ، کوکائین و مواد مخدر صنعتی و شیمیائی و انیدرید استیک و کلرور استیل ، وارد کند یا بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا بیش از ۵۰ گرم از مواد مذکور را بطور غیر مجاز نگهداری یا مخفی یا حمل کند در صورتیکه ثابت شود عالما عا مداً مرتکب شد موحرفاً بپست بنا عدا م محکوم میشود در صورتیکه موال کشف شده بیش از ده کیلو باشد ، و اگر کمتر باشد تا ۵۰ گرم به حبس بدو محکوم میشود ، بعلا و همهما موالی که از طریق نامشروع بدست آورده بشف خزانة دولت مصادر موصیط خواهد شد .

ب - هر کسی شرح فوق مواد مخدره مندرج در بندب ماده ۹۶ را وارد کند یا بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش گذارد یا بیش از پنج گرم از مواد مذکور را بطور غیر مجاز نگهداری یا مخفی حمل کند در صورتیکه ثابت شود عالما عا مداً مرتکب شده به حبس دائم و ۷۰ ضربه شلاق و پرداخت عدا م معادل دو برابر همهما موالیکه از طریق نامشروع تحصیل کرده محکوم میشود .

هرگاه مواد مکشوفه از پنج گرم کمتر و از یک گرم بیشتر باشد مرتکب به ۳ تا ۵ سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق و پرداخت دو برابر قیمت یوم الکشف مواد مکشوفه جزای نقدی محکوم میشود . هرگاه میزان مواد مکشوفه کمتر از یک گرم هروئین باشد به سی تا هفتاد ضربه شلاق و جزای نقدی معادل دو برابر قیمت مواد مکشوفه در زمان کشف محکوم میشود .

ماده ۲۰۲- در هر مورد اگر ثابت شود حامل مواد مخدر مندرج در مادتین ۲۰۱ و ۲۰۲ این قانون صاحب آن نبوده و متصدی حمل از طرف دیگری است در صورت احراز علم او به مخدر بودن محموله حامل معاون جرم و صاحب مواد مباشر و مجرم اصلی تلقی و به مجازات معاون و مباشر محکوم میشوند .

ماده ۲۰۳- هر کسی یکی از مواد مخدر را بدون لزوم و مجوز طبی به دیگری تزریق کند به ۳ تا ۵ سال حبس محکوم میشود .

ماده ۲۰۴- هر پزشکی که مواد مخدر را بغنوان دارو تجویز نماید در صورتیکه میزان

آن زائد بر ضوابط علوم داروئی و درمانی باشد یا مقدار داروی مخدر تجویز شده بیش از نیازهای درمانی یک هفته بیمار باشد یا تکرار این نوع نسخهها بیش از دوبار باشد مجرم محسوب و به سه ماه تا یکسال حبس و محرومیت از اشتغال به حرفه پزشکی در مدت یکسال محکوم میشود.

ماده ۲۰۵- ساختن، وارد کردن، نگهداری و اختفای و حمل و خرید و فروش آلات و ادوات مربوط به استعمال مواد افیونی و مخدر بکلی ممنوع و متخلف به یکماه تا یکسال حبس محکوم میشود و آلات و ادوات نیز ضبط و معدوم خواهد شد.

ماده ۲۰۶- هرکس متجاهرا و بنحو علنی در اماکن و معابر و مجامع عمومی یا امثال آن مواد مخدر مذکور در این قانون را استعمال نماید به دو تا سه سال حبس و سیالی هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰۷- هرکس محلی را برای استعمال مواد مخدر مذکور در ماده ۱۹۶ این قانون دائر کند یا بنحوی از اختفای، سهیم در منافع محل باشد یا با مرتکب اصلی شریک باشد برای دفعه اول به ۵ تا ۱۵ سال حبس و برای دفعات بعد به اعدام محکوم میشود.

تبصره ۱- هرکس بنحوی از اختفای، با مجرم اصلی مورد این ماده معاونت و همکاری نماید به دو تا ۵ سال حبس محکوم میشود.

تبصره ۲- اشخاصیکه در محل مذکور قبول خدمت نمایند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم میشوند.

ماده ۲۰۸- هرکس اماکن عمومی از قبیل هتل، مثل، مهمانخانه، مسافرخانه، رستوران، کافه و امثال آنرا برای استعمال مواد افیونی و مخدر در معرض استفاده قرار دهد، برای دفعه اول به ۵ تا ۱۵ سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهند شد.

ماده ۲۰۹- هرگاه ماورین تعقیب و کشف و ضبط مواد مخدر با علم به وقوع جرائم مذکور بوسیله شخصی یا اشخاصی از انجام وظیفه برای کشف و تعقیب خودداری کنند، یا مواد مکشوفه را کلا یا بغضای بفتح متهم از بین برده یا تصاحب نمایند، به حبس از ۵ تا ده سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم میشوند.

ماده ۲۱۰- هرکس بقصد متهم کردن غیر و یا رهایی خود از مجازات شخصایا به هر وسیله مواد مخدر مذکور در ماده ۱۹۶ این قانون را در محلی (اعم از محل سکونت یا محل کار و نحو آن) قرار دهد که موجب شود دیگری تحت تعقیب واقع شود و در جریان تحقیقات و رسیدگی بیگناهی او احراز شود، توطئهکننده به حداکثر مجازات جرم موضوع توطئه محکوم خواهد شد.

همچنین اگر یکی از جرائم مربوط به مواد مخدر را برخلاف واقع و با سوء نیت به دیگری نسبت دهد، مقتری محسوب و در صورت شکایت مدعی خصوصی متهم به شش ماه

تا یکسال محکوم میشود .

ماده ۲۱۱ - وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران بمنظور تامین مصارف داروئی و علمی کشور همساله بمنگام تنظیم و تقدیم لایحه بودجه کل کشور یا ذکر ادله و جهات موجهه مقادیر مواد مخدر مورد نیاز یکساله کشور را پیشنهاد و با اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی اقدام به خرید و وارد کردن مواد مذکور خواهد نمود .

ماده ۲۱۲ - هر یک از کارمندان دولت یا شرکتهای و موسسات وابسته به دولت یا شهرداریها که معنادر بمواد مخدر بوده یا بشوند ، از خدمات دولتی منفصل میشوند .

ماده ۲۱۳ - استخدام در ادارات و موسسات و شرکتهای دولتی ، اشتغال بهکار در کارخانجات دولتی و غیردولتی ، اخذ گذرنامه ، گواهینامه رانندگی ، پروانه کسب ، کارت بازرگانی و نیز ثبت واقعه ازدواج منوط است به ارائه گواهینامه عدم اعتیاد بمواد مخدر که وزارت بهداشتی مکلف است ظرف مدت شش ماه مراکز برای صدور گواهینامه مذکور تعیین و اعلام دارد .

ماده ۲۱۴ - دادگاه میتواند ضمن و یا بعد از صدور حکم نسبت به متهمینی که به موجب مواد ۱۹۷ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۸ - ۲۰۹ این قانون به حبسهای طولانی محکوم شده یا بشوند ، حکم نگاهداری در تبعیدگاهها را صادر کند در چنین صورتی نگاهداری در تبعیدگاه جانشین مجازات حبس خواهد بود و تبعید شدگان بکار مناسب در کارگاههای صنعتی یا مزارع کشاورزی و یا اردوگاهها اشتغال خواهند داشت .

ماده ۲۱۵ - برای کلیه کسانی که بابتهم ارتکاب جرائم مذکور در مواد ۱۹۷ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۱ تحت تعقیب هستند ، چنانچه دانه و قرائن قوی بر توجه اتهام بمتهمین باشد ، قرار بازداشت موقت آنان صادر و تا شروع دادرسی در صورت براهت از اتهام انتسابی آزاد و الا بازداشت تا پایان مدت مجازات معینا داده خواهد داشت .

ماده ۲۱۶ - کلیه اموال منقول و غیر منقول اشخاصی که بعلت ارتکاب جرائم مندرج در مواد ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۸ - ۲۰۹ تحت تعقیب قرار میگیرند ، بدستور دادستان توقیف و در صورت احراز بزهکاری متهم در دادگاه ، بنفع خزانه دولت مصادر موصیط خواهد شد .

تبصره ۱ - در صورتیکه اشخاص فوق الذکر دارای عائله تحت تکفل و دین باشند ، دادگاه صادرکننده حکم پس از وضع قسمتی از اموال محکوم علیه از قبیل محل سکونی و هزینه زندگی و پرداخت دین بمنظور تامین مسکن و معیشت و حوائج ضروری دیگر حکم بمصادره و ضبط بقیه اموال محکوم علیه بنفع خزانه دولت صادر خواهد نمود .

تبصره ۲ - متهمین معنادر بباستعمال مواد مخدر چنانچه تا پنجاه گرم تریاک و مواد

افیونی یا یکگرم، از سایر مواد مخدر از آنان کشف شده باشد، از صادره و ضبط اموال معاف خواهند بود.

ماده ۲۱۷ - محل استعمال و ساختن (کارگاه) مواد مخدر پس از کشف بلافاصله بدستور دادستان یا جانشینان قانونی او بسته خواهد شد، چنانچه محل مذکور یک قسمت از خانه مسکونی باشد که اشخاص دیگری هم در آن محل سکنی دارند، فقط قسمتی که محل استعمال و ساختن (کارگاه) بوده بسته میشود، در صورتیکه دایرکننده و سازنده مالک محل باشند ملک مزبور بِنفع خزانه دولت صادره و ضبط میشود.

چنانچه محل مذکور استیجاری باشد، اجازه منفسخ و با حضور نماینده دادستان ملک مورد اجازه تسلیم موجد خواهد شد و در صورتیکه موجد با علم و اطلاع محل مذکور را بعداً برای استعمال مواد مخدر اجازه دهد یا واگذار نماید، به مجازات معاون جرم محکوم خواهد شد.

تبصره - در مورد محل فروش یا ساختن (کارگاه) مواد مخدر، در صورتی که محصل دارایی پروانه کسب مجاز باشد، بلافاصله توقیف و در صورت محکومیت متهم اموال و سرقلمی آن بِنفع خزانه دولت صادره و ضبط خواهد شد.

#### قانون تشدید مجازات رانندگان

ماده ۲۱۸ - هرگاه قتل غیر عمدی بواسطه بی احتیاطی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایل نقلیه زمینی یا آبی) و یا متصدی وسیله موتوری یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود، مرتکب از دو سال تا سه سال حبس و نیز به تادیبه دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم میشود.

ماده ۲۱۹ - در مورد ماده قبل هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری مست بوده یا پروانه نداشته و یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت میکرده و یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب میکانیکی به کار انداخته و یا در محلهائی که برای عبور پادشاه و رعایا مخصوص گذارده شده مراعات لازم ننماید و یا از محلهائی که عبور از آن ممنوع گردیده رانندگی نموده از دو سال تا پنج سال حبس و از پنج سال الی ده سال محرومیت از حق رانندگی یا تصدی به وسایل موتوری و نیز در صورت مطالبه دیه از طرف اولیای دم به پرداخت دیه محکوم می شود.

ماده ۲۲۰ - هرگاه راننده یا متصدی وسیله موتوری بواسطه بی احتیاطی و یا عدم مهارت موجب صدمه بدنی شود که مدت معالجه آن کمتر از دو ماه و یا دو ماه بطول انجامد و یا موجب سلب قدرت کار از مصدوم در مدت دو ماه یا کمتر از آن گردد، به حبس از دو ماه تا شش ماه و نیز در صورت مطالبه دیه از ناحیه مصدوم به تادیبه دیه محکوم و در صورت گذشت مصدوم تعقیب مجرم با اجزای حکم موقوف می گردد.

ماده ۲۲۱ - هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری بواسطه بی احتیاطی یا عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت موجب صدمه بدنی شود که معالجه آن بیش از دو ماه بطول انجامد و یا موجب سلب قدرت کار از مصدوم زائد بردو ماه بشود و یا باعث ضعف دائم یکی از حواس ظاهر یا یکی از اعضاء بدن بشود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیفتد و یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود، مرتکب به محبس از سه ماه الی دو سال و نیز در صورت مطالبه دیه از طرف مصدوم به پرداخت دیه محکوم و با گذشت مصدوم تعقیب مجرم با اجرای حکم موقوف می گردد.

ماده ۲۲ - هرگاه ضدمه بدنی غیر عمدی که به جهات مندرج در ماده ۴ واقع شود، موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس ظاهر و یا نقصان یا از کار افتادن دست و یا از کار افتادن عضو دیگری از اعضاء بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسانی را انجام میدهد و یا از بین رفتن قوه تناسلی یا نقصان دائم در نطق یا تغییر شکل دائم عضو و یا صورت شخصی یا سقط جنین شود، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و نیز در صورت مطالبه دیه از ناحیه مصدوم به پرداخت دیه محکوم می شود.

ماده ۲۲۳ - رانندگان وسایل نقلیه که روی ریل حرکت میکنند در صورتی مشمول این قانون خواهند بود که برای عمل آنان در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب فروردین ۱۳۲۵ مجازاتی معین نشده باشد.

ماده ۲۲۴ - دادگاه ذر مورد مواد قبل بنا به تقاضای مدعی خصوصی نسبت به مجبران خسارات مادی وارده بر متضرر از جرم رسیدگی و حکم دهد.

تبصره - دادستان مکلف است به هر وسیله که مقتضی بداند تا قبل از جلسه اول به شاکی اطلاع دهد که اگر راجع به ضرر و زیان خود تقاضائی دارد، دادخواست خود را با دلائل به دادگاهی که به ماثر کیفری رسیدگی می نماید، تقدیم کند و دادگامان این دادخواست را در طول مدت دادرسی تا قبل از صدور حکم خواهد پذیرفت ولی اگر دادخواست تا ختم رسیدگی داده نشده و دادگاه از رسیدگی به ماثر کیفری فراغت یافته باشد، به تقاضای دادستان میتواند حکم دعوای عمومی را قبلاً صادر نماید و راجع به دعوای ضرر و زیان پس از تکمیل رسیدگی حکم دهد.

ماده ۲۲۵ - در کلیه موارد مذکور در این قانون هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی یا استمداد از مامورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا بمنظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند بر حسب نتیجه حاصل از صدمه وارده به حداکثر مجازاتهای مقرر در مواد یک

الی پنج این قانون محکوم خواهد شد در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه نمی تواند مجازات را به کمتر از حداقل مجازات مقرر در مواد مذکور تنزیل دهد و یا از مقررات قانون تعلیق مجازات استفاده کند. هرگاه موضوع اتهام با مواد ۳ و ۴ این قانون منطبق باشد، با گذشت شاکی تعقیب یا اجرای حکم موقوف می گردد. راننده در صورتی می تواند برای انجام تکلیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رساندن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد. در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا بهر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

ماده ۲۲۶ - هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی وسایل نقلیه موتوری نماید و هم چنین هرکس بموجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد و برانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس از یازده روز تا دو ماه محکوم خواهد شد و در صورتیکه دفعات بعد نیز مرتکب بزه مذکور شود، بدون رعایت مقررات مربوط به متکرران به حبس از دو ماه تا شش ماه محکوم میشود.

تبصره - کلیه رانندگان مکلفند در حین رانندگی گواهینامه رانندگی خود را همراه داشته باشند، در غیر اینصورت مشمول مقررات آئین نامه امور خلافی خواهند شد.

ماده ۲۲۷ - هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند، اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند، از سماء تا یک سال حبس و به پنج سال انفضال از خدمت دولت محکوم خواهند شد. و همین مجازات مقرر است درباره کسانی که گواهینامه مزبور را مورد استفاده قرار دهند.

ماده ۲۲۸ - در مورد مواد ۳ و ۴ و ۵ هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده و یا پروانه نداشته و یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می کرده و یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب میکانیکی به کار انداخته باشد، به حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - هر یک از افسران و اعضاء شهربانی و ژاندارمری و ارتش و روسا و اعضاء شهرداری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در بکار انداختن وسایل نقلیه در امور رانندگی عمومی و حمل و نقل بهر عنوان اعم از مالکیت یا اجازه یا شرکت دخالت نمایند به سماء الی یک سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۲۳۰ - هر راننده وسیله نقلیه که در دستگاه ثبت سرعت آن وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی را نشان دهد، یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله رانندگی کند، به حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.

وزیر دادگستری

نخست وزیر